



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

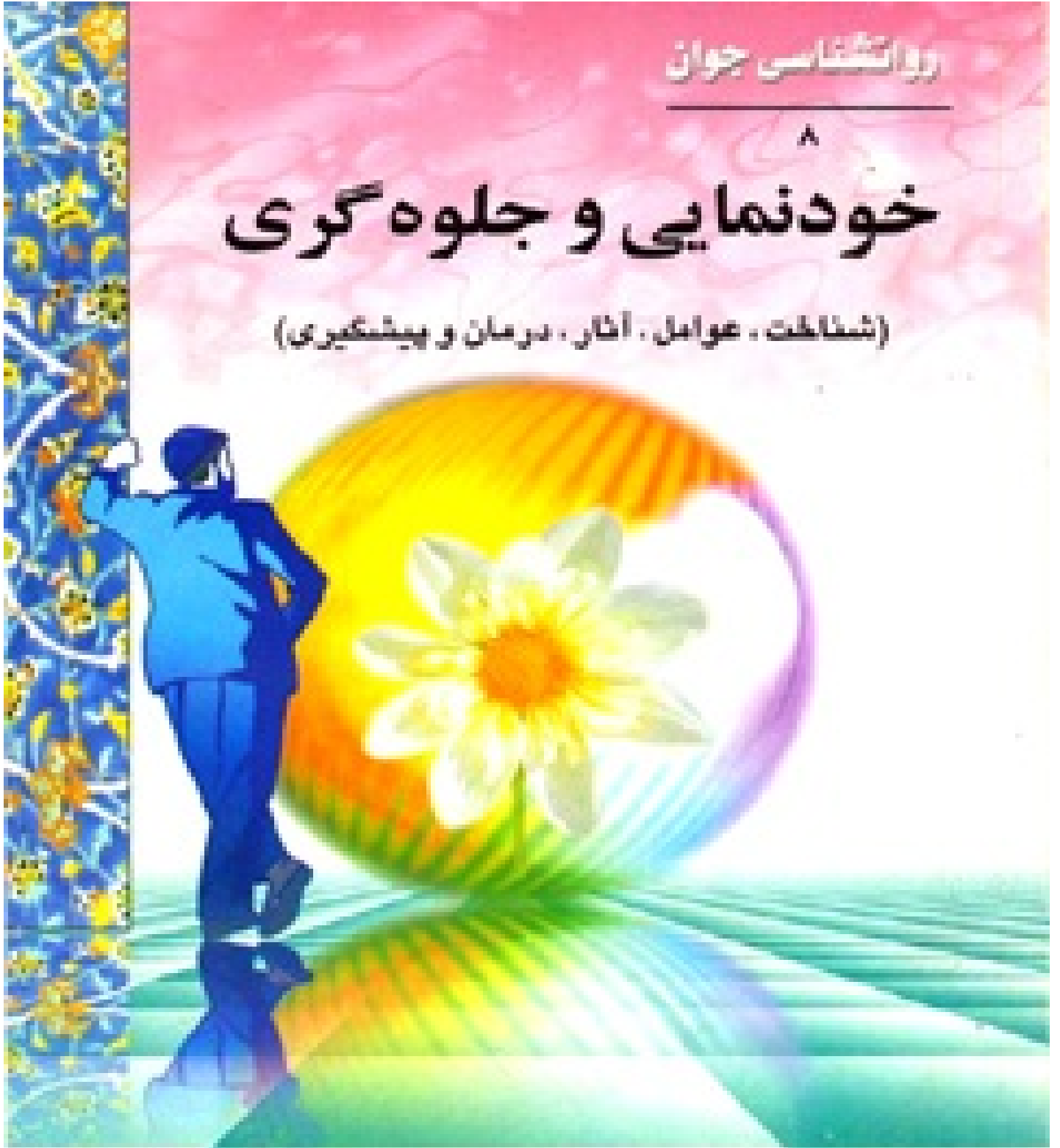
www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

روانشناسی جوان

۸

خودنمایی و جلوه گری

(شخصیت، عوامل، آثار، درمان و پیشگیری)



محمد حسین حق جو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روانشناسی خودنمایی و جلوه‌گری هیستیری: (شناخت، پیشگیری، ابعاد، آثار و درمان)

نویسنده:

محمد حسین حق جو

ناشر چاپی:

المهدی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	روانشناسی خودنمایی و جلوه‌گری هیستیری : (شناخت، پیشگیری، ابعاد، آثار و درمان)
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۸	نابسامانیهای روانی
۱۸	تأثیر بیماری در بُعد جسمی
۱۹	بیماریهای روحی
۱۹	هیستیری
۲۰	جلوه‌های بیماری هیستیری
۲۰	اشاره
۲۰	۱ - لباس
۲۰	اشاره
۲۲	الف: تغییرات در مدل
۲۲	ب: تغییرات در رنگ
۲۳	ج: تغییر در جنس لباس
۲۳	د: جلوه‌های ظاهری لباس
۲۴	ه: استفاده ناصحیح از لباس
۲۴	و: مصرف گرایی
۲۵	ز: لباسهای ناموزون
۲۶	۲ - پذیراییها
۲۶	اشاره
۲۶	اسراف در خوردن و نوشیدن
۲۸	پرخوری
۳۰	۳ - آرایش

۳۰ اشاره

۳۰ آقایان

۳۰ خانمها

۳۱ ۴ - نمادهای ظاهری

۳۲ ۵ - امور اعتباریه و ادعاهای کاذب

۳۲ اشاره

۳۲ ارتباطات

۳۲ استفاده از عبارات و اصطلاحات

۳۴ ادعاهای قبل از ازدواج

۳۴ هدف از ازدواج

۳۵ ترغیب به ازدواج

۳۵ انتخاب همسر

۳۷ مزایای ازدواج

۳۹ ۶ - انتقاد بی جا

۳۹ اشاره

۴۱ هشدار

۴۱ ۷ - استفاده از نامهای عجیب

۴۱ اشاره

۴۱ اسم فرزند

۴۲ اسلام و انتخاب نام

۴۳ اسم مکان

۴۳ ۸ - استفاده از دستاوردهای بیگانه

۴۳ اشاره

۴۳ لباس خارجی

۴۴ غذاهای خارجی

۴۴ لوازم منزل

۴۵	اسلام و مصرف گرایی
۴۷	۹ - تغییر متعلقات
۴۸	۱۰ - دروغگویی
۴۸	۱۱ - تهمت، تمسخر و استهزاء دیگران
۴۹	۱۲ - تظاهر به بیماری
۵۱	۱۳ - تغییر مواضع
۵۱	عوامل بیماری هیستیری
۵۱	اشاره
۵۳	۱ - ژنتیک
۵۳	۲ - جامعه و محیط
۵۳	اشاره
۵۴	تبلیغات
۵۴	تهاجم تبلیغاتی
۵۵	۳ - جهالت و نادانی
۵۵	اشاره
۵۵	اسلام و جهالت
۵۷	اثرات جهل
۵۷	اشاره
۵۷	۱ - افراط و تفریط
۵۷	۲ - هدایت نمی شوند
۵۷	۳ - دین ندارند
۵۷	۴ - بیهوده می خندند
۵۷	۵ - مفسد هستند
۵۹	۶ - از نعمتها استفاده درست نمی کنند
۵۹	۷ - جهل منشأ گناهان
۵۹	اشاره

۵۹	اعتماد
۵۹	ارتباط نامشروع
۶۱	اعمال خلاف
۶۱	سوء رفتار
۶۱	اولیاء
۶۳	خانواده
۶۵	اجتماع
۶۵	آزادی یا هرج و مرج
۶۷	۴ - قدرت طلبی
۶۷	اشاره
۶۸	طغیان در قرآن
۷۰	کمال جویی
۷۰	شناخت مرز کمال و قدرت
۷۱	۵ - عقدهٔ حقارت
۷۱	اشاره
۷۱	فقر مالی
۷۳	افت تحصیلی
۷۳	مشکلات ازدواج
۷۴	ضعف در زیبایی
۷۴	نواقص جسمی
۷۵	۶ - ضعف اراده
۷۵	۷ - عدم اعتماد به نفس
۷۶	۸ - شکستها و ناکامیها
۷۶	اشاره
۷۶	آزمایش و امتحان
۷۸	صبر در مشکلات

۷۸	۹ - عدم اعتقاد به قیامت
۷۸	اشاره
۸۰	معاد در اسلام
۸۰	در وجود قیامت شکی نیست
۸۲	مناظره در قیامت
۸۲	مناظر خداوند و انسان
۸۳	مؤمن و کافر
۸۵	انسان و بدن خود
۸۵	انسان و شیطان
۸۵	انسان ضعیف و مستکبر
۸۶	انسان گناهکار در قیامت
۹۰	برپایی قیامت
۹۲	حالات مردم در قیامت
۹۲	از یکدیگر فرار می کنند
۹۲	مادر فرزند را فراموش می کند و مردم مست هستند
۹۲	مردم فوج فوج می شوند
۹۲	هر کس به دنبال امام خود روان است
۹۴	به اعمال مقدم و مؤخر علم پیدا می کنند
۹۴	مال و فرزند به درد انسان نمی خورد
۹۴	حسابرسی اعمال، خوب و بد
۹۴	نزدیکی بهشت و دوزخ
۹۴	حالات دوزخیان
۹۶	حالات بهشتیان
۹۶	آثار فردی
۹۶	اشاره
۹۶	۱ - شخصیت متزلزل

۹۶	اشاره
۹۸	الف: عالم ربانی
۹۸	ب: دانشجویان
۱۰۰	ج: انسانهای بی ثبات
۱۰۰	۲ - حماقت
۱۰۲	۳ - عدم آگاهی
۱۰۲	۴ - عدم پناهگاه معنوی
۱۰۴	۵ - نفاق
۱۰۴	اشاره
۱۰۴	علامات نفاق
۱۰۷	آثار نفاق
۱۰۹	۶ - تکبر
۱۱۱	۷ - ریاکاری
۱۱۱	اشاره
۱۱۱	منت گذاری
۱۱۳	ریا در اسلام
۱۱۳	علامت ریا
۱۱۵	عاقبت ریا
۱۱۵	اخلاص
۱۱۷	آثار اجتماعی
۱۱۷	اشاره
۱۱۷	۱ - سلطه و نفوذ فرهنگ بیگانه
۱۱۷	۲ - شیوع گناهان
۱۱۷	اشاره
۱۱۹	پوشش
۱۱۹	اسراف

- ۱۱۹ بیهوده گرایی -
- ۱۱۹ فخرفروشی -
- ۱۱۹ انحراف جنسی -
- ۱۲۰ تحقیر و تمسخر دیگران .
- ۱۲۰ اشاعهٔ فحشاء .
- ۱۲۰ آثار گناه -
- ۱۲۴ ۳ - اسراف در مال و ثروت -
- ۱۲۴ اشاره .
- ۱۲۴ انفاق .
- ۱۲۶ قرض .
- ۱۲۸ احسان و نیکوکاری .
- ۱۳۰ ایجاد مراکز عام المنفعه .
- ۱۳۱ پاکسازی مال از حقوق الهیه .
- ۱۳۳ عاقبت روی گردانی از زکات .
- ۱۳۵ ۴ - تحریک جنسی .
- ۱۳۵ اشاره .
- ۱۳۵ تحریک قبل از بلوغ .
- ۱۳۷ تحریک جنسی در جوانی .
- ۱۳۷ تحریک جنسی بعد از ازدواج .
- ۱۳۸ ۵ - بیهوده گرایی .
- ۱۳۸ اشاره .
- ۱۳۸ هشدارهای خداوند .
- ۱۴۰ آثار بیهوده گرایی .
- ۱۴۲ درمان .
- ۱۴۲ اشاره .
- ۱۴۲ اول: شناخت عامل بیماری .

- دوم: شناخت ارزشها - - - - - ۱۴۴
- اشاره - - - - - ۱۴۴
- آموزش ارزشها - - - - - ۱۴۴
- اشاره - - - - - ۱۴۴
- الف: تقوی - - - - - ۱۴۴
- اشاره - - - - - ۱۴۴
- نشانه های تقوی - - - - - ۱۴۴
- عاقبت تقوی - - - - - ۱۴۷
- ب: صرفه جویی - - - - - ۱۴۸
- ج: انجام فرامین مذهبی - - - - - ۱۵۰
- د: اخلاق اسلامی - - - - - ۱۵۰
- اخلاق خوب - - - - - ۱۵۲
- نشانه های اخلاق خوب - - - - - ۱۵۴
- سوم: جایگزینی ارزشها - - - - - ۱۵۶
- چهارم: درمان تدریجی - - - - - ۱۵۶
- پنجم: توجه به توان و استعداد - - - - - ۱۵۶
- ششم: استمرار - - - - - ۱۵۷
- هفتم: خودشناسی؛ اعتماد به نفس - - - - - ۱۵۷
- هشتم: مراقبت - - - - - ۱۵۹
- نهم: محاسبه نفس - - - - - ۱۶۱
- عدم محاسبه نفس - - - - - ۱۶۳
- دهم: پرهیز از چشم چرانی - - - - - ۱۶۵
- چشم چرانی و آثار آن - - - - - ۱۶۵
- یازدهم: پرهیز از ادعاهای دروغ - - - - - ۱۶۵
- اشاره - - - - - ۱۶۵
- مفاسد دروغ - - - - - ۱۶۷

۱۶۹ دوازدهم: تواضع و فروتنی
۱۶۹ اشاره
۱۷۱ نشانه های تواضع
۱۷۲ آثار تواضع
۱۷۲ سیزدهم: برنامه ریزی اوقات فراغت
۱۷۲ اشاره
۱۷۶ استمرار
۱۷۶ چهاردهم: نظارت عمومی
۱۷۶ اشاره
۱۷۸ ترک نظارت و عواقب آن
۱۸۱ مدارک و منابع
۱۸۳ درباره مرکز

روانشناسی خودنمایی و جلوه‌گری هیستیری : (شناخت، پیشگیری، ابعاد، آثار و درمان)

مشخصات کتاب

سرشناسه : حق جو، محمدحسین، - 1333

عنوان و نام پدیدآور : روانشناسی خودنمایی و جلوه‌گری هیستیری : (شناخت، پیشگیری، ابعاد، آثار و درمان)/ محمدحسین حق جو

مشخصات نشر : قم: المهدی، 1375.

مشخصات ظاهری : ص 102

فروست : (معارفی از قرآن و عترت علیهم السلام 41)

شابک : بها:3500ریال

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر : هیستیری

موضوع : روانشناسی اسلامی

غرور

اخلاق اسلامی

رده بندی کنگره : BP232/65/ح 7ر 94

رده بندی دیویی : 297/485

شماره کتابشناسی ملی : م 75-8059

ص: 1

اشاره

روانشناسی:

خودنمایی و جلوه‌گری

(هیستیری)

شناخت، پیشگیری، ابعاد، آثار و درمان

محمدحسین حق جو

ص: 1

به نام خدا، به یاد امام مهدی

شکر خدای را که توفیق عنایت کرد تا با الهامات ویژه او توانستم اثر دیگری را در رابطه با مسائل و مشکلات نسل جوان به صورت ساده و کاربردی تقدیم جامعه فرهنگی نمایم.

سلام و درود بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و خاندان گرامیش علیهم السلام که با تبیین معارف الهی و رساندن آن به ما تلاشها کردند و زجرها کشیدند تا ما بتوانیم از این سرچشمه جوشان الهی بهره مند شده و به حقیقت جویان نسل خود تحویل دهیم.

رحمت و برکات بی پایان الهی بر اولیاء و شهداء عظیم الشان که با ایثار جان، مال و آرامش خود این گوهرهای ملکوتی «معارف الهی» را به ما رساندند تا ما بتوانیم فطرت و وجدان تشنه خود را سیراب سازیم.

پاینده و پرثمر باد اساتید و راهنمایانی که افکار خداجوی ما را به سوی این معارف زلال و کمال آفرین رهنمون شدند.

امتنان و تشکر فراوان از برادران فرهنگی و جوانان عزیز سراسر کشور که با تشویق و قدردانی و راهنمایی های مفید خود مرا به استمرار این کار و تلاش بیشتر ترغیب کرده و می کنند.

کارهای کوچک من شایسته این همه لطف عزیزان نیست. نمی دانم چگونه از افراد تقدیر و تشکر کنم که با ارسال نامه ها، تلفن ها و حضوری بنده را مورد لطف قرار می دهند.

بارها شاهد بوده ام که فردی از راه بسیار دور به دفتر آمده و بعد از تمجید فراوان اعلام داشته که آمده ام فقط از زحمات شما تشکر کنم، من جوابی جز این نداشتم که بنده انجام وظیفه می کنم و کسی که برای انجام وظیفه الهی کار می کند نیازی به تشکر ندارد همانطور که وقتی انسان نماز می خواند انتظار ندارد که مردم از او قدردانی کنند.

در هر حال نامه ها و تلفن های فراوان عزیزان مرا بر آن داشت که در این اثر به طور کلی قدردانی کرده و عذرخواهی کنم از اینکه نمی توانم ابراز علاقه آنها را جداگانه جبران کرده و تشکر نمایم.

ص: 2

برخی خواسته اند که کاری به عنوان جبران انجام دهند و بنده تقاضای عاجزانه دارم که برای نسل جوان همفکر، و مددکار باشند که این یکی از آرزوهای دیرینه من بوده است.

از آنجا که خودنمایی یکی از عوامل مهم در شکل آفرینی نسل جوان بوده و امروزه دشمن از همین عامل و بیماری برای ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی بلکه شبیخون فرهنگی بهره جسته و می جوید، بعد از بررسی اجمالی به سرفصل مشکلات جوانان از میان هزاران نامه بر آن شدم که به یاری خدای متعال و استمداد از فرهنگ غنی معارف اهل بیت علیهم السلام به برخی مسائل این امر به طور کوتاه و روان بپردازم. امید است مفید واقع گردد.

اگر گاه در برخی موارد به مسائل بسیار ساده و حتی کم یافت در جامعه پرداخته شده است ولی همین جزءها وقتی متراکم شود هدف دشمن تأمین می گردد. (1)

ممکن است در برخی سرفصل ها توضیح زیادتری داده شده که به نظر ضروری رسیده است، اگرچه ممکن است برای خواننده محترم بجا نبوده باشد.

ادعا ندارم که کار خیلی علمی است چون هدف آگاهی جوانان عزیز به صورت ساده و روان است و لذا از اصطلاحات خشک علمی پرهیز شده و با مثالهای ملموس همراه شده است، استفاده از آیات و روایت هم فقط برای نورانیت مطالب بوده است و حتی در این امر هم غرض تحلیل و تعبیر و تبیین علمی نبوده است. زیرا اعتقاد بنده این بوده و هست که برای جوانان باید به زبان آنها سخن گفت و همانطور که آنها با هم حرف می زنند و فکر می کنند مطلب نوشت.

در پایان از برادران و خواهران عزیزی که نظرات خود را چون گذشته بدون اغماض و بزرگواریه مطرح می کنند تشکر می شود.

باز هم از خدای متعال تشکر می کنم و بر ارواح مطهر حضرت معصومین علیهم السلام درود می فرستم که توفیق دادند چهل و یکمین اثر خود را با وام گیری از معارف آنان تقدیم عزیزان جوان نمایم.

از جوانان عزیز هم تقاضا دارم از خداوند بخواهند توفیق بیشتری را نصیب این بنده ناچیز نمایند.

والسلام

حوزه علمیه قم

محمدحسین حق جوی.

ص: 3

از جمله عوارض زندگی ماشینی و عصر علوم و تکنولوژی، نابسامانیهای روانی است.

کشورهای جهان سوم از جمله قربانیان این مشکلات می باشند.

ارتباط پیشرفته علوم و مشکلات روانی مسئله تهاجم فرهنگی و تخدیر روحیه ملتهاست.

کشورهای پیشرفته برای صادر کردن دستاوردهای پیشرفت علمی و جایگزینی فرهنگ خاص خود از تخدیر فکر و روان ملتها استفاده می نمایند و ملتها برای رسیدن به جلوه های ظاهر کشورهای پیشرفته با نابسامانیهای روانی روبرو می شوند.

کشورهای صنعتی از صادرات افکار و گسترش علوم خاص خود اجتناب می ورزند و تحت هیچ عنوان حاضر به مبادله علوم و صادر کردن تکنولوژی خود به دیگر کشورها نیستند. مگر اینکه در آن کشورها اهداف سیاسی داشته باشند و صنایع آن کشورها تحت نظر آنها باشد. در آن هنگام به عنوان صاحبان منافع و علوم و صنایع و به عنوان مستشار، پیشرفت کشورها را تحت کنترل خود قرار می دهند. در مقابل اتخاذ این روش در صدور علوم و صنایع، کشورهای صنعتی سعی در تخدیر افکار جوانان و ملتهای جهان سوم را دارند و به این وسیله می خواهند، صاحبان افکار آزاد و اندیشه های ناب و نابغه را از صحنه تولید و علوم پایه کنار بگذارند و همواره کشورها را تحت سلطه فرهنگی و سیاسی خود داشته باشند.

در این راستا به جای صدور علوم و صنایع خود به کشورهای دیگر، مواد مصرفی، کالاهای تجملی به این کشورها صادر می کنند و تخدیر افکار ملتها مورد نظر صاحبان قدرت در دنیا می باشد تا افکار روشن و آزاد را درگیر مسائل مادی و ظواهر دنیوی سازند.

مشکلات روانی از آنجا شروع می شود که تبلیغات مسموم، افکار ملتها را به جای پرداختن به مسائل علمی و حل معضلات اجتماعی، متوجه مصرف و چشم و هم چشمی و خودنمایی ها نماید.

اگر کسی امکانات مالی داشته باشد، به نحوی درگیر این نابسامانیها می شود و اگر پول نداشته باشد به سوی مفاسد دیگری کشیده خواهد شد. به هر حال نابسامانیهای روانی خاص يك قشر نیست و همه اقشار به نحوی درگیر این مسئله می باشند.

تأثیر بیماری در بُعد جسمی

برخی از بیماریها زمینه ساز بعضی از مشکلات دیگر برای انسان می شود. اگر انسان در هر بُعد از ابعاد وجودش دچار مشکل و ناراحتی شود، دیگر ابعاد وجودی او نیز تحت تأثیر این مشکل و بیماری قرار می گیرند.

این يك امر طبیعی است که وقتی انسان مشکل و بیماری جسمی پیدا کند تنها يك عضو او تحت تأثیر بیماری نیست، بلکه سایر اعضا هم از بیماری تأثیر می پذیرند و انسان در جهات دیگر

وجودی خود نیز دچار نارسایی و مشکل می شود.

مثلاً وقتی کسی دچار عفونت دستگاه گوارش می شود ممکن است سردرد هم بگیرد، دمای بدن هم در این حال بالا برود، ضعیف و سست شود و بدن او به شدت مورد هجوم آثار عفونت قرار گیرد.

این عوارض طبیعی است و لازمه دفاع صحیح و سالم بدن این است که اگر دستگاهی از بدن دچار اختلال شود، طبعاً این اختلال به سایر اعضا و نفوذ خواهد کرد.

اگر عضوی از بدن انسان بیمار شود، اعضا دیگر او نیز از بیماریش تأثیر می پذیرند. در سیستم و ساختار وجود مادی انسان این خصوصیت هست که اعضا از یکدیگر تأثیر می گیرند و حتی گاه بیماریهای جسمی منشأ برخی از مشکلات روحی و روانی برای انسان می شوند.

بیماریهای روحی

در مورد بیماریها و مشکلات روحی نیز این مسئله صدق می کند که بیماریهای روحی نیز انسان را دچار برخی از مشکلات دیگر از جمله اختلالات جسمی، عاطفی و معنوی نیز می کند.

بیماری هیستیری یک بیماری روحی فراگیر است. که با توجه به آثار و نمادهای آن درمی یابیم که این بیماری زمینه ساز بسیاری از مشکلات روحی، روانی دیگر می شود.

این نکته حائز اهمیت است همچنانکه تب، درد، عفونت، ضعف و... اختلالات دیگر در بعد جسمی نمایانگر بیماری جسمی است و به انسان هشدار می دهد که باید در فکر درمان و چاره اندیشی برآید، در بعد روحی نیز عوارض ناشی از هر بیماری نشانگر آن است که انسان باید در فکر درمان باشد.

با مشاهده آثار و عوارض بیماری در فرد، به بروز بیماری در او می توان پی برد و همچنانکه نسبت به درمان بعد جسمی حساس هستیم نسبت به بیماریهای روحی نیز باید چنین باشیم تا از صدمه ها و ضربه هایی که به وسیله بیماریهای روحی بر پیکره وجودی انسان وارد می شود، جلوگیری به عمل آوریم.

هیستیری

از جمله بیماریهای روانی، مشکل هیستیری یا خودنمایی و یا جلوه گری می باشد. نه تنها امروزه، بلکه در طول تاریخ از جمله اهداف تهاجم فرهنگی به جهان تحت سلطه، القاء جلوه گری به ویژه در بین نسل جوان بوده است.

این مشکل و یا بیماری در همه اقشار به صورتهای گوناگون وجود دارد، اما نقطه و هدف این تهاجمات، جوانان می باشند زیرا جوان به اقتضای سن خود از نیرو و توان و استعدادهای فراوانی برخوردار است که زمینه این روحیه در او آشکارتر می باشد.

هیستیری، یک بیماری روانی است که فرد مبتلا به انواع این بیماری، بجای پرداختن به افکار سازنده و بوجود آوردن علوم و پرداختن به فنون مختلف، مرتب در فکر جلوه‌گری می‌باشد.

دوست دارد خود را نشان دهد، مطرح شود، و بین دیگران جلوه کند و در استفاده از کالاهای خارجی، از همه برتری یابد و پیشگامتر باشد.

این بیماری در بین نسل جوان، مشکلاتی را بر جای خواهد گذاشت که گاه برخی از این مشکلات، آینده درخشان و روشن جوان را از بین خواهد برد.

یکی از عوامل مهم بسیاری از خطاها، گناهان، بزهکاریها، بیهوده‌گرایی‌ها و مفاسد فردی و اجتماعی در بین جوامع همین مسئله هیستیری می‌باشد.

جلوه‌های بیماری هیستیری

اشاره

چنانکه بیان شد بیماریهای روحی نیز چون بیماریهای جسمی نمادها و نشانه‌هایی دارند.

بیماری هیستیری نیز از این قاعده مستثنی نیست. با دیدن جلوه‌ها و نشانه‌های این بیماری می‌توان به عمق و ریشه آن در وجود فرد پی برد.

این آثار و جلوه‌ها مخصوص قشر خاصی نیست. بلکه اغلب افراد جامعه کم و بیش درگیر این بیماری هستند و هر کدام به گونه‌ای نشانه‌های بیماری را بروز می‌دهند. اما از آنجا که جوان خاصه‌هایی دارد که مستلزم، روح جوانی و مقتضای سن حساس اوست، این آثار در بین جوانان بیشتر مشاهده می‌شود. البته هستند پیرانی که بالاتر از جوانان در این مسیر گام برداشته و سعی در جلوه دادن برتریهای خود دارند. از این گروه نادر که بگذریم، بزرگترین هجوم بیماری خودنمایی در بین جوانان است و اغلب تبلیغات مسموم رسانه‌های خبری، مجلات فاسد وارداتی و جنگ سرد و تبلیغاتی دشمن متوجه این قشر از جامعه می‌باشد.

1 - لباس

اشاره

لباس یکی از مظاهر بیماری خودنمایی یا هیستیری است. بسیاری از افراد اسیر این نوع بیماری هستند. آنها به لباس به عنوان پوشش نمی‌نگرند. بلکه لباس را مظهر خودنمایی قرار می‌دهند و چون این کار آنها ملاک عقلی، عرفی، قانونی و شرعی ندارد از این روی نوع بیماری محسوب می‌شود و کسانی که از لباس به عنوان وسیله‌ای برای خودنمایی استفاده می‌کنند دچار بیماری روانی هستند. لباس به عنوان یک کالای تجاری و وسیله‌ای که فرهنگ بیگانه به وسیله آن قابل انتقال است، مورد توجه خاصّ تهاجم فرهنگی محسوب می‌شود. لباس نشانگر فرهنگ فرد مصرف کننده می‌باشد، از این رو کسانی که پیرو فرهنگ خاصی نیستند، هر روز به انواع لباسها تغییر ماهیت می‌دهند. ژورنالهای لباس، انواع پارچه‌های متنوع، دوخته‌های قابل توجه و بسیار متغیّر ابزارهایی هستند که بیگانگان به وسیله آن پول، سرمایه، وقت، فکر و اندیشه جوان را به خود مشغول

الف: تغییرات در مدل

در مورد لباس و آنچه عوام آن را مُد می پندارند و برخی اسیر آن هستند تبلیغات مسموم زیاد است و همه افراد ناخواسته در دام این تبلیغات گرفتار می آیند.

تغییر مدل در بلوز، شلوار، پیراهن، دامن و... بسیار متنوع و فراوان است. گاه شلوار تنگ که اصلاً قابل پوشیدن نیست و به وسیله زیپ تنگ و گشاد می شود و این تنگی بیش از حد موجب تحریک می گردد و زمینه ساز پرخاشگری و یا افسردگی های فراوان می شود.

گاه شلوار بالا گشاد و پایین بسیار تنگ مد می شود. گاه بالا تنگ و پایین گشاد است. و گاه از بالا تا پایین گشاد و خمره ای مُد می شود. و جالب است، به محض آنکه نوعی از لباس مُد می شود، کسانی که از مدل‌های قدیمی استفاده می کنند، امل و مرتجع و عقب افتاده محسوب می شوند و از مصرف لباسهای قبل احساس شرم می کنند. بلوزها، گاه چسبنده و تنگ و گاه گشاد هستند. پیراهن گاه بسیار تنگ و کوتاه است که وقتی پوشیده می شود، توان حرکت و نشست و برخاست را از انسان می گیرد و گاه بسیار گشاد می باشد.

روسری ها گاه بزرگ و مدل دار گاه بسیار کوچک و ساده و گاه سه گوش هستند و جالب است که وقتی نوعی از آنها در بورس قرار می گیرد، بدون در نظر گرفتن کارآیی و استفاده از آنها، مشتاقان ناآگاه و یا بی اراده فراوانی هم دارد.

ب: تغییرات در رنگ

مسئله دیگر در مورد لباس، تغییر در رنگ لباس است. لباسها گاه از رنگهای تند و غیر معمول که بسیار محرك هستند، گاه از رنگهای ملیح و گاه از رنگهای بی حال تهیه می گردد. لباسها گاه گل‌های بسیار درشت و زننده دارند و گاه گلها کوچک می شوند و بهر حال گلها و رنگها نشانگر مد و تغییرات رنگ است.

دیده می شود افرادی از این تغییرات در رنگ لباسها پیروی می کنند که این رنگها اصلاً متناسب با سن و موقعیت اجتماعی آنها نیست. پسران به رنگهای قرمز و بنفش و دختران به لباسهای مردانه راغب می شوند. در این حال آن آقا پسر در نظر نمی گیرد که رنگ قرمز یا صورتی یا بنفش رنگهایی هستند که اغلب خانمها از آن استفاده می کنند و آنها نباید از این رنگها استفاده کنند.

برخی افراد مسن هستند که به صرف آنکه فلان پارچه یا لباس مد شده است آن را می دوزند و می پوشند و در نظر نمی گیرند که این لباس و پارچه و رنگ متناسب با سن آنها نیست. گاه جوانها لباسهای خود را منحصرأ از رنگ سیاه و یا سرمه ای انتخاب می کنند و دائم لباس سیاه می پوشند. به صرف اینکه این رنگ مد است. بدون آنکه در نظر بگیرند که لباس سیاه از نظر اسلام مکروه است و

انسان را افسرده می کند، فقط در مواقعی که شخص عزادار است، برای احترام، خوب است از لباسهای شاد و رنگین استفاده نکند و از رنگهای تیره ای چون سیاه استفاده نماید.

ج: تغییر در جنس لباس

یکی دیگر از مظاهر و بیماری جلوه گری در لباس، تغییرات در جنس لباس است. جالب این است که هر گاه لباسی مد می شود و پارچه ای به بازار می آید، با چند برابر قیمت واقعی آن به فروش می رسد. و همه سعی دارند جزء اولین کسانی باشند که از این جنسهای جدید استفاده می کنند.

جنس چادر، پیراهن، بلوز، شلوار، روسری، فرقی نمی کند. يك زمان شرمن مد است، با قیمت بالا به فروش می رسد. از مد می افتد، پارچه اش ارزان می شود، پیچ اسکن به بازار می آید، با قیمت بالا مصرف می شود و باز نوبت کرپ است، انواع پارچه های گلدار و ساده و رنگهای متنوع آن در بازار به وفور یافت می شود. و زمانی دیگر نوبت به پارچه های استریچ و جیر و لئوناردو... در حقیقت منافع این تغییرات به جیب کمپانیهای تولیدکننده پارچه می رود و چیزی جز زیان و ضرر نصیب مشتری نمی شود، هنگام مد بودن پارچه ها احساس افتخار کاذب و بعد لباسهای از مد افتاده هستند که به جرم اینکه از مد افتاده اند، باید خاک بخورند. مصرف این گونه لباسهای متنوع بین همه اقشار به چشم می خورد. برخی پیران برای جلوه پول و ثروت خود، برخی جوانان برای جلوه زیباییهای ظاهری خود و برخی افراد مستضعف برای اینکه از قافله مد عقب نمانند، حاضرند از نان شب خود و ضروریات زندگی کم کنند، اما لباسهای بورس و مدی را که در بازار عرضه شده است استفاده نمایند. حتی گاه متوسل به قرض، قسط و... می شوند.

د: جلوه های ظاهری لباس

گاه لباسها بسیار تحريك آمیز هستند. چادرها بسیار براق با گلهای درشت مورد استفاده قرار می گیرند و جالب است وقتی که از مد افتادند به قیمت بسیار نازل به فروش می روند. اما آن زمان که مد است، به هر قیمتی که هست افراد سعی دارند از این کالا استفاده کنند در حالی که استفاده از کالاها اگر موجب ضرر و زیان و اسراف و انحراف دیگران گردد، اشکال شرعی هم دارد.

در مورد شلوار، مانتو، لباسهای مردانه نیز چنین مسائلی به چشم می خورد. افراد سعی می کنند با پوشیدن لباسهای محرك توجه دیگران را به خود جلب کنند و یا پول خود را به رخ دیگران بکشند.

دیده می شود افرادی که بسیار معمولی هستند، شغل، مقام یا ثروت متعارفی دارند ولی به نحوی لباس می پوشند که در شکل و شمایل افراد ثروتمند یا صاحب مشاغل مهم و یا در حدّ دکتور و مهندس جلوه کنند.

اینها می خواهند به وسیله لباس و پوشش ظاهری، توجه افراد را به خود جلب کنند و خود را از آنچه هستند بالاتر نشان دهند و کاری هم ندارند که آیا این کار آنها و پوشش آنها مورد تأیید عقل،

شرع یا عرف هست؟ یا مطرود این قوانین می باشد. آن چیزی که برای این افراد مطرح است، این است که به نحوی در بین مردم جلوه کنند که مردم به ایشان توجه خاص و ویژه ای داشته باشند. حال لباس آنها مورد تأیید قوانین دین، عقل و جامعه باشد، یا نباشد برای آنها مهم نیست.

ه: استفاده ناصحیح از لباس

مسئله دیگری که در مورد لباس مطرح است، این است که برخی افراد از لباس به نحو بهینه استفاده نمی کنند. لباس میهمانی و منزل برای آنها فرقی ندارد و یا حتی هنگام خواب حاضر نیستند لباس گرانیقیمت خود را تعویض نمایند. مسلم است وقتی با لباسی چند مدت بخورند و بخوابند و نظافت کنند و گاه با آن به میهمانی بروند، جلوه ظاهری خود را از دست می دهد و غیرقابل مصرف می شود. اینجاست که مسئله اسراف و تبذیر جلوه می کند.

از نظر شرع صحیح نیست لباسی را که انسان به قیمت گزاف تهیه می کند، در اماکنی استفاده کند که در معرض باد و خاک و چربی و لکه شدن و سوختن هستند. مثلاً خانمی که لباس گرانیقیمت به تن دارد اگر با آن جارو کند، غذا بپزد و یا در منزل به کارهای روزمره مشغول شود، جلوه لباس را از بین می برد. و یا جوانی که لباس گرانیقیمت پوشیده با آن ماشین بشوید یا موتور تعمیر کند، به محض تماس لباس با چربی و آب کثیف، جلوه لباس از بین می رود و گاه ممکن است با لکه یا پاره شدن، غیر قابل استفاده گردد و لباس از کار افتاده شود.

استفاده ناصحیح از نعمتها و عدم توجه به اسراف در اموال، عواقب سوئی برای انسان در پی دارد. خوب است انسان لباسی را مدتی در میهمانیها منحصرأبپوشد و بعد از مدتی که آن جلوه ظاهری، خودبخود از بین رفت، آن را در منزل و در مواقع دیگر نیز استفاده نماید تا از اسراف پرهیز شود.

و: مصرف گرایی

مسئله دیگری که در رابطه با لباس مطرح است این است که برخی افراد معتقدند از لباس تنها يك بار در مجالس عمومی می توان استفاده کرد و برای اینکه در هر میهمانی لباسی، تازه و جدید داشته باشند، به مصرف گرایی روی می آورند.

بسیارند افرادی که اگر در هر روز چندبار به میهمانی بروند در هر بار از لباس های مختلف استفاده می کنند. گاه در يك مجلس چندین لباس تعویض می کنند و مرتب آرایش خود را تغییر می دهند. این جلوه ها و خودنماییها بیانگر وجود بیماری در افراد است. چه اشکالی دارد انسان از يك لباس در چند میهمانی استفاده کند؟

آیا اصولاً لزومی دارد انسان در يك مجلس برای فخرفروشی و افاده به دیگران چندین لباس بپوشد. کسانی که از چنین ایده ای پیروی می کنند، قطعاً بدانند که بیمارند.

لباس وسیله پوشاندن معایب انسان است و در حدّ طبیعی استفاده موزون و صحیح از لباس گران قیمت، طبق شئونات فرد نیز اشکالی ندارد، اما مصرف گرایی از نظر اسلام مطرود است.

علی علیه السلام در روایتی می فرماید:

بخورید و بیاشامید و در راه خدا صدقه دهید و در پوشیدن لباس میانه رو باشید. (1)

ز: لباسهای ناموزون

مسئله دیگری که در مورد لباس مطرح است این است که برخی افراد که مبتلا به بیماری جلوه گری هستند، از لباسهای ناموزون و ناهمگون استفاده می کنند. استفاده اینگونه لباس ها فرهنگ جامعه را زیر سؤال خواهد برد.

اگر دقت شود، در فرهنگ ژاپن لباس مورد تأیید و ملی آنها یکسان است و ژاپنیهای اصیل از لباسهای خاص خود یعنی «کیمونو» استفاده می کنند.

اما در فرهنگ عوام غربده ما اینگونه است که افراد شمالی یا افراد ترکمن و یا عشایر و یا اعراب خوزستانی را به واسطه پوشیدن لباس محلی، تحقیر می کنند.

گاه این عشایر نیز در ملاء عام از پوشیدن لباسهای محلی خود احساس حقارت و سرافکنندگی می کنند. و بدین گونه است اگر فیلمی در تلویزیون به نمایش درآید که قهرمان آن ژاپنی باشد همچون فیلمی که به نام «سالهای دور از خانه» پخش می شد و اوشین قهرمان آن بود، لباسهای کیمونو، در بازار مد می شوند.

کسانی که اینقدر تحت تأثیر فیلم، مجله و تبلیغات مسموم می باشند، از خود فرهنگی ارائه نمی دهند و همیشه مصرف کننده اند و آنچه را که جزء فرهنگ اصیل و از سرمایه های وطن آنها بشمار می رود نیز، به باد تحقیر و تمسخر و استهزاء می گیرند.

چگونه است که بسیاری از ملتهای دیگر حاضر نیستند از فرهنگ خاص و ناب محمدی صلی الله علیه و آله پیروی کنند اما مسلمانان در بسیاری امور، از مصرف و تجمل گرایی و جلوه های ظاهری و خودنمایی پیرو فرهنگ آنها می شوند و به این پیروی افتخار هم می کنند.

وقتی لباسی مد شود و تحت عنوان مد در جامعه تبلیغ شود، برای افراد بیمار و مبتلا به بیماری هیستیری تفاوتی ندارد که آیا این لباس با فرهنگ، تشخص، مبانی دین و عرف جامعه همگون هست یا از نظر این ارزشها، پوشیدن این لباسها مطرود است؟

دختر، لباس پسرانه می پوشد و پسر از لباس دخترانه استفاده می کند و چون مد است، ناراحت هم نمی شود و فکر نمی کند که از نظر شرعی کار او درست نیست.

ص: 10

یکی دیگر از جلوه های بیماری هیستری یا خودنمایی در پذیراییها و میهمانیها به وفور دیده می شود. جلوه های این بیماری گاهی استفاده از غذاهای گران قیمت است و استفاده از این غذاها برای پذیرایی و استقبال از میهمان و میهمان نوازی نیست بلکه انگیزه این افراد خودنمایی می باشد.

جلوه دیگر این بیماری پذیرایی از میهمان در تالارهای پذیرایی با قیمتهای گزاف و صرفاً به خاطر خودنمایی است. که مال، ثروت، سلیقه، و برتریهای خود را به دیگران بنمایانند. در حالی که همین غذا را در منزل به قیمت بسیار نازلی می توانند تهیه کنند. اما چون عرف مصرف گرایی در جامعه چنین القاء کرده است که پذیرایی در تالار، نشانگر شخصیت انسان است و فخر و خودنمایی به مکان پذیرایی است لذا تنها همت این افراد این است که پذیرایی از میهمان خود را هر چند به قیمت گزاف در این تالارها برگزار نمایند.

جلوه دیگر این بیماری تهیه انواع و اقسام میوه ها، شیرینی ها، غذاهای متنوع در مجالس است.

در اینگونه موارد تعداد میهمان و مقدار خوراک مطرح نیست. بلکه تنوع در غذاها و... مهم می باشد.

نوع پذیرایی مطرح است و بسیاری از این غذاها سرانجام روانه زباله دانی می شود، بدون اینکه حتی دست هم بخورد.

جلوه دیگر این خودنمایی پرهیز از مصرف غذای مانده است. برخی افراد از غذای تهیه شده تنها يك بار استفاده می کنند و اگر غذا اضافه آمد، حاضر به استفاده مجدد از آن نیستند. این جلوه ها همگی نشانه اسراف و تبذیر در خوردن و آشامیدن است که در اسلام نسبت به آن هشدار داده شده و از این کار نهی کرده است. زیرا در این حال که افرادی چنین اسراف و تبذیر می کنند، هستند افرادی که به يك وعده غذای خوب برای ادامه حیات نیاز ضروری دارند.

اسراف در خوردن و نوشیدن

در اسلام درباره اسراف در خوراکی ها آیات و روایات زیادی وارد شده است و انسان به میانه روی و تعادل فراخوانده شده است.

قرآن می فرماید:

از روزیهای خدا بخورید و بیاشامید و در زمین اخلال نکنید. (1)

در آیه دیگر می فرماید:

بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسرافکاران را دوست ندارد. (2)

و در آیه دیگر می فرماید:

1- . «كلوا و اشربوا»؛ (بقره / 60)

2- . «كلوا و اشربوا»؛ (اعراف / 31)

اسرافکاران، همین ها دوزخیان هستند. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بیشترین چیزی که امت مرا به آتش و عذاب الهی می کشاند، دو موجود توخالی است: شکم و عورت. (2)

پر خوری

یکی از آفات شکم، پر خوری است. پر خوری منشأ بسیاری از بیماریهای جسمی و روحی در انسان است. و از این روست که امام باقر علیه السلام فرمود:

چیزی از شکم پر در نزد خدا منفورتر نیست. (3)

و امام سجاد علیه السلام فرمود:

حق شکم این است که ظرف حرامش قرار ندهی و آنگاه که سیر شدی بیشتر نخوری. (4)

امام صادق علیه السلام فرمود:

نزدیکترین موقع، برای بنده هنگامی است که شکمش خالی باشد. (5)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مؤمن (کم خوراك است) و به اندازه يك معده می خورد ولی منافق (پر خور است) و به اندازه هفت معده غذا می خورد. (6)

و در روایت دیگر فرمود:

قلب را با زیادخوری و زیادنوشی نمیرانید زیرا قلب مثل زمین کشاورزی است که وقتی به آن آب زیاد دادی ارزش آن از دست می رود. (7)

و در روایت دیگر هشدار دادند:

مردمی که بیش از همه سیر باشند در روز قیامت گرسنه تر از همه خواهند بود. (8)

و در روایت دیگر فرمودند:

طولانی ترین گرسنگی در قیامت برای کسانی است که در دنیا بیش از همه سیر بوده اند. (9)

ص: 12

- 2- . جامع السعادات، ج 2، ص 3.
- 3- . اخلاق بشر، ص 124.
- 4- . مكارم الاخلاق، ص 419.
- 5- . اخلاق شبر، ص 124.
- 6- . مصباح الشريعة، ص 78.
- 7- . اخلاق شبر، ص 124.
- 8- . عدة الداعي، ص 76.
- 9- . جامع السعادات، ج 1، ص 4.

به جای فرهنگ مصرف گرایی و چشم و هم چشمی در پذیرایی، می توان از غذای متعادل به قیمت مناسب استفاده نموده و به جای این مخارج هنگفت، هزینه آن را صرف اداره مستمندان کرد یا به مسائل ضروری زندگی پرداخت و یا خود را از قرض، وام، شرمندگی و... نجات داد.

3- آرایش

اشاره

یکی از جلوه های بیماری هیستیری در آرایش افراد جلوه می کند. این افراد سعی دارند به وسیله آرایش اعضاء بدن به شکل های مختلف، نظر دیگران را به خود جلب نمایند و این آرایشها را مد نیز می پندارند.

آقایان

در مورد آرایش ظاهری آقایان، نکاتی به چشم می خورد. چند صباحی موهای سر خود را بلند می کنند، گاه مورا از ته می تراشند، گاه کوتاه و فکل دار آرایش می کنند، گاه جلوکوتاه و پشت موها بلند است و پایین موها را به وسیله بابلیس یا سشوار می پیچند و شکل و شمایل خانمانه به خود می دهند.

در مورد آرایش صورت، گاه ریشها بلند و توپی است. گاه پرفسوری مد است و گاه رپی می زنند، گاه از ته می تراشند و گاه سیل های پرپشت و بلند می گذارند و گاه از ته با تیغ می زنند.

حتی در برخی موارد دیده می شود که مردان از مواد آرایشی مخصوص به خانمها استفاده می کنند و تمام این کارها تحت لوای مد و برای جلب نظر دیگران به طرف خود است. در این امور شخصی که پیروی از مد می کند، به این نمی اندیشد که مکتب الهی و اسلامی او، چه دستوری در این موارد دارد. آیا تراشیدن ریش حلال است؟ آیا آرایش به صورت زنانه مورد پسند عقل و شرع هست یا نه؟

انگیزه در اینجا الهی نیست، پایه و اساس مکتبی، عقلی، شرعی و قانونی نیز ندارد. این خودنمایی و پیروی بی چون و چرا از آن چیزی است که این فرد آن را مد می شناسد.

منابع مد هم متعدد است یا بازیگران تیمهای ورزشی، تبلیغات مجله های خارجی یا بازیگران فیلمها مخصوصاً فیلمهای سوپر ویدیویی، می باشند که این مدها را به جوانان القاء می کنند و برخی افراد بدون خواستن دلیل و منطق اصولی و انسان پسند از آن پیروی می نمایند.

خانمها

در مورد خانمها این مسئله شیوع بیشتری دارد. انواع مدهای مختلف مو به عنوان مد مطرح است. رنگهای مختلف شیمیایی به عنوان مد مطرح می شود و هرچند گاه بار نوعی از رنگ مو در بورس قرار می گیرد.

بارها دیده می شود که يك خانم در هر مجلسی که شرکت می کند، از نوع مدل مو و رنگ موی جدید استفاده می کند.

آرایشها و مواد آرایشی طبق اصول و نظر فرهنگ غرب است. مارکهای خارجی با مدلهای جدید، دستاوردهای مد برای بانوان هستند.

انتخاب مدل مو، مواد آرایشی، رنگ مو و آرایش سایر اعضا بدن آنها را دیگران برایشان تعیین و به آنان دیکته می کنند.

این مسئله از شایعترین نوع بیماری در بین بانوان است که اختصاص به قشر خاصی هم ندارد.

پیر و جوان و حتی نوجوان با آن دست به گریبان هستند. البته قابل ذکر است که تنوع تا زمانی که گناه و اسراف در آن نباشد و در حد معقول باشد ناپسند نیست. اما آنجا که بحث اسراف و زیاده روی مطرح می شود و از این آرایشها در جامعه فساد و هرج و مرج بوجود می آید و جوانان منحرف و جامعه به سوی قهقرا پیش می رود، آنجاست که باید احساس خطر کرد.

زمانی که بانویی وقت و پول و فکر و اندیشه اش در جهت انتخاب بهترینهای مد سیر کند، حاضر است ساعتها از وقت خود را در آرایشگاهها سپری کند و به جای حضور در مجالس علمی، سیاسی، مذهبی در زیر سشوار به آرایش خود پردازد و بعد با این آرایش جوانان را دچار انحراف و فساد اخلاقی کند، اینجاست که جای پای تهاجم فرهنگی و تخدیر افکار ملتها به چشم می خورد.

همچنانکه فرد معتادی اگر به مواد مخدر دست پیدا نکند احساس خماری و پستی می کند، برخی از بانوان که دارای بیماری هیستری هستند نیز چنین حالتی در رابطه با آرایش خود دارند.

4 - نمادهای ظاهری

یکی دیگر از جلوه های خودنمایی یا بیماری هیستری در وسایلی است که به فرد مربوط می شود انتخاب عینکهایی که جلب توجه می کنند از جمله این امور است.

بسیار دیده می شود که فردی به ماشین ژیان خود عکسهای جالب توجه نصب می کند یا از آرمهای ماشینهای خارجی استفاده می کند و این به خاطر این است که جلب توجه دیگران بشود و دیگران به او توجه داشته باشند.

گاهی دیده می شود که فردی از نظر سواد و مدرک بسیار پایین است و شغل ضعیفی هم دارد اما وقتی به وضع لباس و ظاهر او دقت شود، خود را به شکل و شمایل پزشك و مهندس درمی آورد.

کیف سام سونتی در دست می گیرد، عینکی تزئینی استفاده می کند و به هیئت افراد تحصیل کرده و دانشگاهی در بین مردم ظاهر می شود و می خواهد طوری جلوه کند که دیگران او را فردی مهم و متشخص بدانند.

البته این نکته قابل توجه است نظر اسلام این نیست که انسان از نظر لباس بی سر و سامان و کثیف و درهم باشد، بلکه آنچه مهم است تمیزی و نظافت لباس است و شخصیت انسان به لباس و امور

ظاهری نیست. و قرآن نیز معتقد است:

همانا گرامی ترین شما نزد خداوند، با تقوی ترین شماست. (1)

وقتی سیره و روشی همراه با تقوی نباشد مطرود است. انسان باید خود را باور داشته باشد و نخواهد به وسیله لباس یا متعلقات ظاهری چون کیف و کفش و عینک بین مردم جلوه گری کند. این امری است که از نظر عقل و شرع نیز پسندیده نیست.

انسان باید بجای پرداختن به این مسائل درصدد تقویت بنیه معنوی، اخلاقی، علمی و فرهنگی خود باشد.

5 - امور اعتباریه و ادعاهای کاذب

اشاره

یکی از جلوه های بیماری هیستیری امور اعتباریه متعلق به انسان است. فرد خود را از نظر شغل، مقام، تحصیلات، مال و ثروت، خانواده و علم و سواد بالاتر از آنچه هست جلوه داده به این وسیله بیماری را در وجود خود بروز می دهد.

در بسیاری موارد دیده شده است فرد وقتی با کسی که با او آشنایی ندارد صحبت می کند ادعا می کند که من مهندس، پدرم تاجر است، مغازه و ملک و باغ دارد، خانه مادر فلانجای شهر است.

خودم ماشین دارم، خانواده ما پولدارند و گاه نسبتهای غیر واقعی به خود می دهد که اگر تحقیق شود، کذب این ادعاها روشن می شود، ولی این شخص برای اینکه فردی مهم و مشخص جلوه کند چنین ادعاهایی را به راحتی به خورد دیگران می دهد.

ارتباطات

گاه برخی افراد نزد دیگران ادعا می کنند که با افراد مهم در رابطه هستند و با شخصیتهای علمی، مذهبی، فرهنگی رابطه دارند.

بستگی به موقعیت دارد که آنها در کجا می خواهند این بیماری را جلوه دهند و خود را شخص بزرگ و صاحب شخصیتی بالا، بین مردم جلوه دهند و احترام دیگران را به خود جلب کنند.

به دروغ مطرح می کنند که از فلان خانواده اند، فامیل فلان شخصیت علمی، سیاسی، مذهبی هستند و با فلان قشر مرفه و مشخص در رابطه اند.

این گروه وابستگی به دیگران را برای خود افتخار می پندارند و از آن به عنوان یک ارزش یاد می کنند. در حالی که در اکثر موارد این ادعاها پوچ و بی ارزش است و وجود خارجی نیز ندارد.

استفاده از عبارات و اصطلاحات

1- . «ان اكرمكم عند الله اتقيكم»؛ (حجرات / 13)

برخی افراد برای خودنمایی و جلوه‌گری برخی عبارات و اصطلاحات مربوط به علوم خاص را یاد می‌گیرند و برای اینکه نشان دهند که سطح علمی، اطلاعاتی و آگاهی آنها بالاست از این اصطلاحات استفاده می‌کنند و طوری نشان می‌دهند که گویا در این علم خاص متبحر و استاد هستند.

اصطلاحات تخصصی پزشکی، مهندسی، هنری، سیاسی، نظامی و مذهبی را طوری مطرح می‌کنند که اگر فردی آنها را نشناسد گمان می‌کند که به راستی او صاحب منصب و مقام و دارای علومی ویژه و حافظه‌ی خاص است که این همه اطلاعات وسیع در اختیار دارد.

ادعاهای قبل از ازدواج

یکی از جلوه‌های این امور اعتباریه و ادعاهای دروغ در ازدواجها به چشم می‌خورد. فرد می‌آید و خود را صاحب مقام و منصب و پول و ثروت و ماشین معرفی می‌کند. وعده و وعید می‌دهد، ادعا می‌کند که صاحب مدارک؛ مغازه و ماشین و خانه است و... اما بعد از ازدواج دیده می‌شود که این ادعاها باطل بوده و قصد و هدف این فرد فقط رسیدن به امیال شهوانی او بوده است.

گاهی دیده شده است که فردی با ماشین کرایه، یا ماشین امانتی که از دوستش می‌گیرد به خواستگاری می‌رود و ادعا می‌کند ماشین از خود اوست، اما بعد معلوم می‌شود که اینها همه ادعا بوده و مطلب درستی نیست.

در اغلب موارد وقتی دروغها ثابت می‌شود، خانواده‌ها با مشکل و اختلاف روبرو می‌شوند و در آستانه‌ی جدایی و از هم پاشیدگی قرار می‌گیرند.

هدف از ازدواج

اینگونه افراد که گاه در مراحل اولیه ازدواج به دروغگویی متوسل می‌شوند تا به امیال خود برسند باید بدانند که ازدواج مرحله‌ی تکاملی زندگی انسان است و ملاک انسان در ازدواج و انتخاب همسر باید صداقت و دیانت و پاکی باشد.

اگر جوانی در خود لیاقت همسررداری می‌بیند، لزومی ندارد به دروغگویی متوسل شود تا به هدف خود برسد. اگر او از راه درستی و صداقت به هدفش نرسد، بهتر از آن است که خود را شخص بالایی جلوه دهد و بعد افت کند و دروغش ثابت شود در آن صورت، به خواسته‌های خود نخواهد رسید و اگر با دروغ چند صباحی را سپری کند، بالأخره کاخ آرزوهایش فرو خواهد ریخت.

هیچ چیز بهتر از پاکی و صداقت نیست. اگر انسان واقعاً راست بگوید و لیاقت علمی، مذهبی داشته باشد، توسط افراد آبرومند و متدین یاری خواهد شد و به فضل خداوند به اهداف خود خواهد رسید.

اسلام نسبت به ازدواج تأکید خاصی دارد. و ازدواج را از نشانه های لطف الهی و آن را پیوند کمال می شمارد. قرآن می فرماید:

یکی از آیات و نشانه های لطف خدا این است که برای شما از جنس خودتان زنان را آفرید که به وسیله آن آرامش یافته و میان شما رأفت و مهربانی برقرار نمود این امر برای مردمان باخرد و عاقل از نشانه های خداست. (1)

علی علیه السلام می فرماید:

یک رکعت نماز کسی که ازدواج نموده بالاتر از هفتاد رکعت نماز شخصی است که ازدواج نکرده است. (2)

امام مجتبی علیه السلام می فرمایند:

بدترین مردم کسانی می باشند که ازدواج نمی کنند و آنهایی که زندگی را با تنهایی می گذرانند برادران شیطانند. (3)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند:

بنایی در اسلام محبوبتر از بناء ازدواج نیست. (4)

انتخاب همسر

وقتی انسان می خواهد ازدواج کند باید همسر او معیارهای اسلامی داشته باشد. در مورد انتخاب زن قرآن می فرماید: با زنان مشرک ازدواج نکنید، مگر آنکه ایمان بیاورند. (5)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که با زنی فقط به خاطر زیبایی ازدواج نماید، به آنچه که به آن طالب است نمی رسد و شخصی که با زنی به خاطر ثروتش ازدواج کند خدا او را مورد لطف خود قرار نمی دهد. ملائک شما در ازدواج دینداری آنان باشد. (6)

و در روایت دیگری فرمودند:

زن را برای چهار چیز می گیرند: مال و شرف و جمال و دین. ولی تو زن دیندار بجوی. (7)

و در روایت دیگر فرمودند:

ص: 17

1- «و من آیاته ان خلق»؛ (روم / 21)

2- روضة الواعظین ص 372.

- 3- . البحار، ج 103، ص 221.
- 4- . وسائل، ج 14، ص 3.
- 5- . «ولا تنكحوا المشركات»؛ (بقره / 221)
- 6- . روضة الواعظين، ص 374.
- 7- . نهج الفصاحه سخن 1183.

زن مهربان و بچه آور بگیرد. زیرا من به کثرت شما بر سایر پیامبران افتخار می کنم. (1)

و امام صادق علیه السلام فرمودند:

زن مانند گردنبند است، مواظب باش که چه چیز را به گردن خود می بندی. (2)

در مورد انتخاب شوهر نیز اسلام توصیه هایی دارد.

علی علیه السلام فرمودند:

هر گاه می خواهی با کسی پیوند کنی، با آزاد مرد و مؤدب پیوند نما، جوانمردی که از فرزندان آزادگان و زینت مجالس باشد. (3)

و در روایت دیگری رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر گاه شخصی را متدین و امانتدار یافتید، با او ازدواج نمایید که اگر مسئله ازدواج در بین شما رخت بریند فساد و فتنه، دامنگیرتان می

شود. (4)

از مجموعه آیات و روایات برمی آید که ملاک انتخاب همسر باید دین، تقوی و پاکدامنی باشد و ازدواجی که مبنای آن دین نباشد، با موفقیت روبرو نخواهد شد.

مزایای ازدواج

ازدواجی پیوند کمال است که در سایه ایمان و امانتداری و راستگویی باشد، چنین ازدواجی بسیار بابرکت خواهد بود. و آثاری برای انسان در پی خواهد داشت.

1 - نصف ایمان کامل می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

شخصی که ازدواج کند يك نيمه ایمان خویش را کامل کرده از خدا در نیمه دیگر ایمان بترسد. (5)

2 - موجب چشم پوشی از گناه و پاکدامنی می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

شخصی که قدرت ازدواج کردن را دارد ازدواج کند که ازدواج بیش از هر چیز موجب چشم پوشی از گناهان و پاکدامنی می شود و اگر

کسی تمکن بر ازدواج ندارد با روزه گرفتن خود را از گناه محفوظ نگاه دارد. (6)

3 - نسل زیاد می شود.

-
- 1- . نهج الفصاحه سخن 1144.
 - 2- . فروع کافی، ج 5، ص 332.
 - 3- . دیوان امام علی علیه السلام، بیت 439.
 - 4- . المحججه، ج 3، ص 54.
 - 5- . نهج الفصاحه، سخن 2936.
 - 6- . المحججه، ج 3، ص 53.

ازدواج کنید تا در سایه آن نسلتان زیاد شود که من در روز قیامت از زیادی امتم ولو به طفل سقط شده افتخار می کنم. (1)

4 - انسان به ثروت و دارایی می رسد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: شخصی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و از نیازهای زندگی شکوه کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله سه مرتبه فرمودند: ازدواج کن.

و او ازدواج کرد و در سایه ازدواج به دارایی رسید. (2)

5 - خویشاوندی و همبستگی زیاد می شود.

قرآن می فرماید:

او خدایی است که شما را از آب آفرید و به وسیله ازدواج بین شما خویشی و هم بستگی ایجاد نمود و خدایت بر همه چیز توانا است. (3)

اگر انسان بخواهد از مزایای واقعی و حقیقی ازدواج استفاده کند و خداوند او را یاری نماید باید راستگو باشد. و در ازدواج هرگز متوسل به دروغ نشود. زیرا خداوند راستگویان را یاری و پاداش می دهد.

علی علیه السلام فرمود:

راستگویی اگر در زبان شخصی باشد. خدای متعال او را در میان مردم از ثروتمند، بهتر قرار می دهد. (4)

6 - انتقاد بی جا

اشاره

یکی دیگر از جلوه های بیماری خودنمایی و هیستیری، انتقاد بی جا است. برخی افراد برای اینکه اظهار علم کنند و توجه دیگران را به خود جلب نمایند، از روش، زندگی، اخلاق و خصوصیات دیگران انتقادهای بی جا می کنند. این انتقادهای گاه تند و گزنده است و هتک حرمت افراد را نیز در پی دارد. گوینده خود به این مسئله واقف است که انتقاد او بی جاست و پایه و اساس عقلی، شرعی و قانونی ندارد اما بر آن اصرار می ورزد، تا توجه دیگران را به خود جلب کند.

شنونده اگر صاحب علم و فضیلت و اهل فن باشد، در همان ابتدا می فهمد که انتقاد او بی جاست و بر اساس هوای نفس می باشد و اشتباه او را فوراً تشخیص می دهد و در می یابد که او برای خودنمایی چنین انتقادی را مطرح می کند.

اما اگر شنونده فردی بی اطلاع باشد و از حقیقت آگاه نباشد، ممکن است حرف او را قبول کند و

- 1- . المحجبه، ج 3، ص 53.
- 2- . نورالثقلين، ج 3، ص 596.
- 3- . «وهو الذى خلق من الماء»؛ (فرقان / 54)
- 4- . نورالثقلين، ج 4، ص 57.

آنچه را که او می گوید واقع تلقی کند، اما وقتی که حقیقت برایش روشن شود، نسبت به فرد انتقاد کننده بی اعتنا می شود و اعتباری برای او قائل نمی گردد.

هشدار

در اینجا به افرادی که شنونده اینگونه انتقادات بی جا و حرفهای بی اساس هستند، توصیه می شود که ادعاها و حرفهای چنین افرادی را زود نپذیرند و آنها را ملاک عمل خود قرار ندهند.

گاهی بر اساس حرفها و ادعاهای بی پایه برخی افراد بیمار، جوانانی گول حرفهای آن ها را می خورند و در فساد و تباهی غرق می شوند و زمانی بخود می آیند که دیگر دیر شده است و راه برگشت یا وجود ندارد و یا برگشت بسیار سخت است اقتضای سن جوان و شور و احساس جوانی گاه این است که انسان تحت تأثیر دیگران واقع شود و این چنین بیندازد که او حرفهایش منطقی و راست است. اما هنگامی که این حرفها با میزان عقل و شرع سنجیده شود، درمی یابند که چه اشتباه بزرگی را مرتکب شده اند.

لازم است انسان نسبت به هر چه می شنود بی تفاوت نباشد. اگر مشکلی دارد آن را با بزرگتر از خود و اهل فن در میان بگذارد و از ارشادات و راهنماییهای آنان استفاده نماید و بعد اگر آن را درست تشخیص داد به آن عمل کند.

7 - استفاده از نامهای عجیب

اشاره

یکی از جلوه های بیماری خودنمایی و هیستیری انتخاب نامهای نامأنوس و عجیب و گاه خارجی است.

اسم فرزند

برخی افراد که دارای بیماری خودنمایی هستند، سعی می کنند نامهایی برای فرزندان خود انتخاب کنند که این نامها در فرهنگ فارسی کمیاب و یا در بین مردم نایاب باشد. افتخار این گروه از افراد در این است که فرزند آنها دارای نامی است که هیچکس چنین نامی را برای فرزند خود انتخاب کرده است.

منشأ انتخاب چنین نامی ستاره های سینما، مجله ها و کتابهای غربی و یا چیزهایی است که با فرهنگ عام مردم نامأنوس است. همان فرهنگی که هیچگونه ارتباط فرهنگی و معنوی با مکتب و قوانین و جامعه ما ندارند.

اینگونه افراد به این مسئله اصلاً توجهی ندارند که معانی این اسامی چیست؟ و فرزند خود را چرا به این نام منتسب می کنند؟

از جمله حقوقی که فرزند بر گردن والدین دارد این است که والدین موظف هستند، برای فرزند خود نام نیکو انتخاب کنند.

علی علیه السلام می فرماید:

حق فرزند بر پدر این است که نام نیک برای او بگذارد، خوب او را ادب کند و به او قرآن بیاموزد. (1)

امام باقر علیه السلام فرمودند:

راست ترین نامها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند مثل عبدالله و بهترین نامها نام پیامبران است. (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که چهار فرزند از برای او بوجود آید و هیچیک را به نام من نامگذاری نکنند، بر من جفا کرده است.

از امام موسی علیه السلام نقل است:

فقر و بینوایی داخل خانه ای نمی شود که در آن خانه، نام محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله یا فاطمه باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

هر گروهی که جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان فردی باشد که نامش محمد، حامد، محمود یا احمد باشد. البته آنچه خیر است رأی آنها بر آن قرار می گیرد. و فرمود: فرزندی را که محمد نام می کنید، او را گرامی دارید و جا برای او در مجلس بگشایید و رو به سوی او ترش نکنید و فرمود هر اهل بیتی که در میان ایشان نام پیغمبری باشد، خداوند هر روز صبح و عصر ملکی را می فرستد تا برای آنها دعا کند.

جابر گفت با امام باقر علیه السلام به خانه شخصی رفتم. طفلی بیرون آمد. حضرت از او پرسید که نامت چیست؟ گفت: محمد. پرسیدند: کنیه ات چیست؟ گفت: ابوعلی. حضرت فرمود: خود را از شیطان در حصار محکمی قرار داده ای به درستی که هر گاه شیطان می شنود که کسی را به نام محمد یا علی می نامند، آب می شود، چنانکه قلع آب می شود. و زمانی که بشنود کسی را به نام یکی از دشمنان ما صدا می کنند، شاد می شود و فخر می کند. (3)

بهر حال انتخاب نام برای فرزند بسیار مهم است. و در سعادت و شقاوت او بی تأثیر نیست.

ص: 21

1- . نهج البلاغه صبحی صالح، ص 546.

2- . حلیة المتقین.

3- . احادیث از حلیة المتقین.

برخی افراد برای انتخاب نام تشکیلات فرهنگی یا شرکتهای خصوصی یا مغازه و یا مکانهای دیگر سعی در انتخاب نامهایی دارند که از نظر آنها بی نظیر و بین مردم بی همتا باشد و جلب نظر کند.

گاه دیده می شود که اسامی انتخاب شده، هیچ ارتباطی با کار و شغل آن تشکیلات ندارد. مثلاً اگر اسم يك مغازه ای که اغذیه فروشی است یا کله پاچه می فروشد، بوعلی سینا بگذارند، آیا جای تعجب ندارد؟

چه ارتباطی بین بوعلی سینا دانشمند ایرانی با مواد خوراکی و کله و پاچه است؟ اگر چنین نامی بر داروخانه یا مراکز فرهنگی، پزشکی باشد، جای دارد. اما ارتباط آن با چنان مکانهایی نامأنوس است.

بهرحال صاحبان این اندیشه ها، فقط برای اینکه نظر مشتری را به خود جلب کنند و مغازه شان جلوه کند (به اصطلاح بگیرد) چنین اسامی را انتخاب می کنند. و انگیزه آنها تنها جلوه گری و جلب توجه دیگران است.

8 - استفاده از دستاوردهای بیگانه

اشاره

یکی از جلوه های بیماری هیستیری استفاده از فرهنگ بیگانه است.

لباس خارجی

چنین افرادی انتساب به فرهنگ غرب را برای خود ارزش می دانند و افتخار می کنند که در لباسشان، طرح ملافه ها و پرده هایشان از حروف غربی استفاده شده است. مارک لباسشان خارجی است. کفشی که استفاده می کنند، خارجی است.

و گاه دیده شده است که این لباسها و کفشها دوخت صنعتگران ایرانی است که با مارک خارجی تزئین شده است. اما چنین خریدارانی فقط به مارک آن توجه دارند که مارک خارجی است و غافل از این مسئله اند که این لباس در ایران تهیه شده است و یا جنس ایرانی بسیار مرغوبتر از نوع خارجی آن است. و یا زمینه مرغوبیت آنرا در آینده فراهم خواهد کرد.

اصولاً اطمینان آنها به مارک خارجی است و افتخارشان این است که لباس خارجی را به قیمت گزاف خریده اند و مصرف کننده کالاهای خارجی هستند.

گاه روی لباسهایی که مارک خارجی دارد، عبارتهای بی معنی و یا کلمات تند، و یا نام اختصاری برخی شرکت های انحرافی و یا افراد منحرف هستند، بکار گرفته شده است. برخی از این مصرف کننده ها حتی توانایی خواندن این حروف را نیز ندارند، صرف اینکه این لباس با کلمات خارجی تزئین شده است برای آنها کافی است.

دیده شده است افرادی سعی دارند که غذاها و مواد خوراکی مثل آدامس، شکلات با اسانس خارجی تهیه کنند بدون آنکه توجه داشته باشند که این غذاها از چه موادی تهیه می شود و آیا مصرف آن مجاز هست یا نه؟

دیده شده است که مدتی غذاهایی پخته یا ماده خام آن در بازار به فروش رفته است و بعد از مدتی از طرف سازمانهای بهداشت جهانی مصرف این غذاها غیرمجاز شناخته شده اند و مصرف آن را توأم با بیماری دانسته اند.

بهرحال در خرید اینگونه مواد توجه چنین مصرف کنندگانی این است که فقط غذای خارجی بخرند یا غذای خارجی تهیه کنند و به کمیت و کیفیت آن توجهی ندارند.

لوازم منزل

یکی از موارد جلوه گری و استفاده از دستاوردهای خارجی در ابزار مورد لزوم هر فرد و لوازم خانگی است. برخی افراد سعی دارند که تمامی لوازم منزل آنها خارجی باشد و فخر بفروشند که این لوازم را به چنین و چنان قیمتی خریده اند.

حاضرند مبالغ هنگفتی را صرف خرید این وسایل نمایند و وسایل را حتماً خارجی تهیه کنند.

لوازم منزل از قبیل مبلمان، سرویس آشپزخانه، لوازم برقی مورد نیاز آنها باید حتماً خارجی باشند و از بهترین مارکهای معمول تهیه شوند.

در مورد ظروف مورد مصرف خانواده هم این مسئله مصداق دارد. این مسئله بین اکثر خانواده ها شایع است که ظروف منزل خود را از جنسی انتخاب کنند که در بورس باشد و به اصطلاح مد روز باشد. حاضرند ظرفهای کهنه و قدیمی را به دیگران بدهند و خود ظروف نوی را که در بازار مرسوم شده است با مبالغ هنگفتی خریداری نمایند.

در پذیراییها سعی دارند حتماً ظروف صبحانه از فلان جنس خارجی، ظروف و سرویس نهار از نوعی و ظروف پذیرایی عصرانه نیز از ظروف متفاوت و زیبایی خارجی استفاده کنند. بیشتر از آنکه نوع پذیرایی مطرح باشد، به رخ کشاندن تجملات و ظروف مطرح است.

گاه پولهای هنگفتی صرف می شود تا سرویسها یکجور تهیه شوند و مبالغی صرف می گردد که این سرویسها حتماً در بورس باشند. این مخارجهای کمرشکن در بین همه اقشار کم و بیش وجود دارد.

وقتی سرویس و ظرفی در بازار عرضه می شود که نو و جدید است، همه سعی در تهیه آن دارند.

گاه دیده می شود که افراد مستضعف این ظروف را قسطی تهیه می کنند تا مبادا از قافله مد عقب افتاده باشند.

در میهمانیها تنها افتخارشان این است که سرویس چندنفره فلان مارک را دارند. ضرورت در

اینجا جایی ندارد. گاه يك خانواده چندنفره به اندازه 100 الی 150 نفر سرویس غذاخوری از انواع و اقسام آن در اختیار دارند و این ظروف را احتیاج ندارند، بلکه تهیه این وسایل روح بیمار آنها را نشان می دهد و نشانگر حالت روحی بیمار آنهاست و آنها به این وسیله می خواهند کمبودهای روحی خود را ارضاء کنند.

این نکته شایان ذکر است که تنوع و استفاده از مواهب دنیا در حد معقول اشکال شرعی ندارد اما آنچه مذموم است این است که فکر و روح انسان اسیر تجمل و مد و تغییر و تبدیل باشد. در این حالت تنها آرام کننده روح افراد به این است که به آنچه می خواهند برسند و فکر می کنند این رسیدن به خواسته ها آنها را آرام می کند، در حالی که این چنین نیست، کسی که آرزوهای دور و دراز دارد به آرامش نخواهد رسید و آرامش در سایه قناعت محقق خواهد شد و پیروی از امیال شیطانی عذاب و خواری دنیا و آخرت را در پی دارد.

اسلام و مصرف گرایی

قرآن انسان را از هدر دادن مال برحذر می دارد و می فرماید:

اموال خود را از راه حرام میان خود مصرف نکنید. (1)

و امام علی علیه السلام فرمود:

بهترین ثروتها، ترك آرزوهاست. (2)

و قرآن اموال انسان را وسیله آزمایش انسان می داند و می فرماید:

توجه داشته باشید که اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است. (3)

این اموال باید در راهی مصرف شوند که خداوند آن را می پسندد و گناه باعث کمی روزی انسان می شود.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

گناه انسان را از رزق محروم می گرداند. (4)

در آخرت نیز انسان باید پاسخگوی اعمال دنیوی خود باشد. قرآن می فرماید:

هر کس در گرو اعمالی است که در دنیا انجام داده است. (5)

امام علی علیه السلام در روایتی چنین توصیه می فرمایند:

اسراف را ترك کن و میانه روی را پیشه خود ساز و امروز به فکر فردایت باش و از مالت به اندازه

- 1- . «ولا تأكلوا أموالكم»؛ (بقره / 188)
- 2- . نهج البلاغه صبحی صالح، ص 471.
- 3- . «واعلموا انما أموالكم»؛ (انفال / 28)
- 4- . اصول کافی ج 2، ص 270.
- 5- . «كل نفس بما كسبت رهينه»؛ (مدثر / 38)

ضرورت نگهدار و بقیه اش را به مستمندان انفاق کن. (1)

انسان باید بداند که در مقابل مصرف پول نزد خداوند مسئول است. علی علیه السلام می فرماید:

حلال دنیا، حساب دارد و حرام آن نیز کیفر خواهد داشت، چرا به آسایش معنوی پناه نمی برید و چرا راه پیامبران را ادامه نمی دهید. (2)

9 - تغییر متعلقات

یکی از جلوه های بیماری خودنمایی تغییر و تبدیل متعلقات انسان است.

این تغییر و تبدیلهای نه بر حسب نیاز و ضرورت، بلکه برای تجمل گرایی و خودنمایی و فخرفروشی به دیگران انجام می شوند.

بسیارند کسانی که حداقل سالی یک بار تغییر دکوراسیون می دهند، مبلها را تعویض می کنند، فرشهای خود را عوض می نمایند و وسایل منزل، وسایل زینتی از قبیل تابلو، لوستر و سایر لوازم را تغییر می دهند، پرده ها را تعویض می کنند و هر از مدتی یک بار به نوعی سرویسها را تغییر و همه را یکدست (ست) می نمایند.

گاه تغییر و تبدیل در جواهرآلات و وسایل زینتی خانمهاست. بسیارند کسانی که مدتی یک بار فقط به خاطر اینکه نوعی از طلا مد است، طلای خود را تغییر می دهند و مبالغ هنگفتی در این راه مصرف می کنند، سرویسها تعویض می شود انگشتری و حلقه به نوع جدید تبدیل می شود و چیزهایی از قبیل گوشواره، گردنبند، دستبند، انگورا دائماً تغییر می دهند. و این تغییرات نه بر حسب ضرورت و از کارافتادگی این وسیله های زینتی است، بلکه ملاک آنها تغییر مدل آنهاست.

اینگونه افراد ساعتها و روزها از وقت خود را صرف پسندیدن مدل و تعویض آن می کنند.

گاه تغییر و تبدیل در خانه است. هستند افرادی که مدتی یک بار منزل خود را تغییر می دهند، نمای آن را تعویض می کنند، تزیینات منزل را دگرگون می سازند تا بهترینها را داشته باشند و از همردیفهای خود برتر باشند.

این تغییر و تبدیلهایی که بر حسب نیاز و ضرورت نیست، نشانگر بیماری هیستیری یا خودنمایی است.

گاه تغییر در لباس صورت می گیرد. بسیارند افرادی که از یک لباس فقط یک بار استفاده می کنند و بعد به جرم از مد افتادن آن را کنار می گذارند. در هر مجلسی یک نوع لباس می پوشند و اگر در روز به چند مجلس بروند در هر نوبت از لباس جداگانه استفاده می کنند. اینان شخصیت و مقام خود را در عرضه کردن لباسهای خود می پندارند و لباس را نشانگر زینت و فخر خود می دانند و این مسئله مخصوصاً بین خانمها مسئله ای شایع است.

ص: 25

1- . نهج البلاغه، نامه 21.

2- . اصول کافی، ج 2، ص 459.

گاه تغییر در مدل مو و آرایش است. هستند افرادی که به واسطه مد شدن مو یا رنگ موی مبلغی گزاف برای آن می پردازند و بعد از چند وقتی دوباره رنگ تعویض و مدل تبدیل به مدل احسن می شود.

ریشه تمامی این مسایل این است که اینگونه افراد يك خلاً روحی دارند. از درون دارای کاستی و بیماری و نارسایی روحیند و به این وسیله می خواهند خلاً خود را بپوشانند و خود را بین مردم فردی متعادل جلوه دهند. کسانی که پیرامون این مسایل گرفتار هستند قطعاً از بیماری روحی رنج می برند.

تنوع در حدّ معقول پسندیده است و روحیه انسان را شاد می کند، اما آنچه ناپسند است تجمل گرایی و وابستگی به این مسایل و صرف وقت و اندیشه در این راه است.

10 - دروغگویی

یکی از جلوه های بیماری هیستیری دروغگویی است. کسانی که دچار خلاً روحی هستند، با دروغهای بزرگ و تعجب آور سعی دارند، توجه دیگران را به خود جلب کنند، تا خلاً روحی خود را بپوشانند در اینجا هدف دروغگویی تنها این مسئله است که چنین افرادی سعی دارند توجه دیگران را به خود جلب کنند و اگر کسانی پیدا شوند که اظهار تعجب و توجه کنند این افراد در دروغگویی خود گستاخ تر می شوند.

چنانکه در بحث درمان خواهد آمد، روشن است که دروغ، کلید تمامی گناهان است و در روایتی امام عسگری علیه السلام فرمود:

(انگیزه انجام) تمام مفاسد را در اتاقی گذاشته اند و کلید آن را دروغ قرار داده اند. (1)

کسی که برای جلب توجه دیگران دروغ بگوید، مورد لعن خداوند است. زیرا رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

خدا لعنت کند دروغگورا هر چند دروغ از روی شوخی بگوید. (2)

11 - تهمت، تمسخر و استهزاء دیگران

از جمله جلوه های بیماری هیستیری و خودنمایی آن است که فردی برای اینکه توجه دیگران را به خود جلب کند، در محافل، مجالس و گردهماییهای فامیلی و دوستانه سعی می کند به دیگران تهمت بزند و چیزی به آنها نسبت دهد و یا دیگری را تمسخر کند و یا با زبان دیگران را اذیت و آزار دهد. او این کار را فقط برای جلب توجه دیگران و خوشایند آنان انجام می دهد و دوست دارد مورد توجه دیگران قرار گیرد.

دستاورد این اعمال ممکن است برای انسان یا دیگران در آن جلسه خوشی گذرا داشته باشد اما

ص: 26

1- . جامع السعادات، ج 2، ص 249.

2- . اخلاق شبر ص 133.

این افراد باید بدانند که عقوبت اعمال و رفتارشان ابدی است و در دنیا و آخرت به مکافات عمل خود خواهند رسید. خوشی چند ساعت نسبت به عقوبت و مکافات بعد از عمل بسیار بی ارزش است.

آبروی مؤمن نزد خداوند با ارزش است و هیچکس حق ندارد به دیگری تهمت بزند و یا او را به باد استهزا و تمسخر بگیرد. قرآن می فرماید:

کسانی که مرد و زن مؤمن را بدون جهت آزار می رسانند بهتان و گناه بزرگی انجام داده اند. (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که به مرد یا زن مؤمنی بهتان بزند و یا چیزی را به او نسبت دهد که در او نیست، روز قیامت، خداوند او را بر تپه ای از آتش قرار می دهد تا از کیفر بهتان بیرون آید. (2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

کسی که مؤمنی را آزار دهد مرا آزار داده و کسی که مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده و لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر چنین فردی باد. (3)

12 - تظاهر به بیماری

یکی دیگر از جلوه های بیماری هیستیری تظاهر به بیماری است. این مشکل در بین اکثر افراد شایع است. افرادی که خلأ روحی و بیماری خودنمایی دارند به وسیله تمارض کردن، سعی دارند توجه دیگران را به خود جلب کنند.

این مسئله بین افراد در کلیه سنین و سطوح مطرح است. کودک گاه برای جلب توجه دگران، خود را به بیماری می زند. آنچنان داد و فریاد به راه می اندازد تا او را به دکتر ببرند، اما در معاینات معلوم می شود که اصلاً بیماری جسمی در کار نبوده و انگیزه فقط جلب توجه و محبت دیگران بوده است.

در بین برخی از جوانان نیز این مسئله شایع است. دل دردها، سردردها، دردهای مختلف بدن را بهانه ای برای جلب توجه دیگران به خود قرار می دهند و بعد از معاینات و مراجعه به پزشک کذب گفتارشان آشکار می شود.

این مسئله در بین بزرگسالان و حتی پیران نیز به چشم می خورد که این افراد برای جلب توجه دیگران، اظهار بیماری و درد و ناراحتی می کنند. در حالی که آنها با هیچگونه مشکل جسمی روبرو نیستند و مشکل آنها بیماری روحی است.

این نکته قابل ذکر است که این افراد باید بدانند هیچ وقت با ناسازگاری نمی توان به سازگاری رسید. تمارض و داد و فریاد، به رفع نیازهای روحی کمک نمی کند. از طریق امور باطل نمی توان به

ص: 27

2- . جامع السعادات، ج 2، ص 243.

3- . جامع السعادات، ج 1، ص 165.

حق رسید. و انسان به این وسیله هیچگاه ارضاء روحی نمی شود و گاه باید متحمل ضررها و آثار منفی زیادی هم بشود و احیاناً اگر دچار بیماری واقعی شود، کسی حرفهای او را باور نخواهد کرد.

اگر انسان با انجام این اعمال قصد آزار و اذیت مری یا اولیاء خود را داشته باشد، بداند که قطعاً در آینده ای نه چندان دور به مکافات عملش خواهد رسید و در آینده اطرافیان و فرزندان او، با او همین رفتار را خواهند داشت. به قول شاعر:

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید، جوز جو

13 - تغییر مواضع

یکی دیگر از جلوه های بیماری خودنمایی و هیستیری این است که اینگونه افراد در هر مجلس و محفلی به رنگ همان جلسه درمی آیند و یا به حالت چند شخصیتی درمی آیند.

اگر در مجلس اهل علمند، اظهار علم و فضل می کنند، اگر در مجلس بی دین و لامذهبها هستند، چون آنانند و مبانی شرع را به باد تمسخر می گیرند و با ارزشهای مکتب کاری ندارند. در بین خانواده های مذهبی، دم از مذهب و دین می زنند و خود را متشرع معرفی می کنند.

در جایی حاضر به انجام مکروهات نیستند و در جای دیگر بدترین گناهان را انجام می دهند. در جمع انقلابی مدافع انقلابند و از آن دفاع هم می کنند. اما در جمع ضد انقلاب، بدترین تهمت ها را به سیاسیون و انقلابیون روا می دارند.

بهرحال اعمال و رفتار آنها، وابسته به اقتضای زمان و مکان است. این افراد حالت متعادلی در افکار و عقاید خود ندارند و این حالت آنها در مکتب مقدس اسلام بنام نفاق نام برده شده است.

یعنی این افراد ریشه هایی از نفاق را در عمق جان و روح خود دارند و نفاق آنها را به این سو و آن سو می کشاند زیرا منافق متغیر و متلون است.

منافقین صدر اسلام هم چنین بودند، صبح ایمان می آوردند و شب منکر اسلام می شدند تا به این وسیله مکتب اسلام را زیر سؤال ببرند.

عوامل بیماری هیستیری

اشاره

عواملی در ساختار فکری، جسمی، روحی، عاطفی و معنوی انسانها مؤثر هستند. در اینجا دانشمندان نظرات متفاوتی دارند.

عده ای بر این عقیده اند که ساختار اخلاقی، روحی، معنوی انسان در پرتو امر ژنتیک محقق می شود.

برخی معتقدند خانواده و محیط خانوادگی این ساختار را بوجود می آورند.

عده ای دیگر بر این عقیده اند که ساختار وجودی انسان به وسیله جامعه و رسانه های گروهی و مسائل مختلفی که در جامعه مطرح است،

تحقق پیدا می کند.

ص: 28

عده ای دیگر گزینه جنسی را مبنای ساختار وجودی انسان می دانند.

عده ای هم هیچکدام از این امور را مورد تأیید قرار نمی دهند و معتقدند این خود شخص است که می تواند، در خود چیزی را شکل دهد و یا اگر تصمیم بگیرد، ساختار وجودی خویش را تغییر دهد.

نظر اسلام در این رابطه این است که همه این عوامل به گونه ای در ساختار وجودی انسان نقش دارند، هیچکدام علت تامه نیستند. اما نقش علت ناقصه دارند. هر کدام به حدی می تواند شخصیت انسان را شکل دهد و هر کدام از آن عوامل می تواند در شکل سازی شخصیت انسان نقش داشته باشد و عقیده بر این نیست که تنها يك عامل، علت يك بیماری روحی، اخلاقی و یا خلأ در شخصیت انسان است بلکه در اینجا مجموعه مطرح است و برای تشخیص درمان، شناخت عامل یا عوامل بیماری لازم و ضروری است.

1 - ژنتیک

یکی از عوامل بیماری خودنمایی امر ژنتیک است. ممکن است فردی در خانواده ای به دنیا آمده باشد که اولیاء و اقوامی که در وراثت او مؤثرند، مثل عمو، عمه، دایی، خاله، دارای بیماری خودنمایی باشند، در اینجا همچنانکه انسان از طریق وراثت در بعد جسمی خود تأثیر پذیر است، در بعد روحی نیز مسائلی را به ارث می برد و اخلاقیات اولیاء و فامیل نزدیک نیز از طریق وراثت به او منتقل می شوند.

اگرچه این يك امر فراگیر می باشد ولی گاه در مقاطع مختلف سنی ممکن است بروز کند که باید به محض بروز، خود فرد یا اعضاء مریدان (پدر، مادر، معلم و...) در صدد پالایش روحی او برآیند.

فردی که دست اندرکار تربیت است، نباید این گونه بیماران را محکوم به کاستی شخصی او نماید بلکه باید به او یاری کند تا از این نقص روحی نجات یابد.

زیرا این گونه افراد که در تشکّل روحی خود نقش اساسی نداشته اند نیاز به دقت و مدارا و حمایت بیشتری دارند.

2 - جامعه و محیط

اشاره

یکی دیگر از عوامل بیماری هیستیری تقلید از جامعه و محیط است. اگر فردی در جامعه ای باشد که فرهنگ جامعه، فرهنگی وابسته و بیگانه پسند و غیرگرا و خودنماست، چنین فردی نیز به چنین بیماری خود به خود مبتلا می شود.

انسان از آنجا که موجودی اجتماعی است و از اجتماع نمی تواند بریده باشد، از محیط جامعه نیز تأثیر می گیرد. جامعه شامل خانواده، مدرسه، رسانه های گروهی مجلات و روزنامه و همه توابع جامعه است.

تبلیغات در روحیه انسانها نقش مؤثری دارد. اگر در جامعه ای تبلیغات بر گردونه مصرف گرای، استفاده از کالاهای خارجی و لوکس با ارائه الگوها و شخصیت‌های مصرفی، دور بزند، افراد جامعه به شدت تحت تأثیر آن تبلیغات قرار می گیرند. امری که در روزنامه، مجله، رسانه های گروهی و جمعی تبلیغ می شود و مورد پذیرش عوام جامعه است. و مسئولین تبلیغات اگر در جهت مصرف گرایی بکوشند، افراد زیادی را تحت تأثیر قرار می دهند.

لذا ابتدا باید سعی شود که تبلیغات در محور شرع و عرف و مکتب باشد. آنچه به عنوان خوراک تبلیغاتی در اختیار رسانه ها قرار می گیرد، در چهارچوب اسلام باشد و عوامل منفی را در جامعه رشد ندهد.

تهاجم تبلیغاتی

در تبلیغات مسموم و وارداتی که از طریق نوارهای ویدیویی سوپر و غیرمجاز یا مجلات و روزنامه های خارجی یا از طریق ماهواره به جوانان القاء می شود، مسائلی مطرح می شود تا ذهن جوان را بخصوص، مشغول چیزهایی کند که او را از فکر سازندگی و خلاقیت بیرون آورد و در انحصار مصرف و بیهوده گرایی قرار دهد.

تبلیغات مسموم این گونه رسانه ها سعی بر این دارند که با تبلیغ بیکاری، بی هدفی و انحراف، سیگار، مواد مخدر، کالاهای مصرفی مدل‌های لباس، مدل‌های آرایش، برخوردارهای غیرمنطقی جوانان را در این مسیر سوق دهند.

گاه تبلیغات مسموم و ضد مکتب و ضد ارزش در این رسانه ها مطرح می شود و آنقدر گسترش پیدا می کند که در نظر بیننده زشتی خود را از دست می دهد. مبانی اخلاقی، مبانی معنوی، ارزشهای خانوادگی به پوچ گرفته شده و علیه آن تبلیغ می شود.

به جای ارزشها، نارضشها جایگزین می شود. به فرد القاء می شود که پیروی از آداب و سنن ملی، مذهبی و اجتماعی، ارتجاعی است و استفاده از فرهنگ غرب و مصرفی نشانه تجدد و خودنمایی می باشد.

اگر بیننده سطح علمی و آگاهی کافی نداشته باشد، تحت تأثیر این تبلیغات قرار می گیرد.

کالاهای جدید و مصرفی با تهاجم تبلیغاتی به مردم معرفی می شود و افراد به تصور اینکه مصرف این کالاها مزایایی دارد، مصرف کننده می شوند. اما مدتی که می گذرد معایب آن یکی یکی به مرحله بروز می رسد.

گاه مواد غذایی ناسالم با تبلیغات به خورد مردم داده می شود و بعد از مدتی اعلام می شود که مصرف نکنند. زیرا سرطان زاست و امثال این تبلیغات در عرصه تولید و مصرف کالا امری شایع

است.

لذا یکی از عوامل ابتلا به بیماریهای روحی پیروی از تبلیغات است.

3 - جهالت و نادانی

اشاره

یکی از عوامل بیماری خودنمایی جهالت و نادانی است. در این خصوص ممکن است فردی به خاطر ناآگاهی و آشنا نبودن به مبانی ارزشی، مرتکب اعمالی شود و انگیزه اعمال او نیز این باشد که در فلان گروه یا رسانه جمعی یا در فلان محفل دوستانه چنین چیزی مطرح شده است و او فکر می کند که کار این گروه بر اساس مبانی عقل و شرع است او هم آن کار را به تصور اینکه کار خوبی است انجام می دهد.

قرآن در این مورد می فرماید:

«بگو آیا می خواهید شما را به زیانکارترین مردم آگاه کنم؟ زیانکارترین مردم آنها هستند که عمرشان را در راه حیات دنیای فانی تباه کردند و به خیال باطل خود پنداشتند که کار خوبی انجام می دهند... (1)»

از نظر قرآن زیانکارترین مردم، آنها هستند که کار خلافی انجام می دهند و می پندارند که کارشان خوب است. اسلام تقلید کورکورانه را طرد می کند و از انسانی که دارای شعور، عقل و درایت است، انتظار دارد که عملی را از روی جهالت و نادانی انجام ندهد بلکه ابتدا علم و آگاهی پیدا کند، سپس مرتکب عملی شود و یا از مکتبی پیروی نماید.

اسلام و جهالت

انسان در ابتدای خلقت بدون علم و آگاهی آفریده شد. قرآن نیز می فرماید:

خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج ساخت، در حالی که چیزی نمی دانستید. (2)

اما وسایل رشد را در اختیار انسان قرار داد. عقل، تحصیل علم، آگاهی به ارزشها، توجه به هدایت و رهبری جامعه را به انسان گوشزد نمود و از او خواست تا در مسیر عقل گام بردارد.

لذا مکتب اسلام نسبت به جهل و نادانی به انسان هشدارهای زیادی داده است. از جمله قرآن دستور می دهد که از نادان دوری کنید و می فرماید:

از نادان کناره گیری نما. (3)

امام رضا علیه السلام فرمود:

1- . «الذین ضل سعيهم»؛ (كهف / 103)

2- . «والله اخرجكم من»؛ (نحل / 78)

3- . «واعرض عن الجاهلين»؛ (اعراف / 199)

دوست هر شخصی (برای رسیدن به کمال) عقل اوست و دشمن او جهل وی می باشد. (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

فقری بدتر از جهل و ثروتی مفیدتر از عقل و عبادتی بهتر از فکرنیست. (2)

اثرات جهل

اشاره

جهل و نادانی تأثیرات منفی در زندگی دنیوی و اخروی انسان می گذارد.

1 - افراط و تفریط

علی علیه السلام فرمود:

جاهل را همیشه تندرو و یا سست عنصر می بینی. (3)

2 - هدایت نمی شوند

قرآن می فرماید:

اگر خدا می خواست اینان را در طریق هدایت قرار می داد، و از نادانان قرارشان نمی داد. (4)

3 - دین ندارند

امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که عقل داشته باشد دیندار است و کسی که دین داشته باشد به بهشت می رود. (5)

4 - بیهوده می خندند

امام عسکری علیه السلام فرمود:

نشانه نادانی در این است که بدون جهت انسان بخندد. (6)

5 - مفسد هستند

قرآن می فرماید:

-
- 1- . تحف العقول، ص 326.
 - 2- . مكارم الاخلاق، ص 444.
 - 3- . نهج البلاغه صبحی صالح، 479.
 - 4- . «ولو شاء الله لجمعهم»؛ (انعام / 35)
 - 5- . ثواب الاعمال، ص 29.
 - 6- . تحف العقول، ص 362.
 - 7- . «الا انهم هم المفسدون»؛ (بقره / 12)

قرآن می فرماید:

و محققاً بسیاری از جن و انس را برای جهنم واگذاریم (که آنها به سوء اختیار پلیدی و اعمال زشت و افکار و عقاید فاسد را برگزیدند).

برای آنها دلهاییست که بی ادراک و معرفت و دیده هایی است بی نور بصیرت و گوشهایی است ناشنوای حقیقت. آنها مانند چهارپایند بلکه بسی گمراه ترند زیرا قوه ادراک مصلحت و مفسده را داشتند و باز عمل نکردند. آنها همان مردمی هستند که (از خدا و قیامت و عاقبت کار خود به بازیچه دنیا) غافل شدند. (1)

تأکید خداوند بر این است که انسان هر چیزی را چشم و گوش بسته قبول نکند و از آن پیروی ننماید بلکه هر عملی را همراه با عقل، تدبر و فکر انجام دهد. در آن صورت است که هدایت شامل حال او خواهد شد.

7 - جهل منشأ گناهان

اشاره

جهل تنها در مورد بیماری خودنمایی یا هیستیری عامل مؤثر نیست، بلکه بسیاری از گناهان که افراد انجام می دهند، بر اثر جهل و نادانی آنهاست.

اعتیاد

منشأ اعتیادهای انحرافی بسیاری از جوانان جهل و نادانی نسبت به عواقب آن و حیله دشمن است. با کشیدن يك سیگار و دنباله روی بی چون و چرا از دوستان ناباب، فرد کم کم به اعتیاد کشیده می شود و نادانسته خود را در معرض سقوط قرار می دهد.

اعتیاد ابتدا بر اثر جهل بوجود می آید اما در نهایت زندگی، آینده و سرمایه های يك فرد را می سوزاند و خاکستر می کند.

ارتباط نامشروع

منشأ بسیاری از ارتباطهای نامشروع جهل و نادانی است. جوان فکر می کند که در کنار گناه و عصیان و تجاوز به حقوق دیگران می تواند به سعادت برسد. در حالی که اینطور نیست. گاهی دیده می شود بعضی از جوانهای فاسد، نداشتن دوست دختر یا پسر را دلیل بر بی عرضگی و بی لیاقتی فرد می دانند و او را تشویق می کنند که او هم برای خود دوستی دست و پا کند. نامه ای رد و بدل کند و

1- . «لهم قلوب لا يفقهون»؛ (اعراف / 179)

عکسی بدهد و بگیرد.

منشأ این کار درست است ابتدا جهل و نادانی است، اما انسان از عواقب شرعی، قانونی و اجتماعی این کار مصون نخواهد بود.

ارتباط نامشروع با دیگران خشم و غضب الهی را در پی دارد، انسان را از سعادت زندگی خانوادگی محروم می کند، موجب تباهی و فساد جنسی می شود. انسان به استمناء مبتلا می شود، اگر شهوت تخلیه نشود گاه منجر به لواط یا همجنس گرایی و یا زنا می شود، که هر کدام علاوه بر حدّ و زندان و سنگسار، عذاب اخروی نیز در پی خواهد داشت.

لذا جوان باید با چشم باز در مسیری گام بردارد که سعادت دنیوی و اخروی در انتظار او باشد.

اعمال خلاف

منشأ بسیاری از اعمال خلاف، نادانی و جهالت است. گاه فردی برای پولدار شدن دست به دزدی، رشوه و رباخواری و... می زند تا به پول بیشتر برسد اما باید بداند اگر به پول بیشتری نیز دست پیدا کند، این پول برکت ندارد و به او وفا نمی کند و سرانجام عقوبت دنیوی، چون زندان و قصاص و آبروریزی و در قیامت هم عذاب الهی گریبان او را می گیرد.

پول و ثروت در کنار عقل و ایمان ارزشمند است و پولی که از طریق گناه به دست آید، جز شر دنیوی و اخروی، سود دیگری نخواهد داشت.

سوء رفتار

منشأ بسیاری از اعمال ناشایست و سوء رفتار افراد جهالت و نادانی است.

بد اخلاقی و پر خاشگیری با پدر و مادر و دوستان و یا معلم، گناهی بزرگ است. زیرا معلم حق بزرگی بر گردن انسان دارد. افرادی هستند که با جهالت و نادانی نسبت به معلم پر خاشگیری می کنند.

این افراد باید بدانند که این رفتارشان حاکی از جهل آنهاست و انسان عاقل با استاد باید همیشه با احترام رفتار کند.

اولیاء

سوء رفتار با والدین نیز گناهی بزرگ است و عقوبت الهی در پی دارد. در دنیا نیز انسان به مکافات عمل خود در سوء رفتار با والدین می رسد.

خداوند نسبت به پدر و مادر در قرآن سفارش زیادی فرموده است.

قرآن می فرماید:

فقط خدا را عبادت کنید و به پدر و مادر نیکی نمایید. (1)

و در آیه دیگری می فرماید:

به پدر و مادر موقعی که دستور می دهند کاری انجام گیرد، (آه، آه، اف) نگو! بر سرشان فریاد مکش و حرف شایسته به آنان بزن. (2)

امام صادق علیه السلام فرمود:

عاق والدین از کبائر است، زیرا خدا عاق والدین را معصیت کار و ستمگر قرار می دهد. (3)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سه گناه است که کیفر آن سریع است و به قیامت کشیده نمی شود: عاق والدین، ظلم به مردم و کفران نیکی ها. (4)

پس جوان باید در هر حال احترام پدر و مادر را حفظ کند و به بهانه پیر بودن، یا بی سواد بودن، یا قدیمی بودن آنها، حق بی احترامی به آنها را ندارد.

خانواده

منشأ بسیاری از سوء رفتارهای خانوادگی نیز جهالت و نادانی است. در حالی که خداوند نسبت به خانواده نیز سفارش زیادی فرموده است.

قرآن می فرماید:

بگوزیانکارترین مردم کسی است که به خود و خانواده خود ضرر بزند. (5)

امام صادق علیه السلام فرمود:

برای گناهکار بودن انسان همین بس است که نسبت به زبردستان خود کوتاهی کند. (6)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بهترین مردان امت من کسانی هستند که به زبردستان خود ظلم نمی کنند و به آنان نیکی می نمایند و ستم بر آنان روا نمی دارند. (7)

اسلام به زنان نیز سفارش فرموده است که حقوق شوهر را رعایت کنند و در ناراحتیها صبر و تحمل داشته باشند و از سوء رفتار بپرهیزند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

- 1- . «لاتعبدون الا الله»؛ (بقره / 83)
- 2- . «فلا تقل لهما اف ولا»؛ (اسراء / 23)
- 3- . علل الشرايع، ج 2، ص 479.
- 4- . امالى شيخ مفيد، ص 140.
- 5- . «قل ان الخاسرين»؛ (شورى / 45)
- 6- . عدة الداعى، ص 72.
- 7- . مكارم الاخلاق، ص 217.

جهاد زن این است که در آزاری که از دست شوهرش می بیند و غیرت او صبر کند. (1)

بهرحال سوء رفتار با هر انگیزه ای که باشد، عقوبت دنیوی و اخروی در پی خواهد داشت و این نشانگر جهل است که انسان کاری کند و عملی مرتکب شود که عذاب الهی را در پی داشته باشد و در دنیا انسان را دچار عقوبت و مکافات می کند.

اجتماع

منشأ بسیاری از سوء رفتارهای اجتماعی نیز جهل و نادانی است. خداوند برای هر يك از افراد جامعه حقوقی قرار داده است. همسایه حقی دارد، دوست، حقی دارد، فامیل حقوقی دارند و هر کس باید نسبت به دیگری، وظایفش را انجام دهد و چنانچه انسان به حقوق اجتماعی دیگران احترام نگذارد و به آنها ظلم کند، خلاف دستورات الهی، عمل کرده است.

قرآن می فرماید:

به فلاکت نيفتادند مگر اینکه وقتی آگاه شدند، دست به انحراف یکدیگر زدند. (2)

منحرف کردن اجتماع از جمله سوء رفتارهای اجتماعی است اگر انسان، فردی را منحرف کند پیش خداوند مسئول است.

علی علیه السلام فرمود:

کسی که ظلم کند، کسی به ظلم کمک کند و کسی که به ظلم راضی باشد، هر سه با هم شریک هستند. (3)

و در روایت دیگر فرمودند:

ظلم، ستمگر را به آتش می کشاند. (4)

تجاوز به حقوق مادی و معنوی مردم اگرچه بر مبنای جهل و نادانی باشد گناه است.

برای دور ماندن از آثار جهل و نادانی، انسان باید به سوی معارف و کمال و عقل گام بردارد و سعی کند، نادانیها را از خود دور نماید.

آزادی یا هرج و مرج

یکی از آثار جهالت و نادانی آزادی به معنای هرج و مرج است. برخی افراد فکر می کنند، معنی آزادی این است که هر کاری که دلشان می خواهد می توانند انجام دهند و هیچ تعهدی نسبت به اعمال و رفتار خود ندارند.

ص: 36

2- . «و ما تفرقوا لامن»؛ (شوری / 14)

3- . تحف العقول، ص 155.

4- . جامع السعادات، ج 1، ص 316.

آنچه را که فرهنگ بیگانه آزادی می داند از نظر اسلام هرج و مرج است. اسلام آزادی زن را در قید حجاب بودن می داند، در عین حال او را از هیچگونه فعالیت سیاسی، عبادی، اجتماعی نیز محروم نمی کند. آنچه خداوند به عنوان قانون برای زن و مرد، در جامعه قرار داده است بر اساس مقتضیات روحی، جسمی و تواناییهای آنان است.

اسلام هرج و مرج و فحشاء و عریانی را آزادی نمی داند، بلکه این نمادها را منشأ گناهان اجتماعی و مفسد معرفی می فرماید.

گاهی برخی جوانان در این اندیشه اند آزادی این است که با هر کسی دوست شوند، در هر محفلی شرکت کنند، هر نوار و فیلمی را ببینند، به هر نوایی گوش فرا دهند، از هر چه خواستند استفاده کنند، چه مواد مصرفی اعتیادآور و زیانبخش باشد؟ یا اینطور نباشد.

این نکته قابل توجه است که اسلام برای کلیه روابط اجتماعی، ملاکات و ارزشهایی قرار داده است که تخلف از آنها را گناه برشمرده است.

فرهنگی که انسان را به سوی بی قانونی سوق دهد در حقیقت فرهنگ نیست، تخدیر افکار است و این افکار، انسان را در جهالت و نادانی فرو می برد و انسان از عوارض سخت این اعمال برحذر نخواهد بود.

4 - قدرت طلبی

اشاره

یکی از عوامل بیماری خودنمایی قدرت طلبی است. معمولاً افرادی این احساس قدرت طلبی را در خودنمایی جلوه می دهند که دارای يك خلأ شدید می باشند. برای سرپوش گذاشتن بر آن خلأ سعی در قدرت نمایی و سلطه جویی دارند.

کاستی و ضعف، ممکن است در زمینه تحصیلات، علم، زیبایی، مال و ثروت و موقعیت اجتماعی باشد. این افراد به خاطر جبران آن ضعفها و سرپوش گذاشتن بر آنها کارهایی می کنند، که نسبت به دیگران ضعف نداشته باشند، بلکه قدرت خود را در معرض بروز و نمود قرار دهند و دیگران از آنها حساب ببرند.

این قدرت طلبی در مسیر گناه و اعمال خلاف قرار دارد و کسی که می خواهد قدرت طلبی منفی خود را بروز دهد، گناهایی را نیز مرتکب می شود. این قدرت جویی اختصاص به گروه و قشر خاصی ندارد و در همه افرادی که خلأ روحی و معنوی و ایمانی دارند، به چشم می خورد.

قدرت طلبی در کودکان نیز وجود دارد، آنان با ایداء و اذیت خواهر، برادر، همکلاسی، دوست و فامیل سعی دارند خود را از آنها برتر جلوه دهند.

جوان قدرت طلب، از راه پرخاشگری، کتک کاری، بهم ریختن وضع خانه و مدرسه، سعی در نمایش قدرت دارد.

مرد در خانه برای نشان دادن سلطه و قدرت، ممکن است که به فحاشی، کتک زدن همسر و

فرزند، قهر کردن، به خانه نیامدن، خرجی زن و فرزند را قطع کردن دست بزند تا قدرت خود را به مرحله بروز برساند و دیگران از او بترسند.

مربیان گاهی برای نشان دادن قدرت و سلطه خود به کارهای خلاف یعنی تنبیه بدنی، اخلاقی و محرومیت دانش آموزان از حقوق و نمره بر حق اینها، روی می آورند تا دانش آموزان از آنها حساب ببرند.

برخی برای رسیدن به قدرتهای مادی، اجتماعی از جمله مقام، مرتکب هر گونه خلاف، تهمت یا دزدی و ضایع کردن حقوق دیگران می شوند تا به سودای قدرتی که در سر دارند برسند.

این روشهای منفی، خلاف شرع و عقل و عرف و موازین اجتماعی است و خداوند از این اعمال راضی نیست و این کارها نشانه طغیانگری است و این افراد پیرو طاغوتها هستند و در حقیقت خود در همان محدوده ای که اعمال قدرت ناحق می کنند، طاغوت کوچکی هستند که اگر قدرت بالاتر پیدا کنند، چون دیگر طاغوت عمل خواهند کرد.

طغیان در قرآن

قرآن نسبت به طغیانگری و سلطه جویی به انسانها هشدار داده است. قرآن می فرماید: همانا انسان طغیانگر است. (1)

روح عصیان و طغیان در انسان هست و اگر سرکوب نشود، چون فرعون است که خدا می فرماید:

(ای موسی) به سوی فرعون برو زیرا فرعون طغیان کرده است. (2)

در قرآن علت عذاب قومهای نوح، ثمود، و اقوامی که قبل و بعد از آن به عقوبت و کیفر اعمال خود رسیدند، طغیان و عصیانگری معرفی کرده است. (3)

خداوند به انسانهای طغیانگر و عده عذاب داده است و در قرآن می فرماید:

همانا جهنم در کمینگاه است برای کسانی که طغیان ورزیدند. (4)

و در آیه دیگر می فرماید:

پس کسی که طغیان بورزد و زندگی دنیا را ترجیح دهد، جهنم جایگاه او خواهد بود. (5)

انسان طغیانگر در مسیر کفر قدم بر می دارد. (6) فرمان الهی را نادیده می گیرد و به آن عمل نمی کند لذا کارهایش مورد تأیید نیست و قدرتی که از طریق گناه بوجود بیاید، پایدار نیست و خداوند

ص: 38

1- «کلا ان الانسان لیطغی»؛ (علق / 6)

2- «اذهب الی فرعون انه»؛ (طه / 24)

3- . نجم / 52، و حاقه / 5 و شمس / 11 و مائده / 64.

4- . «ان جهنم كانت»؛ (نبأ / 22)

5- . «فاما من طغى»؛ (نازعات / 37)

6- . «والذين كفروا»؛ (بقره / 257)

ستمگران را دوست ندارد. (1) و آنان را به عذابی دردناک مبتلا خواهد کرد. (2) و آنان را هدایت نخواهد کرد. (3) و کفر و ظلمشان را نمی بخشد. (4)

کمال جویی

کمال جویی نقطه مقابل قدرت طلبی است. کمال جویی در مسیر معارف الهی مطرح است و انسان باید کمال جو باشد تا رشد کند. انسان باید در مسیر رشد و بالندگی استعدادها و فزاینده‌گی کمالات قرار بگیرد تا استعدادهای او شکوفا شود.

کمال یابی وقتی مطرح است که عوامل منفی، زمینه ساز کمال انسان نشود و با گناه به رشد و کمال نرسد. کسی که با گناه به کمال و قدرت برسد و ارزشی پیدا کند قطعاً همان کمال موجب بدبختی او می شود. انسان کمال جو بدنبال آن است که زندگی مادی و معنوی خود را با اجرای دستورات الهی به رشد و کمال برساند اما انسان قدرت جو به دنبال قدرت منفی است و جهات منفی را زمینه ساز کمال خود می سازد.

انسان باید از نعمتهای الهی کمال استفاده را ببرد و از این موهبتها در مسیر رشد خود استفاده کند، به دیگران نیز کمک کند و هرگز سعی در ظلم به دیگران نداشته باشد.

شناخت مرز کمال و قدرت

برای اینکه فرد بیمار و تشنه قدرت، شناخت کامل نسبت به این مسئله داشته باشد لازم است، مرزهای قدرت برای او بیان شود.

قدرت آن نیست که فردی آدم بکشد تا مردم از او بترسند، آبروی دیگران را ببرد تا از ترس آبروریزی به او احترام بگذارند، دزدی کند تا به مال و مکتب برسد، این کارها شاید انسان را به خواسته اش برساند ولی کسی که از راه دزدی به پول و ثروت برسد، این ثروت عامل سعادت او نیست. زمانی مکافات عمل گریبان او را خواهد گرفت.

قدرت و مسیر دست یابی به قدرت، باید در ذهن افراد ترسیم شود. کدام قدرت برای انسان سعادت بخش است؟ قدرتی که از مسیر گناه بوجود می آید یا کمالی که در مسیر خداپرستی محقق می شود. آن کس که به دنبال قدرت سیاسی است و به وسیله تبلیغات می خواهد در امور انتخابات پیروز شود یا به ریاست برسد، باید بداند که هدف از تبلیغ باید خدمت برای خدا باشد، تلاش برای

ص: 39

1- . «والله لا یحب»؛ (آل عمران / 57)

2- . «واعتدنا الظالمین»؛ (فرقان / 37)

3- . «والله لا یهدی»؛ (آل عمران / 86)

4- . «ان الذین کفروا»؛ (نساء / 168)

اجتماع باشد. از این رو اگر انتخاب هم نشود، برایش مهم نباشد، هدف خدمت به خدا و خلق باشد.

موفقیت و عدم موفقیت، برای او یکسان باشد.

اما اگر در تبلیغات هتك حرمت، غیبت، تهمت به دیگران، ضایع کردن اموال عمومی مطرح باشد، اگر قدرتی هم به دست آورد، این قدرتی که از مسیر گناه بوجود آمده است، موجب کمال انسان نمی شود و برای انسان عقوبت دنیوی و اخروی به همراه دارد.

5 - عقدهٔ حقارت

اشاره

یکی از عوامل مهم بیماری هیستیری و خودنمایی عقدهٔ حقارت و مشکلات روحی است.

بسیاری از افراد وقتی مرتکب دروغ می شوند، ریا می کنند، قدرت طلبی می کنند و به حقوق دیگران تجاوز می کنند، فخر می فروشند بوسیلهٔ لباس و... به دیگران تکبر می ورزند و اعمالی نظیر اینها انجام می دهند به خاطر این است که عقدهٔ حقارت دارند و در حقیقت شخصیت خود را کم کرده اند.

این ها افرادی هستند که در محیطی رشد کرده اند که مرتب دیگران آنها را اذیت و آزار نموده اند، حقوقشان را نادیده گرفته اند و آنها را به خاطر ضعفهایشان از خود طرد کرده و تحقیرشان نموده اند.

از طرفی اینگونه افراد، دارای ضعفهایی هستند که این ضعفها را از طریق صحیح جبران نمی کنند.

اگر کسی از کمبودی رنج می برد نباید آن را به وسیلهٔ اعمال خلاف، جبران کند زیرا نه تنها این مسئله جبران نمی شود، بلکه مسائل جدیدتری نیز انسان را گرفتار خود می سازد. هر مشکلی روش و شیوه خاصی را در درمان می طلبد. بهرحال منشأ عقدهٔ حقارت باید مشخص شود، تا روش صحیح برخورد با آن بکار گرفته شود.

فقر مالی

گاه عقدهٔ حقارت به خاطر ضعف مالی است. اگر فردی ضعف مالی دارد باید آن را از طریق صحیح بدست آورد. خودنمایی و استفاده از راههای منفی چون ادعاهای دروغ، دزدی، خیانت مشکلی را حل نمی کند. اگر انسان ضعف مالی دارد نباید به خاطر این ضعف احساس ناراحتی کند بلکه فقر با عزت، نوعی شرافت است. سرشکستگی در کنار گناه و کارهای خلاف است اما فقر ذلت نیست بلکه راز کمال است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

فقر ذلت دنیا و فخر آخرت است. (1)

فقر آرزوی پیامبر صلی الله علیه و آله بود ایشان دعا می فرمودند:

خدایا طوری قرار ده که فقیرانه زندگی کنم، فقیرانه بمیرم و در ردیف فقرا وارد محشر گردم. (2)

امام سجاد علیه السلام می فرمود:

ص: 40

1- . ارشاد القلوب، ص 194.

2- . اخلاق شبر، ص 107.

کسی که با رزق کم بسازد، خدا هم از عمل کم او راضی خواهد بود. (1)

امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمنین فقیر در باغهای بهشتی، چهل سال زودتر از ثروتمندان مؤمن وارد می شوند. (2)

فقر راز کمال است. امام صادق علیه السلام فرمود:

هر چه به ایمان بنده اضافه شود، در زندگی بیشتر به سختی می افتد. (3)

پس انسان نباید به خاطر فقر مالی دچار گناه شود و احساس شرمساری و عقده کند بلکه فقر را نعمتی الهی بداند و به خاطر پول گناه نکند. زیرا امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

مصائب الطاف الهی و فقر از گنجهای خداست. (4)

افت تحصیلی

گاهی برخی افراد به خاطر ضعف حافظه و عدم موفقیت در درس خواندن، دچار مشکل عقده حقارت می شوند و این عقده را با پرخاشگری، ادعاهای دروغ و سایر نمادهای بیماری هیستیری جلوه گر می سازند.

این مسئله قابل توجه است که هر کس استعدادهای خاص خود را دارد و باید به این استعدادهای درونی خود پی ببرد. اگر کسی در تحصیل موفق نیست، دلیل بر آن نمی شود که با بوجود آوردن مشکل جدیدی، بخواهد ضعف خود را جبران کند. مشکلات تحصیل با تلاش پیگیر، تصمیم درست، مشورت با مربی قابل حل است. بر اولیاء و مربیان لازم است که وسائل تحصیل در محیطی سالم را برای جوانان فراهم آورند و جوانان به جای عقده گشایی و خودنمایی به فکر آینده سالمی باشند و از آفات اخلاقی خود را دور سازند و واقعاً وقت خود را صرف درس خواندن کنند و اگر احیاناً موفقیتی به دست نیاوردند، به شغل و حرفه ای بپردازند که به آن علاقه دارند.

مشکلات ازدواج

گاهی عقده حقارت به خاطر مشکلات در ازدواج است. جوانی که موفق به ازدواج نمی شود ممکن است این عدم توفیق را با جلوه گری پوشیدن لباسهای جدید، دروغپردازی، فخرفروشی به وسیله وسایلی که مربوط به او نیست، مثل قرض گرفتن ماشین و ویراژ دادن، ارتباط نامشروع با جنس مخالف و... بخواهد خود را بزرگ و قوی جلوه دهد و این عدم موفقیت خود را با نشانه های باطل بروز دهد.

ص: 41

1- . سیرالائمه، ج 3، ص 243.

2- . ارشاد القلوب، ص 155.

3- . اصول کافی، ج 2، ص 261.

4- . اصول کافی، ج 2، ص 260.

ازدواج از جمله نیازهای يك جوان است. اما ازدواج اگر بر مبنای هوی و هوس و عقده باشد، ازدواج موفق نخواهد بود. ازدواج بنای يك عمر زندگی مشترك است. چون لباس نیست که اگر انسان نخواست آن را کنار بگذارد. لذا به جای توسل به کارهای خلاف، انسان باید در فکر فراهم کردن مقدمات درست ازدواج باشد و بر اولیاء نیز فرض و لازم است که از طریق صحیح و شرعی جوان را در حل مشکل یاری دهند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

حق فرزند نسبت به پدر، سه مورد است: نام او را نيك بگذارد، نوشتن به او بیاموزد و آنگاه که بالغ شد، مقدمات ازدواج او را فراهم کند. (1)

ضعف در زیبایی

گاهی عقده حقارت به خاطر آن است که فردی زیبا نیست. از این جهت احساس کمبود و عقده می کند و این کمبود را به وسیله فخرفروشی با لباس، وسائل زینتی، طلا و جواهر و... می خواهد جبران کند.

این نکته قابل ذکر است که زیبایی انسان وابسته به عواملی است از جمله دوران جنین نقش بسیار زیادی در زشت شدن یا زیبایی کودک دارد. ممکن است از پدر و مادری زیبا فرزندان زشت متولد شوند و یا از پدر و مادرانی زشت فرزندان زیبا بوجود آیند.

نوع تغذیه مادر، حالات روانی مادر، آرامش مادر، خواندن ادعیه ای که مخصوص دوران بارداری است تقوی و پرهیزکاری یا گناه و عصیانگری در زیبایی یا زشت شدن صورت و سیرت فرزند بسیار مؤثر است.

از عامل ژنتیک که بگذریم بهر حال اگر انسان وضعی در چهره دارد می تواند آن را به وسیله علوم و کمالات آرایش دهد. چه بسیار زیبارویانی که به خاطر روحیات زشتی که دارند در زندگی موفق نیستند و چه بسیار زشت صورتانی هستند که در زندگی اجتماعی، به واسطه پرداختن به کمالات معنوی موفق می باشند.

ضعف در بعد جسمی نباید باعث آلوده شدن انسان به گناهان دیگر شود هر انسانی که ضعف را با ضعف جبران کند هرگز موفق نمی شود که بخواهد نارسایی را با اعمال زشت و گناه و... جبران کند.

جبران ضعفها در سایه پرداختن به کمالات و آرایش به زیباییهای علمی و معنوی است.

نواقص جسمی

ص: 42

گاهی اوقات نواقص جسمی موجب عقده حقارت و ابتلا به بیماری هیستیری می شود. برخی به طور مادرزادی یا به علل تصادف، یا بیماری دچار نقص جسمی می شوند. این افراد باید بدانند که با عقده روانی و گریز از مردم یا خودنمایی و جلوه گری و اعمال غیر معقول قادر به جبران ضعف خود نیستند.

بلکه هر کس نقصی در بدن دارد، نشانه ضعف او نیست، ضعف وقتی است که انسان در مقابل شکستها و ضعفها روحیه خود را ببازد و به کارهای منفی متوسل شود.

بسیاری از بزرگان در عرصه علم، هنر، فنون، صنایع، کارهای دستی، افرادی هستند که به نوعی از سلامتی همه جانبه محروم بوده اند ولی این محرومیت آنها را به انحراف و اعمال خلاف نکشاند است و آنها نقص را نردبان پیشرفت خود قرار داده اند.

6 - ضعف اراده

از جمله عوامل بیماری هیستیری ضعف اراده است. اراده ضعیف است که انسان را از انتخاب راه صحیح باز می دارد.

برخی افراد دارای اراده ای ضعیف هستند و قدرت مقابله با افکار انحرافی را ندارند و نمی توانند در مقابل القانات غلط دیگران، با اراده تصمیم بگیرند که با آنها مقابله کنند و تحت تأثیر آنها واقع نشوند.

ضعف اراده یکی از بیماریهای فراگیر روحی است که برای شکوفا شدن و تقویت آن راههای زیادی توسط روانپزشکان معرفی شده است. (1)

7 - عدم اعتماد به نفس

از جمله عوامل بیماری هیستیری عدم اعتماد به نفس است. کسانی که در مسیر خودنمایی هستند خود را هیچ می پندارند و شخصیت ثابتی از خود ارائه نمی دهند. در خود توان انجام کاری مطابق با میل خود را نمی بینند و در انجام کارها احساس عدم اطمینان دارند. دائم با خود درگیرند، نمی توانند مسیر درستی را برگزینند و در این حالت است که هر چند گاه يك بار، روش و حالت خود را تغییر می دهند.

در حقیقت این افراد چون خود را باور ندارند، از عقاید دیگران در مورد زندگی خود پیروی می کنند و نمی توانند صحت و سقم مطلب را بررسی کنند و راه درستی را در پیش بگیرند.

بهترین روش این است که فرد خود را بشناسد، تواناییهای خود را دریابد و هرگز احساس ضعف و کاستی نکند، حتی اگر ضعفی هم دارد، سعی کند با کمال جویی ضعف خود را جبران کند

ص: 43

وقتی کسی به عظمت شخصیت خود دست یافت و خود را پیدا کرد، حاضر نیست که بدون چون و چرا از دیگران متابعت کند، بلکه سعی می کند خود در مکانی قرار گیرد که دیگران او را سرمشق و الگوی خود قرار دهند. (1)

8 - شکستها و ناکامیها

اشاره

یکی دیگر از عوامل بیماری خودنمایی و هیستیری، شکستها و ناکامیها می باشد. بعضی افراد که در ابعاد مختلف زندگی با شکست روبرو می شوند، برای جبران ناکامیها دست به جلوه های بیماری هیستیری که به آن اشاره شد، می زنند تا به این وسیله برتری خود را بر دیگران به اثبات برسانند. در حقیقت آنها جبران شکست را در کار خلاف جستجو می کنند. این نکته قابل بحث است که آیا شکستها برای انسان رکود و ناکامی است؟ یا حاصل آن رشد و پیروزی می باشد؟

آزمایش و امتحان

خداوند برای رشد بشر، او را امتحان می کند. قرآن می فرماید:

ما آنان را با خوب و بد آزمایش می کنیم، شاید بخود آیند. (2)

و در آیه دیگر می فرماید:

ما شما را آزمایش می کنیم تا مجاهدان و صابران شناخته شوند و از اخبار شما آگاه شویم. (3)

ابزار آزمایش و امتحان را قرآن این چنین معرفی فرماید:

ما شما را با کمی، ترس، گرسنگی، کمبود مالی و جانی آزمایش می کنیم. (4)

و در آیه ای دیگر خداوند می فرماید:

اگر خدا می خواست شما را يك ملت قرار می داد ولی میان شما فرق گذاشت تا نسبت به آنچه در اختیار شما قرار می دهد، آزمایش شوید. (5)

این امری مسلم است که آزمایش و امتحان برای همه افراد وجود دارد و همه انسانها در زندگی خود مورد امتحان الهی واقع می شوند. پس اگر انسان در آزمایشی شکست بخورد، این شکست نباید او را به انحراف بکشاند بلکه شکست مقدمه پیروزی است و قرآن می فرماید، همانا بعد از هر سختی آسانی وجود خواهد داشت. (6)

ص: 44

1- توضیح بیشتر در کتاب نیازمندیهای نسل جوان اثر دیگر مؤلف.

2- «بلدناهم بالحسنات»؛ (اعراف / 168)

3- . «ولنبلونكم حتى نعلم»؛ (محمد / 31)

4- . «ولنبلونكم حتى بشى من»؛ (بقره / 156)

5- . «ولو شاء اللّٰه»؛ (مائده / 48)

6- . «ان مع العسر يسرى»؛ (انشراح / 6)

شکست برای انسان وجود دارد اما شکست ترس ندارد بلکه ناامیدی در برابر شکست‌هاست که انسان را به انحراف می‌کشاند. شکست زمینه ساز رشد و کمال است و شکست‌هاست که برای انسان قدرت و تجربه و کمال به همراه دارد. اینجاست که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز امر به صبر می‌فرماید:

صبر کن، همانند پیامبران اولوالعزم که آنان نیز صبر کردند. (1)

امام باقر علیه السلام فرمود:

کسی که در گرفتاریها صبر کند، خدا بر عزت او بیفزاید و با محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را در بهشت محشور گرداند. (2)

امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمنی که به بلایی گرفتار شود و صبر کند، پاداش هزار شهید را خواهد داشت. (3)

و در روایتی دیگر فرمودند: اگر صبر کردی، بهره می‌بری، به طوری که مورد غبطه دیگران واقع می‌شوی و اگر جزع کنی مقدرات الهی بر تو جاری می‌شود و پاداشت را ضایع کرده‌ای. (4)

با توجه به اینکه شکستها و تلخیها امتحان خداوند است و تحمل این سختیها به انسان نیرو و توان مبارزه با مشکلات را می‌دهد، انسان نباید به واسطه شکست و ناکامی در کام انحرافات اخلاقی غوطه ور شود. و مشکلات جدیدتری برای خود فراهم کند.

چنانکه سیره ائمه علیهم السلام این بوده است که در برابر مشکلات صبر پیشه می‌کردند و از این راه به درجات بالای عرفانی و ملکوتی رسیدند.

9 - عدم اعتقاد به قیامت

اشاره

یکی از عوامل بیماری هیستیری و جلوه‌گری، نداشتن ایمان به قیامت و جهان پس از مرگ است.

این ضعف و کمبود می‌تواند در زندگی دنیوی، انسان را در غفلت و بی‌خبری نگهدارد و از پرداختن به مسائل معنوی بازدارد. اعتقاد به معاد از جمله وظایف اعتقادی هر مسلمان است و برای رفتار و اعمال انسان عامل بزرگی بشمار می‌رود. وقتی کسی به قیامت ایمان نداشته باشد و بر این عقیده باشد که دنیا بگذرد حال تا آخرت چه می‌شود مهم نیست، در زندگی خود رعایت هیچگونه موازین شرعی، عقلی، عرفی را نمی‌کند و همتش این است که دنیایش آباد و بر وفق مرادش باشد.

این امر بسیار مهمی است که انسان اعتقاد به قیامت را برای افراد تبیین کند و آنها را معتقد به قیامت گردانده در این صورت فرد نه تنها مشکل این بیماری را نخواهد داشت، بلکه از مشکلات

- 1- . «فاصبر كما صبر»؛ (احقاف / 35)
- 2- . ثواب الاعمال، ص 235.
- 3- . الحقايق، ص 140.
- 4- . سفينة البحار، ج 2، ص 7.

مختلف دیگر هم مصونیت پیدا خواهد کرد.

معاد در اسلام

از جمله مسائل اعتقادی هر مسلمان ایمان به معاد و جهاد پس از مرگ است. در قرآن کتاب آسمانی آیات بسیار زیادی در رابطه با معاد و ابعاد آن بحث کرده است.

در وجود قیامت شکی نیست

قرآن می فرماید:

خدای یگانه که هیچ خدایی جز او نیست همه را در روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست گرد هم می آورد. (1)

در آیه ای دیگر خداوند منکرین معاد را چنین خطاب می کند و در قرآن می فرماید:

و برای ما مثلی جاهلانه زد که گفت این استخوانهای پوسیده را باز که زنده می کند؟ بگو آن خدایی زنده می کند که اول بار آنها را حیات بخشید و او بهر خلقت دانا (وقادر) است. (2)

در آیه ای انسان ها را خطاب کرده و می فرماید: آیا چنین پنداشتید که شما را به عبث و بازیچه آفریده ایم و هرگز به ما رجوع نخواهید کرد. (3)

و در آیه دیگری چنین می فرماید:

آیا انسان می پندارد که ما دیگر استخوانهای (پوسیده) او را باز جمع نمی کنیم؟ بلی ما قادریم که سر انگشتان او را هم درست کنیم. و انسان می خواهد آنچه از وعده بهشت و دوزخ خدا فرموده همه را تکذیب کند و آنچه در پیش است همه را به فجور و هوای نفس بگذراند. (4)

آری انسانهایی که فکر می کنند معاد حق نیست، باید بدانند خلقت دوباره در قیامت بسیار راحت تر از خلقت اولیه انسان است که خداوند انسان را آفرید. قرآن می فرماید:

ما انسان را از آب نطفه مختلط (بی حس و شعور) خلق کردیم و او را دارای قوای چشم و گوش و مشاعر و عقل و هوش گردانیدیم. (5)

برای انسان راههای اثبات معاد فراوان است، اما اگر کسی نخواهد که قیامت را حق پندارد، به تحقیق راه خطا رفته است و قرآن می فرماید:

هر کس به خدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و رسولان و روز قیامت کافر شود سخت به

ص: 46

- 2- . «وضرب لنا مثلاً»؛ (يس / 78)
- 3- . «افحسبتم انما خلقناكم»؛ (مؤمنون / 114)
- 4- . «ايحسب الانسان»؛ (قيامت / 3)
- 5- . «انا خلقنا الانسان»؛ (دهر / 2)

گمراهی فرومانده (و از راه نجات و سعادت) دور افتاده است. (1)

قیامت بهر حال روی خواهد داد و قرآن می فرماید: همه نفوس مرگ را خواهند چشید. (2) و در هنگام وقوع مرگ و قیامت است که انسان پشیمان می شود.

در آیه دیگری می فرماید:

ای مردم اگر شما در روز قیامت و قدرت خدا، بر زنده کردن مردگان، شك و ریبی دارید بدانید، که ما شما را نخست از خاک آفریدیم، آنگاه از آب نطفه آنگاه از خون بسته، آنگاه از پاره گوشت تمام و ناتمام، در این انتقال و تحولات قدرت خود را بر شما آشکار سازیم و از نطفه ها آنچه را مشیت ما تعلق گیرد، در رحمها قرار دهیم، تا به وقت معین طفلی از رحم بیرون آوریم، تا زیست کرده و به حد بلوغ و کمال برسید و برخی از شما بمیرید و برخی به سن پیری و دوران ضعف و ناتوانی رسد تا آنجا که پس از دانش و هوش خرفت شود و هیچ نفهمد و زمین را بنگری وقتی خشک و بی گیاه باشد آنگاه بر آن باران فرو باریم، تا سبز و خرم شود و تخمها در آن نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا برویاند.

این آثار قدرت، دلیل است که خدای قادر حق است و او البته مردگان را زنده خواهد کرد و او محققاً بر هر چیز تواناست. و محققاً ساعت قیامت بی هیچ شك بیاید و خدا به یقین مردگان را از قبرها برانگیزد. (3)

در آیه دیگری می فرماید:

ای مرگ باد بر انسان (بی ایمان) چرا تا این حد کفر و عناد می ورزد. نمی نگرد از چه چیز خلق شده است از آب نطفه، خدا بدین صورت خلقتش فرمود، سپس راه را بر او سهل و آسان گردانید، آنگاه او را بمیرانید و به خاک قبر سپرد و سپس هر وقت خواهد باز او را از قبر برانگیزد. (4)

مناظره در قیامت

در قرآن و روایات (5) مناظره های زیادی از انسانهای گناهکار با خداوند یا مؤمنین وجود دارد که از جمله آنها این است:

مناظره خداوند و انسان

قرآن می فرماید:

ص: 47

1- . «و من یکفر باللّه»؛ (نساء / 136)

2- . «کل نفس ذائقة»؛ (آل عمران / 185)

3- . «یا ایها الناس»؛ (حج / 5)

4- . «قتل الانسان ما اکفره»؛ (عبس / 16)

5- . بحث گسترده تر را در اثر دیگر مؤلف سیمای معاد مطالعه فرمایید.

تا آنگاه که وقت مرگ هر فرد فرا رسد در آن حال آگاه و نادم شده و گوید بارالها مرا به دنیا بازگردان تا شاید به تدارك گذشته عمل صالحی بجای آورم و باو خطاب می شود که هرگز نخواهد شد. و این کلمه را از حسرت مدام می گوید و ثمری نمی بخشد که از عقب آنها عالم برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند. (1)

و در آیه دیگری چنین مناظره می کنند:

(خداوند می فرماید) آیا آیات من بر شما تلاوت نشد؟ و شما از جهل تکذیب آیات ما نکردید؟ آن کافران در جواب گویند بار الها شقاوت بر ما غلبه کرد و کار ما به گمراهی کشید. پروردگارا ما را از جهنم نجات ده اگر دیگر بار عصیان تو کردیم همانا بسیار ستمکاریم. باز به آنان خطاب شدید شود ای سگان به دوزخ روید و با من لب از سخن فرو بندید. (2)

و در آیه دیگری مناظره چنین است که خداوند می فرماید:

و هر کس از یاد من اعراض کند، همانا در دنیا معیشتش تنگ می شود و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم در آن حال می گوید: خدایا چرا مرا نابینا کردی در حالی که من در دنیا بینا بودم.

خداوند به او می فرماید:

آری چون آیات ما را که برای هدایت تو آمد، همه را به فراموشی و غفلت سپردی، امروز هم ترا فراموش خواهند کرد. (3)

مؤمن و کافر

در آیات دیگر مناظره مؤمنین و بدکاران را منعکس می کند.

(روز قیامت) مردان و زنان منافق با اهل ایمان می گویند نشتابید و به ما فرصتی دهید تا ما هم از نور شما روشنایی بگیریم. در پاسخ آنها مؤمنان گویند، به دنیا بازگردید و از آنجا نور (نماز و عبادت و وضو و طهارت) مثل ما کسب کنید. در این گفتگو می باشند که بین دوزخیان و اهل بهشت حصاری حائل گردد و بر آن حصار در می باشد که باطن و درون آن در، رحمت است و از جانب ظاهر، عذاب جهنم خواهد بود. باز منافقان ندا کنند که آخر ما هم با شما بودیم. آنها جواب دهند بلی راست می گویند (لیکن شما به نفاق با خدا) خود را چنین به فتنه و هلاکت افکندید و در دنیا انتظار (هلاکت مؤمنان) را داشتید و در کار دین به شك مبتلا بودید و آرزوهای دنیا فریبتان داد تا وقتی که امر خدا (یعنی مرگ) فرارسید و شیطان فریبده شما را تا دم مرگ از خدا غافل و مغرور گردانید. (4)

آیه دیگری پشیمانی انسان در هنگام رؤیت اعمال خود را بیان می دارد و می فرماید:

ص: 48

1- . «حتی اذا جاء احدهم الموت»؛ (مؤمنون / 100)

2- . «الم تکن آیاتی تتلی»؛ (مؤمنون / 103)

3- . «و من اعرض عن»؛ (طه / 123)

روزی که هر شخصی هر کار نیکو کرده همه را پیش روی خود حاضر بیند و آنچه بد کرده آرزو کند که ای کاش میان او و کار بدش به مسافتی دور جدایی بود. و خداوند شما را از عقاب خود می ترساند که او در حق بندگان بسی مهربان است. (1)

انسان و بدن خود

در آیه دیگر مناظره جالبی بین انسان و اعضاء بدن اوست که قرآن می فرماید:

تا چون همه به دوزخ رسند، آن هنگام گوش و چشمها و پوست بدنها بر جرم و گناه آنها گواهی دهند. و آنها به اعضاء بدن گویند چگونه بر اعمال ما شهادت دادید؟ آن اعضاء در جواب گویند:

خدایی که همه موجودات را به زبان آورد ما را نیز گویا گردانید و او شما را نخستین بار بیافرید و باز بسوی او برمی گردید. و شما که اعمال زشت خود را پنهان می داشتید برای این نبود که گوش و چشم های شما و پوست بدنهایتان امروز شهادت ندهند و لیکن گناه را پنهان می کردید به گمانتان که اکثر اعمال زشتی که پنهان می کنید از خدا هم پنهان است و بر آن آگاه نیست. ولی همین گمان باطل شما درباره خدا موجب هلاکت شما گردید و امروز همه از زیانکاران شدید. (2)

انسان و شیطان

در آیه ای دیگر مناظره انسان و شیطان مطرح شده است. قرآن می فرماید: (در قیامت) چون حکم به پایان رسید (و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند) در آن حال شیطان (برای نکوهش و تمسخر کافران) گوید خدا به شما به حق و راستی وعده داد و من به خلاف حقیقت و بر شما هیچ حجت و دلیل قاطعی نیاوردم (و تنها شما را به وعده های دروغی فریتم) پس امروز شما ابلهان که سخن بی دلیل مرا پذیرفتید مرا ملامت نکنید. بلکه نفس پرطمع خود را ملامت کنید، که امروز نه شما فریادرس من توانید بود و نه من فریادرس شما. من به شرکی که شما به اغوای من آوردید معتقد نیستم. آری در این روز ستمکاران عالم را عذاب دردناک خواهد بود. (3)

انسان ضعیف و مستکبر

مناظره دیگری را قرآن چنین معرفی می فرماید:

و روزی که مردم از قبرها برانگیخته و به پیشگاه خدا حاضر می شوند در آن روز ضعیفان به گردنکشان می گویند: ما در دنیا تابع رأی شما بودیم. آیا امروز شما هم ما را از عذاب خدا کفایت خواهید کرد؟

ص: 49

1- «یوم تجد کل نفس ما»؛ (آل عمران / 30)

2- «حتی اذا ما جاؤها»؛ (فصلت / 19)

3- «وقال الشیطان»؛ (ابراهیم / 21)

جواب دهند که اگر ما را از خدا سعادت هدایت بود ما هم شما را هدایت می کردیم، اکنون هر چه جزع و التماس کنیم یا صبر و تحمل، یکسان است و از عذاب خدا هیچ گریزگاهی نداریم. (1)

انسان گناهکار در قیامت

در دنیا انسان باید اعمالی را مرتکب شود که بتواند آن را در قیامت پاسخگو باشد و اگر کسی منکر معاد و روز قیامت باشد، این عقیده برای او دستاوردهای شومی به همراه می آورد. از جمله قرآن می فرماید:

آنهایی که دین خدا را بازیچه گرفته و متاع حیات دنیا آنها را مغرور و غافل کرد. امروز ما هم جهت آنان را در نظر نمی آوریم و فراموششان می کنیم چنانکه آنان چنین روزی را به خاطر نیاوردند و آیات ما را راجع به قیامت انکار کردند. (2)

ایمان هنگام مرگ سودی ندارد و قرآن می فرماید:

روزی که بعضی آیات قهر و غضب خدای تو بر آنها برسد آن روز هیچکس را ایمان نفع نبخشد، اگر از آن پیش ایمان نیاورده و یا در ایمان کسب خیر و سعادت نکرده باشد. (3)

انسان گناهکار در قیامت خاسر است و قرآن می فرماید:

هر آنکه اعمال او سبک وزن است، آنان کسانی هستند که نفس خویش را در زیان افکنده و در آتش دوزخ مغلذ خواهند بود. آتش دوزخ صورتهای آنها را می سوزاند و در جهنم زشت منظر خواهند زیست. (4)

و در آیه ای دیگر می فرماید:

و همچنین ما هر کس را که ظلم و نافرمانی کند و به آیات خدا ایمان نیاورد، مجازات سخت می کنیم با آنکه هنوز عذاب آخرتش سخت تر و پاینده تر خواهد بود. (5)

و یکی از حالات انسان در معاد را قرآن چنین بیان می فرماید.

و ما مقدرات و نتیجه اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق گردن او ساختیم در روز قیامت کتابی بر او بیرون آوریم، در حالی که آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آن را یک مرتبه ملاحظه کند. تو خود کتاب اعمال را بخوان که تو خود تنها برای رسیدگی به حساب خویش کافی هستی. هر کس راه هدایت را یافت تنها به نفع و سعادت خود یافته و هر که به گمراهی شتافت آن هم به زیان و شقاوت خود شتافته و هیچکس بار عمل دیگری را به دوش نگیرد و ما تا رسول نفرستیم (و بر خلق

ص: 50

1- «و برزوالله جميعا»؛ (ابراهیم / 20)

2- «الذین اتخذوا دینهم»؛ (اعراف / 50)

3- «یوم یأتی بعض آیات»؛ (انعام / 158)

4- . «و من خفت موازينه»؛ (مؤمنون / 102)

5- . «وكذلك نجزي من»؛ (طه / 126)

اتمام حجت نکنیم) هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد. (1)

در روز قیامت هر کس به نتایج اعمال خود دست پیدا می کند. قرآن می فرماید:

هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققاً روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید پس هر کس خود را از آتش جهنم هدر داشت و به بهشت ابدی درآمد چنین کسی به سعادت ابدی راه یافت و بدانید که زندگانی دنیا بجز متاعی فریبنده نخواهد بود. (2)

عذاب آخرت نتیجه اعمال خود انسان است و خداوند به انسان ظلم نمی کند. در آیه ای از قرآن شریف آمده است: و برخی از مردم از روی جهل و گمراهی و بی هیچ کتاب و حجّت روشن در کار خدا جدل می کنند و با تکبر و نخوت از حق اعراض کرده تا خلق را از راه خدا گمراه گردانند، چنین کسی را در دنیا ذلت و خواری باشد و در آخرت به آنها عذاب آتش سوزان خواهیم چشانید. این آتش همان اعمال زشتی است که خود از پیش فرستادی و خدا هرگز کمترین ستم در حق بندگان نخواهد کرد. (3)

در آیه ای دیگر می فرماید:

و در آن روز بدکاران و گردن کشان را زیر زنجیر قهر خدا مشاهده خواهی کرد. و بینی که پیراهنهایی از مس گداخته آتشین بر تن دارند و در شعله آتش چهره آنها پنهان است. بر آن است تا خدا هر شخص را به کیفر کردارش برساند که خدا يك لحظه به حساب خلق خواهد رسید. (4)

در آیه ای دیگر می فرماید:

و هرگز مپندار که خدا از کردار ستمکاران غافل است بلکه کیفر ظالمان را به تأخیر می افکند تا آن روزی که چشمهایشان در آن روز خیره و حیران است. در آن روز سخت، آن ستمکاران همه شتابان سر به بالا کرده و چشمها واله مانده و دلهاشان از شدت عذاب در اضطراب و وحشت است. (5)

در آیه دیگری می فرماید:

از پی هر گردنکش عمود، آتش دوزخ خواهد بود و آبی که می آشامد در دوزخ آب پلید و چرکین است. که از آن آب پلید پیوسته می آشامد و هیچ گوارای او نشود و از هر جانب مرگ به او روی آور شود، ولی نمیرد تا دائم در عذاب سخت معذب باشد. (6)

گناهکار در قیامت شرمنده است و زبانهالی دارد که قرآن می فرماید:

ای رسول اگر تو حال آنان را (در قیامت) ببینی که چگونه در حضور خدای خود سر به زیر و ذلیلند و گویند پروردگارا نيك عذاب ترا به چشم دیدیم و به گوش گرفتیم ما را به دنیا بازگردان تا از (5)

ص: 51

2- . «كل نفس ذائقة الموت»؛ (آل عمران / 182)

3- . «ومن الناس من يجادل»؛ (حج / 8)

4- . «وترى المجرمين»؛ (ابراهيم / 48)

5- . «ولا تحسبن الله»؛ (ابراهيم / 4)

6- . «من وراءه جهنم»؛ (ابراهيم / 15)

آن پس صالح و نیکوکار شویم که اکنون (وعده ترا) به چشم یقین مشاهده کردیم. (1)

برپایی قیامت

در مورد چگونگی برپایی قیامت آیات زیادی در قرآن است. از جمله دمیده شدن در صور را آغازگر قیامت معرفی فرموده است قرآن می فرماید:

و چون در صور دمیده شود به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود به سرعت می شتابند. (2)

در آیه دیگر زلزله ای را آغازگر قیامت معرفی فرموده است:

ای مردمان خدا ترس و پرهیزکار باشید که زلزله روز قیامت بسیار حادثه بزرگ و واقعه سختی خواهد بود. (3)

در آیه دیگر به صدای مهیب تعبیر دارد:

جز يك صدای مهیب نشنوند. و بدان صدا ناگاه همه از خاک بیرون آمده و به صحرای قیامت رهسپار گردند. (4)

از نشانه های دیگر برپایی قیامت این است:

هنگامی که آفتاب تاریک شود و ستارگان تیره شوند و کوهها به حرکت درآیند و شتران عشار را رها کنند و دور افکنند و هنگامی که وحوش به عرصه قیامت محسور شوند و هنگامی که دریاها شعله ور گردند. (5)

در آیه دیگر می فرماید:

هنگامی که آسمان شکافته شود. و به فرمان حق گوش فرا دارد و البته آسمان مخلوق خداست و سزاوار است که فرمان او را بپذیرد و هنگامی که زمین وسیع و منبسط شود و پست و بلندیهای آن هموار گردد و هر چه در درون دل پنهان داشته همه را بکلی بیرون افکند و به فرمان خدا گوش فرا دهد و البته زمین که مخلوق حق است، سزاوار است که فرمان او را بپذیرد. (6)

و در آیه دیگر می فرماید:

هنگامی که زمین به سخت ترین زلزله خود به لرزه درآید و بارهای سنگین اسرار درون خویش همه را از دل خاک بیرون افکند و در آن روز محشر، آدمی گوید برای زمین چه پیش آمده است؟ در آن هنگام زمین مردم را به حوادث خویش آگاه می سازد. (7)

ص: 52

1- «و لو تری اذالمجرمون»؛ (سجده / 12)

2- «و نفتح فی الصور»؛ (یس / 51)

3- «یا ایها الناس اتقوا»؛ (حج / 1)

4- «فانما هی زجرة»؛ (نازعات / 13)

5- . «اذالشمس كورت»؛ (تكوير / 1)

6- . «اذا السماء انشقت»؛ (انشقاق / 1)

7- . «اذا زلزلت الارض»؛ (زلزال / 1)

حالات مردم در قیامت

در مورد حالات مردم در برپایی قیامت آیات زیادی در قرآن است.

از یکدیگر فرار می کنند

قرآن می فرماید:

آن روز که هر کس از برادرش می گریزد و از مادر و پدر و زن و فرزندش هم می گریزد. در آن روز هر کس چنان گرفتار کار خود است که به هیچکس نمی تواند بپردازد. (1)

مادر فرزند را فراموش می کند و مردم مست هستند

قرآن می فرماید:

چون هنگامه آن روز بزرگ را مشاهده کنید. هر زن شیرده طفل خود را از هول فراموش کند و هر آبستن بار رحم را بیفکند و مردم را از وحشت آن روز بی خود و مست بنگری. در صورتی که مست نیستند و لیک عذاب خدا سخت است. (2)

مردم فوج فوج می شوند

قرآن می فرماید:

آن روزی که در صور بدمند (تا مردگان زنده شوند) و گروه گروه به محشر درآیند. (3)

هر کس به دنبال امام خود روان است

قرآن می فرماید:

ای رسول ما بیاد آور، روزی را که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان دعوت می کنیم پس هر کس نامه عملش را به دست راست دهند، آنها نامه خود را قرائت کنند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (4)

انسان در دنیا از هر امامی پیروی کند در قیامت پیرو همان امام دنیای خود است. با امام حق و حقیقت و یا به دنبال امام باطل و گناهکار باشد.

ص: 53

1- «يوم یقرّ المرء»؛ (عبس / 33)

2- «و تری الناس»؛ (حج / 2)

3- «يوم ینفخ فی الصور»؛ (نبأ / 18)

به اعمال مقدم و مؤخر علم پیدا می کنند

قرآن می فرماید:

و هنگامی که خلائق از قبرها برانگیخته شوند آن هنگام است که هر شخصی چه مقدم و مؤخر انجام داده همه را بداند. (1)

مال و فرزند به درد انسان نمی خورد

قرآن می فرماید:

روزی که مال و فرزندان هیچ به حال انسان سود نبخشند و تنها آن کس سود برد که با قلب بدون گناه به درگاه خدا آید. (2)

حسابرسی اعمال، خوب و بد

قرآن در مورد حسابرسی اعمال آیات زیادی دارد از جمله می فرماید:

اما هر کس را در آن روزنامه اعمال به دست راست دهند، آن کس بسیار حسابش آسان است. و او به سوی اقوام و خویشان خود در بهشت مسرور و شادمان خواهد رفت.

اما آنکس که نامه اعمالش از پشت سر و بدست چپ دهند او بر هلاک خود آه و فریاد و حسرت بسیار کند و به آتش سوزان جهنم می افتد. (3)

نزدیکی بهشت و دوزخ

قرآن می فرماید:

و آن روز بهشت را به اهل تقوی نزدیک سازند و دوزخ بر گمراهان پدیدار گردانند. (4)

حالات دوزخیان

در قرآن آیات بسیار زیادی در رابطه با دوزخ و حالات دوزخیان آورده شده است از جمله می فرماید:

همانا جهنم در انتظار بدکاران است. آن دوزخ جایگاه مردم سرکش و ستمکار است. که در آن قرنهای عذاب کشند. هرگز در آنجا قطره ای آب سرد و شراب طهور نیاشامند. مگر آبی پلید و سوزان که حمیم و غساق جهنم است به آنها دهند، که با کیفر اعمال آنها موافق است. زیرا آنها به حقیقت امید

ص: 54

1- «و اذالقبور بعثت»؛ (انفطار / 4)

2- «یوم لا ینفع مال و لا بنون»؛ (شعراء / 87)

3- . «فاما من اوتى كتابه»؛ (انشقاق / 7)

4- . «وازلفت الجنة»؛ (شعراء / 90)

بروز حساب نداشتند و آیات ما را سخت تکذیب کردند. (1)

حالات بهشتیان

در مورد حالات اهل بهشت نیز آیات فراوان است از جمله قرآن می فرماید:

مؤمنان را در آن جهان مقام گشایش و هر گونه آسایش است. باغها و تاکستانهاست و دختران (زیبای دلربا) که همه در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند. و جامهای پر (از شراب طهور و انواع نوشابه های شیرین و خوش) هرگز سخن بیهوده و دروغ نشنوند. این نعمتهای ابدی مزدی به عطا و حساب پروردگار تست. (2)

آثار فردی

اشاره

چنانکه بیان شد، نمادهای بیماریهای جسمی، در فرد آثاری برجای می گذارد از جمله تب، عفونت، اسهال، حالت تهوع، احساس درد، گرفتگی عضلات، هرکدام می توانند منشأ یک بیماری باشند و فرد مبتلا با مشاهده هر کدام از این آثار ملزم است به پزشک مراجعه کند و خود را درمان نماید و اهمال ورزیدن به سلامتی روح و روان انسان مسلّم ضربه خواهد زد. بیماریهای روانی نیز آثاری بر روی فرد بیمار بجای می گذارد. با مشاهده هر یک از این آثار فردی به وجود بیماری در افراد می توان پی برد.

در مورد بیماری خودنمایی نیز که يك ناراحتی و خلأ روانی است، این مسئله صدق می کند و بیماری هیستیری در فرد بیمار آثاری بجای می گذارد.

1 - شخصیت متزلزل

اشاره

از جمله آثار بارز و روشن بیماری هیستیری در فرد شخصیت متغیّر و متزلزل او می باشد.

قرآن کریم وقتی می خواهد شخصیت و ساختار این گونه انسانها را تعریف و تفسیر کند، اینها را يك انسانهای بی ثبات و متغیّر معرفی می کند. در ذیل آیه ای در قرآن کریم خداوند می فرماید:

(برخی از مردم)، دودل و مردد می باشند، نه به سوی مؤمنان يك دل می روند و نه به جانب کافران، هستند. (3)

علی علیه السلام در نهج البلاغه طی سخنی به کمیل بن زیاد می فرماید:

مردم سه دسته هستند: 1 - دانشمند خداشناس و دانش طلب، 2 - دانشجویی که برای رهایی از

- 1- . «ان جهنم كانت»؛ (نبأ / 21)
- 2- . «ان للمتقين مفازا»؛ (نبأ / 30)
- 3- . «مذبذب بين بين ذلك لا الى»؛ (نساء / 143)

نادانی درس می خواند، 3 - پشه صفتانی که در جستجوی سر و صدا هستند، دنبال هر بادی در حرکتند. از نور علم بهره نمی برند و به تکیه گاه مورد اعتمادی، تکیه نمی کنند. (1)

در این سخن علی علیه السلام تمامی مردم را در این سه دسته خلاصه می فرمایند:

الف: عالم ربانی

برخی از مردم علماء و دانشمندانی هستند که متفکرین جامعه می باشند و در مسیر پویایی و بالندگی افکار و اهداف الهی هستند و بین مردم، سعی در انتقال علوم الهی و اعمال الهی و اندیشه الهی دارند. زیرا هر عالمی از نظر اسلام مورد تأیید نیست. عالمی مورد تأیید اسلام است، که عوام و مردم را بسوی هدایت و خداپرستی راهنمایی و از جهل برهاند و خود نیز به علمش عمل کند و یا سعی در انجام عمل صالح داشته باشد.

اگر عالمی در مسیر هدایت مردم گام برداشت، خداوند و ائمه معصومین علیهم السلام نیز او را یاری می کنند و خداوند متعال ایشان را تأیید می فرماید. قرآن در این مورد می فرماید:

خدای متعال، درجات مؤمنین و کسانی که علم (توأم با عمل) دارند افزایش می دهد. (2)

و در مقام عالم ربّانی امام باقر علیه السلام می فرماید:

دانشمندی که از علم وی به جامعه نفع برسد، از هفتاد هزار عابد ارزش ارجمندتر است. (3)

و در فضیلت قلم عالم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

روز قیامت جوهری را که از سر قلم علماء بیرون آمده، با خون شهداء وزن می کنند، جوهر قلم دانشمندان بر خون شهداء افزایش می یابد. (4) و خون شهدا را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

در حقیقت عالم است که خون شهید را تداوم و استمرار می بخشد، از این رو عالم و دانشمند نزد خداوند مقامی رفیع و بالا دارد.

ب: دانشجویان

گروهی دیگر از مردم، دانشجویانی هستند که از محضر علماء علوم الهیه رافرا می گیرند و در اسلام، نسبت به طلب علم سفارش فراوانی شده است.

امام رضا علیه السلام طی روایتی می فرمایند:

آموختن علم، برای هر مسلمانی واجب است. بنابراین از طریقی که احتمال دهی آن را بیاموز و

- 1- . سخن 143، نهج البلاغه صبحی صالح.
- 2- . «یرفع اللہ الذین آمنوا منکم»؛ (مجادله / 11)
- 3- . الحقایق، ص 6 و كشف الغمه، ج 2، ص 344.
- 4- . ارشاد القلوب، ص 165.

از اهلس بهره برگیر. (1)

علی علیه السلام نیز طی سخنی به کمیل بن یاد می فرماید:

ای کمیل، علم و دانش از مال بهتر است، زیرا که علم ترا نگرهبانی (از انحراف و گمراهی) می کند در صورتی که برای مال و ثروت، تو باید مقدمات نگهداری آن را فراهم آوری. (2)

دانشجویانی که در طلب علم مفید باشند، همواره در حال عبادت بسر می برند و در مسیر رضای خداوند هستند و اسلام از علمی که به خاطر فخرفروشی فرا گرفته شود بیزار است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

کسی که برای فخرفروشی به دانشمندان علم بیاموزد و یا با نادانها ستیز کند و یا در برابر افکار عمومی قرار گیرد، جایگاهش از آتش پر خواهد شد. (3)

پس افرادی مورد تأیید الهی هستند که یا عالم ربانی و موفق به عمل صالح باشند و یا در مسیر علم و دانش گام بردارند و دانشجو محسوب شوند.

ج: انسانهای بی ثبات

دسته دیگری از مردم هستند که در مسیر علم و دانش گام بر نمی دارند و خود نیز عالم نیستند که بتوانند از روی علم خود، به حقایق پی ببرند. کسانی که عالم نیستند و در مسیر علم و دانش گام بر نمی دارند، ضربه های جبران ناپذیری خواهند خورد.

در اسلام به اینگونه افراد هشدارهای زیادی داده شده است و در لابلای متون اسلامی می توان به این نکته رسید که خدای متعال سعی دارد با روشهای مختلف انسانها را از حالت بی ثباتی و عدم تصمیم گیری درست، رها کرده و به دامان علم و دانش و حقیقت سوق دهد.

عواقب بی ثباتی را به آنها گوشزد نماید و سعی کند بینش آنها را با مطالعه افکار و عقاید بی ثبات بالا ببرد و آنها را از ورطه بی ثباتی نجات بخشد.

2 - حماقت

از جمله آثار فردی جلوه گیری حماقت است. کسانی که بدون علم و آگاهی از روشی پیروی کنند، افرادی احمق هستند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مردم دو دسته اند، دانشمند و دانش آموز، کسانی که در این دو دسته نباشند، احمق هستند و احمق

ص: 57

1- . جامع السعادات، ج 1، ص 105.

2- . کلمات قصار نهج البلاغه، شماره 147.

خوراك جهنم خواهد بود. (1)

و علی علیه السلام فرمود: از آثار حماقت زیاد، رنگ پذیری انسان است. (2)

کسانی که نتوانند خیر و صلاح خود را به دست بیاورند و در مسیر فراگیری راه صحیح زندگی نباشند عاقبت آنان، تمرّد از دستورات الهی و روی آوری به گناهان و عقوبت اخروی آنها نیز عذاب الهی خواهد بود.

انسان در پرتو علم و دانش به نور عقل منور می شود، اما اگر در مسیر دانش اندوزی نباشد، احمق باقی می ماند و این حماقت از تعالی و رشد دنیوی و اخروی او کم می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

در بهشت صد درجه وجود دارد. 99 درجه از عاقلان و یک درجه از دیگران است. (3)

3 - عدم آگاهی

افرادی که مبتلا به بیماری خودنمایی هستند از عدم آگاهی و بینش الهی رنج می برند. علی علیه السلام این افراد را به حشره های بی ثباتی تشبیه می فرماید که با هر بادی که می وزد، اینان در مسیر باد قرار می گیرند.

در مقابل شبهاتی که در جامعه بوجود می آید قدرت مقابله فکری ندارند. هرگونه تحرکی که در جامعه بوجود آید از قبیل تحرکات سیاسی، اقتصادی، فکری یا حزبی، آنان را همراه خود می برد.

به خاطر عدم آگاهی است که گاه اینان در مسیری قرار می گیرند که برای آنها مهم نیست این راه آنها را به کمال و تعالی می رساند و یا عامل رکود آنهاست. آنها همراه وزش باد می روند، خواه در مسیر هدایت و حق باشد و خواه در مسیر باطل قرار گیرند. نفع و ضرر برای آنها مهم نیست.

علی علیه السلام علت این پذیرش را عدم آگاهی می داند و می فرماید:

اینها از نور علم بهره ای نمی برند. (4)

وقتی قلوب اینها به نور علم و آگاهی روشن نشده است عمل آنها بر مبنای دانش و اندیشه و تفکر و تعقل نیست و قدرت ارزیابی ارزشها را ندارند و علم و دانش آنها را در گزینش افکارشان راهنمایی نمی کند. و انتخاب آنها مورد تأیید علم و عقل و عرف نیست.

4 - عدم پناهگاه معنوی

ص: 58

1- . خصال صدوق، ج 1، ص 39.

2- . من علامات الاحمق کثرة تلونه: غرر جلد 2، ص 416.

3- . مواعظ العدديه، ص 68.

4- . سخن 143، نهج البلاغه.

کسانی که در مسیر بیماری هیستیری قرار می گیرند پناهگاه معنوی ندارند. اینها خود نمی خواهند در مسیر کمال قدم بردارند و به خداوند ایمان کامل ندارند که از او به عنوان پناهگاه استفاده کنند. زیرا قرآن می فرماید:

«آگاه باشید ذکر خداوند مایه آرامش و اطمینان قلبها می باشد.» (1)

این انسانها بنا بر این که در مسیر علم و آگاهی نیستند، پناهگاهی برای خود احساس نمی کنند به مبدأ و پناهگاه، اعتماد و تکیه ندارند، نه تکیه گاه عقل و معنویت دارند و نه در اجتماع تکیه گاهی دارند و خلاصه اینها افرادی متغیر و متلون هستند و هر مدت يك بار به کسی یا حزبی و یا گروهی می گروند و باز او را رها می کنند.

5 - نفاق

اشاره

از جمله آثار فردی که دارای بیماری هیستیری است، نفاق می باشد. نفاق است که موجب می شود انسان با هر گروه و قشر خاصی که برخورد پیدا می کند، چون آنان شود و مثل آنان فکر کند و حتی از عقاید آنها نیز دفاع نماید. با اهل ایمان، مؤمن و با کافران چون آنان باشد.

نفاق در شخص خطرناکتر از کفر است و خطر منافق در جامعه بیشتر از مشرکین است. مشرکین روش خاص و ثابتی دارند و وظیفه مسلمانان در برابر آنها روشن است، اما منافق نقش مخربی دارد.

گاه خود را مؤمن نشان می دهد و با مؤمنین است و اسرار و اطلاعات آنها را می گیرد و گاه در بین کافران است و علیه مؤمنان کار می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: من برای امت خود، از مؤمن و مشرک نمی ترسم، زیرا مؤمن بر اثر ایمانی که دارد ضرری برای برادر دینی خود ندارد، مشرک را هم خدا به خاطر شرکش سرنگونش می سازد. من برای شما فقط از منافقها می ترسم منافقی که آگاه است، با زبان مطلبی را می گوید که شما می دانید و عمل می کنید، ولی عمل می کند به آنچه را که شما متکی به آن نیستید. (2)

از آنجا که نقش منافق تخریب کننده است، اسلام نسبت به شناسایی و دفع منافقین، تأکید فراوانی دارد. علی علیه السلام نیز می فرماید:

من برای شما از منافقان قلبی که به زبان شما آگاهی دارند، وحشت دارم. (3)

ابتدا لازم است نشانه های نفاق در افراد بررسی شود. در این بررسی، انسان می تواند اخلاق و روحیات خود را بسنجد و اگر دارای ریشه ای از نفاق در درون خود می باشد، سعی کند این ریشه ها را بزدايد تا این علامات مجتمع نشوند و انسان را گمراه ن سازند.

علامات نفاق

ص: 59

1- «الا بذكر الله تطمئن القلوب»؛ (رعد / 28)

2- سفينة البحار، ج 2، ص 606.

- 1 - تغییر موضع. قرآن می فرماید: آنگاه که با مؤمنین مواجه می شوند می گویند ما با شما هستیم، ولی زمانی که با شیاطین و منافقین برخورد می کنند می گویند ما با شما هستیم و مؤمنان را مسخره می کنیم. (1)
- 2 - تردید. قرآن می فرماید: دودل و مرددند نه به طرف مؤمنان می روند و ایمان می آورند و نه به طرف کافران می روند. (2)
- 3 - گناه علنی. قرآن می فرماید: منافقان خدا را فراموش کرده و منافقین همان گناهکارانی هستند که گناه علنی می کنند. (3)
- 4 - کسالت در نماز. قرآن می فرماید: علامت منافق آن است که وقتی به نماز می ایستد بی حال و کسل است. (4)
- 5 - دروغگو. قرآن می فرماید: خدای متعال شهادت می دهد که منافقین برآستی دروغگویان هستند. (5)
- 6 - قسم زیاد. قرآن می فرماید: منافقان قسمهای خود را سپر می گیرند که راه خدا را به روی خلق ببندند. (6)
- 7 - نهی از انفاق. قرآن می فرماید: منافقین کسانی بودند که به اطرافیان پیامبر صلی الله علیه و آله امر می کردند، انفاق نکنید تا آنها شکسته و کم قدرت شوند. (7)
- 8 - بیماری. قرآن می فرماید: در قلوب منافقین مرض وجود دارد. پس خدای متعال مرض آنها را افزایش می دهد و در آخرت عذاب دردناکی را به خاطر دروغگویییشان به آنها می دهد. (8)
- 9 - بدی و عذرخواهی. امام حسین علیه السلام فرمود: از کاری که بعد از آن عذرخواهی کنی پرهیز زیرا مؤمن نه اشتباه می کند و نه عذر می خواهد و منافق هر روز کار بد می کند و عذر می خواهد. (9)

ص: 60

- 1- . «و اذالقول الذین»؛ (بقره / 14)
- 2- . «مذبذبین بین»؛ (نساء / 143)
- 3- . «نسالله فنسیهم»؛ (توبه / 67)
- 4- . «و اذا قاموا الی»؛ (نساء / 142)
- 5- . «والله یشهد انّا»؛ (منافقون / 1)
- 6- . «اتخذوا ایمانهم»؛ (منافقون / 2)
- 7- . «هم الذین یقولون»؛ (منافقون / 7)
- 8- . «فی قلوبهم مرض»؛ (بقره / 10)
- 9- . تحف العقول، ص 179.

- 10 - دروغ، خلف وعده، خیانت در امانت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: منافق سه علامت دارد: وقتی حرف می زند، دروغ می گوید، وقتی وعده می دهد، تخلف می کند و آنگاه که امانتی پیش او قرار گرفت، خیانت می کند. (1)
- 11 - قساوت قلب، خشکی چشم، تکرار گناه، حرص. امام صادق علیه السلام فرمود: نفاق 4 علامت دارد، قساوت قلب، خشکی چشم، تکرار گناه و حرص به دنیا داشتن. (2)
- 12 - چاپلوسی، غیبت، حسادت. امام باقر علیه السلام فرمود: دوچهره ها و دوزبانها افراد بدی هستند. در حضور انسان از او تعریف می کنند و پشت سرش از او بدی و غیبت می نمایند، اگر به آنها کمک شود، حسادت می ورزند و اگر انسان گرفتار شود او را ترك می کنند. (3)
- 13 - نادان. قرآن می فرماید: برای خداوند و پیامبر او و مؤمنین عزت و بزرگواری است اما منافقان نمی دانند و علم ندارند. (4)
- در حقیقت همین جهل و نادانی است که افراد را به ورطه نفاق می کشاند.
- 14 - ریاکاری. قرآن می فرماید: منافقین ریاکارند و ذکر خدا را کم می گویند. (5)
- 15 - کار و سخن بیهوده، دشمنی با مردم، تهمت زدن. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چهار چیز علامت نفاق و دورویی است: 1 - کارهای بیفایده 2 - سخن بیهوده 3 - دشمنی با مردم 4 - تهمت زدن. (6)

آثار نفاق

اگر نفاق در عمق وجود انسان جای بگیرد، انسان را دچار فلاکت در دنیا و آخرت می کند. با دانستن علامتهای نفاق لازم است انسان این صفت خبیثه را از وجود خود دور سازد.

قرآن می فرماید:

خدا به منافقین مرد و زن و کافران آتش جهنم را وعده داده است. (7)

در آیه ای دیگر می فرماید:

به منافقان بشارت بده که عذابی دردناک در انتظار آنهاست. (8)

ص: 61

- 1- . نورالتقلین، ج 2، ص 246.
- 2- . سفینة البحار، ج 2، ص 605.
- 3- . ارشاد القلوب، ص 178.
- 4- . «و لله العزة و لرسوله»؛ (منافقون / 8)
- 5- . «یراؤن الناس و لا»؛ (نساء / 142)

6- . تحف العقول، ص 7.

7- . «وعد الله المنافقين»؛ (توبه / 68)

8- . «بشر المنافقين»؛ (نساء / 138)

عذابهای الهی درجه بندی است و هر کس به میزان کردار زشتش به انواع آن کیفر می شود، عذاب گاهی الیم و دردناک گاهی عظیم و بزرگ، گاهی خوارکننده و گاهی عذاب پایدار و... منافقان چون نقش مخربی در جامعه دارند، عذابشان الیم و دردناک است.

قرآن می فرماید:

منافقان در پست ترین جای جهنم هستند. (1)

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با مسلمانان دور و دوزبان باشد، روز قیامت با دوزبان از آتش وارد صحرای محشر می شود. (2)

6 - تکبر

از جمله آثار فردی بیماری هیستیری فخرفروشی و تکبر است. کسانی که دچار این بیماری هستند، سعی بر برتر جلوه دادن خود هستند و به دیگران تکبر می ورزند و به افراد مستضعف فخر می فروشند. از نعمات الهی استفاده می کنند و با استفاده از این نعمتها وسایلی را فراهم می کنند که بالاتر از دیگران جلوه کنند و همواره فکر و اندیشه آنها این است که از دیگران برتر باشند.

«مسلم این است که خداوند متکبرین را دوست ندارد.» (3)

خداوند در قرآن به وسیله آیات زیادی به متکبران هشدار داده است. از جمله می فرماید: از روی فخر و مباهات روی زمین راه مرو که خداوند خودخواهان فخرفروش را دوست ندارد. (4)

امام صادق علیه السلام در معرفی متکبران می فرماید:

نشانه خودخواهی این است که مردم را تحقیر کنی و حق را نادیده بگیری. (5)

امام سجاد علیه السلام فرمود: از خودخواه و فخرفروش تعجب می کنم در صورتی که دیروز نطفه بوده و فردا پس از مرگ مردار است. (6)

مکتب اسلام فخرفروشی را مطرود می داند و انسانهای متکبر را انسانهایی بیمار و دور از حق معرفی می نماید.

برای این افراد خداوند عقابهایی نیز در نظر گرفته است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

دورترین مردم از خداوند در روز قیامت ستمگران و متکبرانند. (7)

ص: 62

1- «ان المنافقین»؛ (نساء / 145)

2- . خصال صدوق، ج 1، ص 38.

3- «انه لایجب المستکبرین»؛ (نحل / 33)

4- . «ولا تمش في الارض مرحا»؛ (لقمان / 18)

5- . اخلاق شبر، ص 171.

6- . سيرالائمه، ج 3، ص 234.

7- . عقاب الاعمال، ص 265.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

ستمگر و بخیل و منحرف وارد بهشت نمی گردند. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که ذره ای خودخواهی در قلبش باشد به بهشت نمی رود. (2)

و در روایتی دیگر فرمودند:

در جهنم، سرزمینی مخصوص خودخواهان (با عذابهای خاص) است. (3)

در دنیا نیز متکبرین را خداوند تحقیر خواهد کرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مأمورینی برای مردم در آسمان هست که هر کس تواضع کرد او را

بالا می برند و هر کس خودخواهی کرد او را پایین می آورند. (4)

7 - ریاکاری

اشاره

یکی از آثار بیماری جلوه گری این است که فرد کارهایی را که انجام می دهد برای خوشامد مردم است و دوست دارد که از طرف آنان مورد تشویق قرار گیرد و مردم از او تمجید نمایند.

سعی دارد هر کاری که انجام می دهد، آن را به رخ دیگران بکشد تا مورد تشویق قرار گیرد. این مسئله امری فراگیر است. در هر حال سعی دارد به خاطر کار خوب تشویق شود، اگر درس بخواند، انتظار تشویق دارد، اگر به خانواده کمک کند دوست دارد تشویق شود. اگر در کارهای اجتماعی فعالیت می کند انتظار تشویق دارد، اگر برای همسرش زحمتی بکشد، آن را بیان می کند تا طرف مقابل از او قدردانی کند. اگر اولیاء عملی انجام دهند، آن را بیان می دارند تا از طرف فرزندان مورد قدردانی قرار گیرند و خلاصه هر کاری که انجام می شود در انتظار تشویق مردم هستند انگیزه عمل قدردانی دیگران است و اگر از آنها قدردانی نشود، دیگر آن عمل را تکرار نمی کنند.

منت گذاری

قابل توجه است که اگر انسان کاری را انجام دهد و به واسطه آن بر دیگران منت بگذارد ثواب عمل او از بین می رود. قرآن می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید، صدقات خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن باطل نسازید. (5)

انگیزه عمل باید به دست آوردن رضای الهی باشد و خداوند نیز به واسطه این عمل به انسان اجر

- 1- . جامع السعادات، ج 1، ص 302.
- 2- . عقاب الاعمال، ص 264.
- 3- . جامع السعادات، ج 1، ص 303.
- 4- . جامع السعادات، ج 1، ص 304.
- 5- . «يا ايها الذين آمنوا لا تبطلوا»؛ (بقره / 264)

و ثواب خواهد داد، اگر چه مردم از انسان قدردانی به عمل نیاورند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

سه گروهند که خدا با آنها تکلم نمی کند: یکی از آنها منت گذار است که چیزی را به کسی عطا نمی کند مگر اینکه با منت گذاشتن همراه است. (1)

ریا در اسلام

از نظر مکتب مقدس اسلام ریا مطرود است و کسی که ریا می کند، مؤمن نیست. قرآن می فرماید:

آنان که اموال خود را به قصد ریا و خودنمایی می بخشند و به خدا و روز قیامت نمی گروند (یاران شیطان) هستند و هر که را شیطان یار باشد، یار بسیار بدی خواهد داشت. (2)

حتی اگر انسان انفاق مال را برای خودنمایی انجام دهد مورد قبول نیست و ایمان واقعی ندارد و یار شیطان است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

از خدا به خاطر ریا کردن بترسید، زیرا ریا شریک قرار دادن برای خداست. (3)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند عملی را که ذره ای از ریا در آن باشد، قبول ندارد. (4)

امام صادق علیه السلام فرمود:

تمام ریا شرک است. کسی که برای مردم کار کند اجرش با مردم است و کسی که برای خدا کار می کند ثوابش به عهده خداست. (5)

امام صادق علیه السلام فرمود:

خدای عزیز فرموده است: من بهترین شریک هستم. کسی که در عمل خود دیگری را شریک من قرار دهد، آن عمل را قبول نمی کنم تا موقعی که عمل مخصوص من باشد. (6)

علامت ریا

علی علیه السلام فرمود: ریاکار سه علامت دارد:

وقتی عمل او را مردم می بینند، نشاط بیشتری در عبادت دارد.

آنگاه که تنهاست، در عبادت بیحال است.

- 1- . الخصال، ص 184.
- 2- . «الذين ينفقون»؛ (نساء / 38)
- 3- . عقاب الاعمال، ص 314.
- 4- . اخلاق شبر، ص 155.
- 5- . حقايق، ص 81.
- 6- . اصول كافي، ج 2، ص 295.

دوست دارد که در تمام کارها از او ستایش کنند. (1)

عاقبت ریا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

روز قیامت به ریاکار می گویند ای گناهکار! ای خیانتکار! ریاکارانه عملی انجام دادی ولی اجر خود را از دست دادی، اکنون برگرد و مزد خود را از کسی که برای او کار کرده ای بگیر. (2)

اخلاص

صفت مقابل ریا، اخلاص در عمل می باشد. اگر ریا موجب پیامدهای بد در اعمال انسان می شود، در مقابل اخلاص در عمل برای انسان دستاوردهای زیبایی به همراه دارد. خداوند انسان را به اخلاص ترغیب کرده است و می فرماید:

هر کس که امیدوار ملاقات پروردگارش می باشد، پس باید عمل صالح انجام دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک نسازد و اخلاص در عبادت داشته باشد. (3)

اخلاص دستاوردهایی برای انسان به همراه دارد. از جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نیست بنده ای که کارش را در ظرف چهل روز خالص گردانیده باشد برای خدا، مگر اینکه چشمه های حکمت از قلب او بر زبانش ظاهر خواهد شد. (4)

و در روایت دیگری فرمودند:

احسان و کار خیر ارزش خود را در بین مردم از دست می دهد و ارزش آن دائمی نیست، اما بین خداوند و شخص نیکوکار ارزش او دائمی است. (5)

و در روایتی دیگر فرمود:

در قیامت عمل با اخلاص و مخلصین وارد بهشت می شوند. (6)

و امام باقر علیه السلام فرمودند:

خالص نمی گرداند بنده ای ایمانش را به خداوند در مدت چهل روز، مگر اینکه خداوند بی رغبتی دنیا را به او عطا فرماید و درد و درمان را به او نشان می دهد و حکمت و دانایی استوار را در قلب او تحکیم می بخشد و زبانش را به حکمت گویا فرماید. (7)

ص: 65

1- . الحقایق، ص 81.

2- . جامع السعادات، ج 2، ص 290.

3- . «فمن كان يرجوا»؛ (كهف / 110)

- 4- . جامع السعادات، ج 2، ص 404.
- 5- . نهج الفصاحة، ص 425.
- 6- . قرب الاسناد، ص 245.
- 7- . جامع السعادات، ج 2، ص 405.

از آن رو که انسان موجودی اجتماعی است، افعال و حرکات او در جامعه بی تأثیر نخواهد بود.

افراد يك جامعه تشكيل دهنده يك اجتماع هستند و آنان می باشند که جوامع را می سازند، پس افعال و حرکات آنها نیز نشانگر فرهنگ، اقتدار و شوکت يك جامعه است. اگر افراد جامعه افرادی سخت کوش، عالم و در مسیر رشد و سازندگی باشند، از نظر فرهنگی در بین جوامع مطرح می شوند.

اما اگر جامعه ای مصرف گرا، خودنما و بیمارگونه باشد، مورد هجوم قدرتها قرار می گیرد.

هیستیری، يك بیماری فراگیر است که در افراد جامعه تأثیر مستقیم می گذارد و افرادی که بیماری خودنمایی دارند، آثار بیماری خود را به جامعه نیز منتقل خواهند کرد.

1 - سلطه و نفوذ فرهنگ بیگانه

یکی دیگر از آثار اجتماعی بیماری هیستیری سلطه فرهنگ بیگانه و نفوذ آن بر اقشار مختلف مردم است. وقتی ملتی از فرهنگ خود تبعیت نکند و از مکتب خود دور بماند، در دام نفوذ و سلطه بیگانه گرفتار می شود.

جامعه وقتی مصرف کننده باشد و مصرف او به حد اسراف و تبذیر برسد، در همه سطوح زندگی محتاج بیگانگان خواهد بود.

مصرف لباسهای خارجی، پارچه های خارجی و جنسهای زینتی و تحمیلی که از خارج وارد می شوند، انسان را به بیگانه ها محتاج می کند. برخی افراد حتی برای رسیدن به این دستاوردهای بیگانه متحمل ضرر و زیان و توسل به بی قانونی و قاچاق نیز می شوند.

در این صورت است که سود تجمل پرستی عده ای از افراد که تنها به تجمل و مد و بهترینهای خارجی می اندیشند، به جیب کمپانیهای بیگانه ای می رود که سعی دارند با تیشه، ریشه جوامع ارزشی ما را مصرف گرا و از بیخ و بن در آورند.

جامعه مصرفی برای تأمین نیازهای کاذب خود از قبیل غذا، خوراک، وسایل زینتی، وسایل مواد مصرفی، گاه مجبور است سلطه بیگانه را تحمل کند، نفوذ سیاسی آنها را بپذیرد و مجبور به دریافت قرضهای سنگین خارجی شود که به دنبال آن سلطه سیاسی را نیز به همراه خواهد داشت.

جامعه مصرفی تنها به فکر رسیدن به آن چیزی است که بیگانگان برای او در نظر می گیرند و از او می خواهند. در این حال افراد آن جامعه به فکر سازندگی و خلاقیت نیستند و از خود بیخود می شوند و سلطه بیگانه را برای رسیدن به مقاصد خود می پذیرند.

2 - شیوع گناهان

یکی از دستاوردهای بیماری خودنمایی و هیستیری شایع شدن گناه بین مردم است. افراد جامعه به هر حال از هم تأثیر می پذیرند و از یکدیگر تقلید می نمایند و در بیماری هیستری گناهان زیادی

ص: 66

مطرح است و شخص در خودنمایی‌ها مرتکب گناهان زیادی می‌شود.

پوشش

یکی از گناهانی که در بیماری هیستیری مطرح است این است که زن نباید لباس مردانه بپوشد و مرد نیز جایز نیست لباس زنانه بپوشد.

پوشیدن لباس ابریشمی برای مرد حرام است. (1)

پوشیدن لباسهای محرك برای زن حرام است. (2)

مسئله دیگر در پوشش، حفظ حدود الهی است که زن باید بدن را از نامحرم بپوشاند و حتی الامکان در معرض دید و نظر نامحرمان نباشد. گرچه نامحرم فامیل او باشند، نمی‌تواند بدون چادر در محفل خانوادگی حاضر شود.

اسراف

یکی دیگر از گناهان اسراف و زیاده روی در اموال است. قرآن می‌فرماید:

(اسراف نکنید) مبذران و اسرافکاران برادر شیطانند و شیطان سخت کفران نعمت پروردگار خود را کرد. (3)

کسی که اسراف و زیاده روی می‌کند، همراهی شیطان را کرده است و شیطان موجودی کفران پیشه است.

بیهوده گرایی

یکی دیگر از گناهان ناشی از بیماری خودنمایی، بیهوده گرایی و غفلت از خداوند است. وقتی فردی فکر و ذکرش تغییر لباس، مد، دکور، مبل و وسائل منزل باشد از خداوند غافل می‌شود و این امری بسیار خطرناک است.

فخر فروشی

از جمله گناهان دیگری که در بیماری هیستیری مطرح است فخر فروشی است. تکبر از گناهان کبیره است و خداوند در قرآن نسبت به آن هشدار داده و متکبران را به جهنم وعده داده است. (4)

انحراف جنسی

ص: 67

1- و 2. توضیح المسائل.

2-

3- . «ان المبذرين»؛ (اسراء / 27)

4- . «اليس في جهنم مثوى»؛ (زمر / 60)

از جمله مفسد بیماری هیستیری تحریک جنسی و به دنبال آن انحراف جنسی است که این انحراف منشأ گناهان زیادی است و خداوند برای هر کدام از این گناهان عذابهای گوناگون قرار داده است.

تحقیر و تمسخر دیگران

یکی دیگر از گناهانی که در بیماری هیستیری مطرح است تحقیر کردن دیگران است امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که مردم را تحقیر می کند و به مردم ستمگری می کند، او ستمکار است. (1)

و ستمکاران در دنیا به عقوبت و مکافات عمل گرفتار می آیند و در آخرت نیز از نعمات الهی بی بهره اند. در مورد تمسخر دیگران نیز قرآن می فرماید:

ویل (عذاب ویژه) بر هر طعنه زننده و مسخره کننده است. (2)

عذاب ویل جایگاه خاصی در جهنم است که افراد خاصی چون کم فروشان، دروغگویان، متکبرین، مسخره کنندگان و... در آن عذاب می شوند.

اشاعه فحشاء

ارتکاب گناه عقوبتی دارد، اما شایع کردن گناه بین مردم نیز گناهی است که عذاب خاص دیگری برای آن در نظر گرفته می شود.

اگر انسان عمل خلافی را انجام دهد و دیگری از این عمل خلاف او تبعیت کند، او هم در گناه آن فرد شریک خواهد بود.

قرآن می فرماید:

آنانکه دوست دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند، برای آنها در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود. (3)

سپس کسانی که می دانند، مردم از آنها در کارهایشان تقلید می کنند باید مواظب اعمال و رفتار خود باشند تا گناه دیگران نیز بر گردن آنها سنگینی نکند در این مورد کسانی که به عنوان رهبر و رییس و معلم و اولیاء و دوست و مربی برای دیگران مطرح هستند باید از هر جهت نمونه باشند.

آثار گناه

اگر در جامعه ای گناه حاکم شود، گناهان برای افراد آن جامعه آثار سوئی به همراه خواهد داشت:

1 - بیماریهای جدیدی در جامعه بوجود می آید (که مردم از درمان و شناخت آنها عاجز خواهند

ص: 68

- 2- . «ويل لكل همزه لمزه»؛ (همزه / 1)
- 3- . «ان الذين يحبون ان تشيع»؛ (نور / 19)

بود. (1)

2 - مرگهای ناگهانی فراوان می شود. (2)

3 - بلاهای گوناگون مانند سیل، زلزله، طوفان و... بر مردم نازل می شود. (3)

4 - زمینه هدایت و سازندگی را از جامعه می گیرد. (4)

5 - خداوند به گناهکار یاری و نصرت نخواهد کرد. (5)

6 - خداوند دشمن جامعه گناهکار است. (6)

7 - درآمد مردم کم می شود (برکت از زندگی و درآمد می رود و یا گرانی می شود). (7)

8 - موجب کاهش نزول باران می شود. (8)

9 - باعث حاکمیت ستمگران بر جامعه می گردد. (9)

10 - قحطی می شود. (10)

11 - سبب خواری و افت شخصیت مردم می شود. (11)

12 - دعاهای مردم مخصوصاً نیکان به اجابت نمی رسد. (12)

13 - حیواناتی که مردم از آنها بهره می برند دچار مرگ و میر می گردند. (13)

14 - اندیشه، فکر، حافظه و درایت افراد جامعه افت پیدا می کند. (14)

15 - شناخت مردم نسبت به خدا کم می شود و در کارها به دیگران متوجه می شوند. (15)

16 - نعمتها تبدیل به بلا می شود. (16)

پس لازم است که انسان گناهان را بشناسد و از آنها دوری کند تا خداوند جامعه و افراد آن جامعه را به بلا مبتلا نسازد. ل.

ص: 69

1- . کافی، ج 2، ص 273.

2- . بحار، ج 70، ص 369.

3- . «فانزلنا علی الذین»؛ (بقره / 59)

4- . «والله لایهدی القوم»؛ (توبه / 37)

- 5- . «مما خطيئاتهم»؛ (نوح / 25)
- 6- . «ولا تعتدوا»؛ (مانده / 87)
- 7- . بحار، ج 70، ص 318.
- 8- . بحار، ج 70، ص 318.
- 9- . کافی، ج 2، ص 276.
- 10- . بحار، ج 70، ص 352.
- 11- . بحار، ج 70، ص 356.
- 12- . دعای کمیل.
- 13- . بحار، ج 70، ص 373.
- 14- . لئالی الاخبار، ج 5، ص 197.
- 15- . دعای کمیل.
- 16- . دعای کمیل.

اشاره

یکی از آثار اجتماعی بیماری هیستیری، اسراف در مال و ثروت است. کسانی که مال خود را صرف تجمل و مصرف گرایی می کنند، در حقیقت اموال خود و سرمایه های يك مملکت را به هدر می دهند، سرمایه هایی که اگر در مسیر صحیح مصرف شوند، کشوری را آباد و مستقل می سازند. اما با مصرف گرایی این سرمایه ها به هدر می روند. درست است که مال در اختیار انسان است اما اسراف در آن جایز نیست. باید بدانیم که مال و ثروت، ودیعه و امانتی الهی است. قرآن می فرماید:

مال و فرزندان زینت زندگی دنیاست. (1)

حضرت علی علیه السلام در روایتی هشدار می دهند که:

حلال دنیا حساب دارد و حرام آن نیز کیفر در پی خواهد داشت. چرا به آسایش معنوی پناه نمی برید و چرا راه پیامبران را ادامه نمی دهید. (2)

اگر به این مسئله عقیده داشته باشیم که در برابر حلال دنیا، باید در قیامت محاسبه شویم و اگر مال را در راه حرام مصرف کنیم، عقوبت خواهیم شد، هرگز از اسراف پیروی نخواهیم کرد. اسرافکار مورد تأیید خداوند نیست و به انسانها توصیه شده است که از اسرافکار اطاعت و تبعیت نکنند.

قرآن می فرماید:

از اسرافکاران اطاعت نکنید. (3)

و در آیه دیگر می فرماید:

اسرافکاران، اهل آتش دوزخ هستند. (4)

و امام رضا علیه السلام طی روایتی می فرمایند:

خداوند متعال از کشمکش و ضایع کردن مال متنفر است. (5)

اگر انسانهای بیمار و مصرف گرا، پولهای خود را در کانالهای صحیح بکار بیندازند، هرگز به اسراف روی نمی آورند و مال و ثروت آنها منشأ خیر دنیا و آخرت بر همگان خواهد شد. اسلام در این مورد، سفارشهای فراوانی دارد.

انفاق

یکی از کانالهای صحیح مصرف مال و ثروت، انفاق در راه خداست. انفاق کردن از پول انسان کم

- 1- . «المال و البنون زينة»؛ (كهف / 46)
- 2- . اصول كافي، ج 2، ص 459.
- 3- . «ولا تطيعوا امرالمسرفين»؛ (شعراء / 151)
- 4- . «وان المسرفين هم اصحاب النار»؛ (مؤمن / 43)
- 5- . تحف العقول، ص 330.

نمی کند بلکه خداوند به انسان چند برابر انفاق پاداش می دهد و آنچه را که از دست رفته است جبران می کند. قرآن می فرماید:

هر چه در راه خدا انفاق کنید، خدا عوض آن را می دهد و خدا بهترین روزی رسان است. (1)

و در آیه دیگر می فرماید:

آنچه برای خود باقی گذارید، نابود می شود و آنچه برای خدا انفاق کنید تا ابد باقی می ماند. (2)

البته انفاق باید از بهترین نعمتهایی باشد که انسان در اختیار دارد. گاه برخی افراد با انفاق غذای مانده یا لباسهای کهنه می خواهند به ثواب انفاق دست یابند. این امر ممکن نیست زیرا خداوند می فرماید:

شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید و برایتان بسیار محبوب است انفاق کنید. و هر چه انفاق کنید، محققاً خدا بر آن آگاه است. (3)

خوب است انسان از بهترینهای اموالش در راه خدا انفاق کند و بالاتر از انفاق ایثار و گذشت است. یعنی اینکه بهترین انفاق آن است که انسان از چیزیهایی که خود به آنها نیاز دارد انفاق کند، قرآن می فرماید:

با اینکه خودشان نیاز دارند، ایثار می کنند و دیگران را بر خود مقدم می دارند. کسی که از بخل نفس جلوگیری کند، حتماً رستگار و پیروز است. (4)

قرض

یکی دیگر از کانالهای صحیح مصرف پول قرض دادن به اشخاص نیازمند است. در لسان قرآن کسی که به دیگران قرض می دهد، با خداوند معامله می کند. قرآن در آیه ای می فرماید:

اگر به خداوند قرض نیکو دهید (قرض بدون سود و منت و اذیت به مردم) خداوند چند برابر نصیب شما می گرداند و از شما می گذرد. (5)

و امام صادق علیه السلام می فرماید:

بر در بهشت نوشته شده که ثواب صدقه و انفاق ده درجه و ثواب قرض هیچده درجه است. (6)

در مورد ارزش قرض دادن امام باقر علیه السلام می فرماید:

اگر کسی به شخصی قرض دهد، تا زمانی که قرض گیرنده پول دار شود، ثروت قرض دهنده در حال افزایش است و با ملائکه در حال نماز است تا وقتی که پولش را پس بگیرد. (7)

ص: 71

- 2- . «ما عندكم ينفد وما عند الله»؛ (نمل / 96)
- 3- . «لن تنالوا البر حتى تنفقوا»؛ (آل عمران / 92)
- 4- . «ويؤثرون على انفسهم»؛ (حشر / 9)
- 5- . «ان تقرضوا الله قرضاً حسناً»؛ (تغابن / 17)
- 6- . جامع السعادات، ج 2، ص 159.
- 7- . جامع السعادات، ج 2، ص 159.

از این روایات استفاده می شود که اگر انسان پولش را در مسیری قرار دهد که مرتب زیاد شود و برکت پیدا کند، بهتر از این است که پول را خرج تجمل و مصارف بیهوده کند و عقوبات دنیوی و اخروی آن را متحمل شود.

احسان و نیکوکاری

یکی دیگر از کانالهای صحیح استفاده از مال، احسان به دیگران است. قرآن می فرماید:

به مردم احسان کن، همانگونه که خداوند به تو احسان کرده است. (1)

احسان و نیکوکاری و رسیدگی به کار مردم باید بر اساس تقوی و پرهیزکاری باشد. قرآن می فرماید:

بر امور نیک و تقوی، تعاون و همکاری نمایید. (2)

انسان باید در پی رفع حوائج برادران دینی خود باشد و سعی کند، تا می تواند به هر صورت ممکن به آنان یاری دهد زیرا در روایت آمده است:

بر آوردن حاجت و گرفتاری مؤمن بهتر از انفاق بار هزار اسب در راه خدا و آزاد کردن هزار بنده در راه خدا است. (3)

و روایت دیگر می فرماید:

هر گاه مسلمانی رفع گرفتاری مسلمانی را می کند، خداوند به او خطاب می نماید که پاداش تو بر من است و برای تو غیر از بهشت را نمی پسندم. (4)

رضوان خداوند در رفع گرفتاری از مردم است. امام صادق علیه السلام در روایت دیگر می فرماید:

در پی حاجت مسلمان بودن برای برادر مؤمن و مسلمان خود، بهتر از هفتاد بار طواف خانه خداست. (5)

رفع حاجات مؤمن از طواف خانه خدا بالاتر است. امام صادق علیه السلام در روایت دیگری می فرماید:

بشتابید و رغبت کنید در احسان و نیکی به برادران ایمانی خود و از اهل احسان به مردم باشید، چون بهشت دری دارد به نام احسان، از آن در وارد نمی شود مگر کسی که در دنیا احسان کرده باشد. البته بنده ای که در پی حاجت برادر مؤمنش می باشد خداوند دو فرشته بر او می گمارد یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ که برای او طلب آمرزش می کنند و از خداوند بر آورده شدن حاجت او را می خواهند. (6)

ص: 72

1- «و احسن کما احسن الله الیک»؛ (قصص / 77)

2- «تعاونوا علی البرّ و التقوی»؛ (مائده / 2)

3- . امالی صدوق، ص 197.

4- . الكافي، ج 2، ص 155.

5- . الاختصاص، ص 26.

6- . الكافي، ج 2، ص 154.

پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید:

هر کس رفع گرفتاری مؤمنی را کند و او را به مطلوبش برساند، خداوند خواسته های زیادی از او را برآورده کند که یکی از آن خواسته ها بهشت است و هر کس اندوهی و مشکلی از مشکلات دنیوی مؤمنی را برطرف کند، خدا در قیامت اندوههایی را از او برطرف می کند و هر کس مؤمن گرسنه ای را اطعام دهد، خداوند از میوه های بهشتی به او می خوراند. قسم به خدا برآوردن حاجت مؤمن بهتر از روزه يك ماه و اعتكاف يك ماه است. (1)

روایات در این خصوص فراوان است که احسان و نیکوکاری به مردم را بهترین روش، معرفی می فرماید و در مقابل کسی را که از کمک به دیگران دریغ می ورزد، طرد می نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس شب را به صبح رساند و به کارهای مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست. (2)

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری می فرماید:

اگر مؤمنی محتاج به چیزی باشد و عرض حاجت به مؤمن دیگری کند و از او کمک بخواهد چه از مال خود او و چه از مال دیگری که می تواند رفع حاجت او را کند، دریغ ورزد، خداوند، او را در قیامت سرپا ننگه می دارد در حالی که صورتش سیاه و دو دستش به گردش آویخته شده پس به او گفته می شود این خیانت کننده ای است که خدا و پیغمبر را خیانت کرده و بعد دستور می آید که به آتش افکنده شود. (3)

ایجاد مراکز عام المنفعه

یکی دیگر از کانالهای مصرف درست مال این است که انسان در حد توان به مراکزی کمک نماید که آنها درصدد رفع حوائج مردم هستند. تا زمانی که این مراکز به کار خود ادامه می دهند، فردی که به آنها کمک کرده است نیز در کارهای خیر آنان سهیم و شریک خواهد بود.

ایجاد کتابخانه در سطح مراکز فرهنگی، مساجد، مدارس و... از جمله کارهای عام المنفعه است.

ایجاد بیمارستان و مراکز درمانی یا کمک به احداث آنها و رسیدگی به امور بهداشتی مردم محروم، از جمله کارهایی است که، اجر زیادی به همراه دارد.

کمک به ازدواج جوانان و ایجاد مراکزی که جوانان را در این امر مهم یاری کند، از جمله کارهای خیر است.

ایجاد صندوق قرض الحسنه در مساجد، مدارس، تکایا و حسینیه ها و رسیدگی به افراد مستمند از جمله کارهای عام المنفعه است.

ص: 73

1- . در احادیث النبویه، ص 28.

2- . اخلاق شبر، ص 107.

3- . المحاسن، ص 100.

کمک به تحصیل افرادی که توان درس خواندن دارند، اما بضاعت مالی ندارند، از جمله کارهایی است که انسان تا زمانی که این افراد به خدمت خلق خدا مشغولند، او نیز در ثواب اعمال آنها شریک خواهد بود.

پرورش فرزندان صالح از جمله کارهایی است که انسان از پرتو معنوی آن سود خواهد جست و انسان در کارهای خیر فرزند صالح خود مأجور خواهد بود.

ایجاد مراکز فرهنگی مثل مدارس، مسجد، کتابخانه، حسینیه، زمینهای ورزشی، مراکز کلوپ جوانان نیز از جمله کارهای خیر و عام المنفعه است.

تغذیه معنوی افراد به وسیله کتاب، نوار، سی دی، نرم افزارهای علمی، فکری، اخلاقی و تربیتی و ایجاد زمینه برای رشد فکری جوانان، از جمله کارهایی است که سوددهی معنوی به همراه دارد.

و قرآن می فرماید:

«باقیات الصالحات و اعمال صالحی که اجرش نعمت ابدی است نزد پروردگار تو بهتر است هم از جهت ثواب الهی و هم از جهت عاقبت اخروی.» (1)

پس چه خوب است انسان پولش را در کانالی خرج کند که از بهره های معنوی آن سود بگیرد.

پاکسازی مال از حقوق الهیه

یکی از وظایف انسان در مقابل پولی که خداوند به او ارزانی داشته است این است که باید حقوق الهیه را از اموالش جدا کند.

هر مسلمان باید حدود مصرف مال را بداند و این مسائل را بیاموزد که چه موقع به مال او خمس یا زکات تعلق می گیرد و سعی کند این حقوق را از اموالش جدا کند.

اگر کسی خمس یا زکات بدهکار باشد و این حقوق الهیه را نپردازد هیچ کار خیری از او قبول نیست. نمازها، روزه ها، انفاقها، صدقه ها و کارهای خیر او هیچ ارزشی نخواهد داشت. زکات نیز چون نماز از واجبات الهی است. قرآن صریحاً تأکید می فرماید:

نماز را بپا دارید و زکات را پرداخت نمایید و نماز را با جماعت بخوانید. (2)

اصولاً هر دستوری از دستورات دین خداوند همراه با پاکسازی مال و زکات دادن است. هر عملی که انسان انجام می دهد، در کنار آن ابتدا باید زکات مال خود را بپردازد و حقوق الهیه را رد کند تا عملهای دیگر او رنگ اسلامی داشته باشد.

هر مسئله و حکمی که در اسلام مطرح است فلسفه ای دارد و اجرای این احکام در نهایت به نفع انسان است.

روایت می فرماید:

1- . «والباقيات الصالحات خير»؛ (مريم / 76)

2- . «واقيموا الصلوة واتوا الزكاة»؛ (بقره / 43)

فلسفه و جوب زکات این است که زندگی بیچارگان تأمین گردد و اموال ثروتمندان فزونی یابد. (1)

روایات اسلامی، زکوة دادن را باعث برکت ثروت و محافظت اموال و بیمه کردن آن معرفی می کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسانی که زکوة مالشان را می پردازند، ثروتهای آنان نابود و ضایع نخواهد شد. (2)

و در روایت دیگر علی علیه السلام می فرماید:

ثروتهایتان را به وسیله پرداختن زکوة محافظت نمایید. (3)

زکات دادن موجب حفظ تعادل ثروت در جامعه می شود. امام باقر علیه السلام می فرماید:

خدای متعال زکوة را برای آن قرار داده تا ثروتمندان را آزمایش کند و هزینه زندگی بیچارگان را تأمین نماید و اگر همه مردم زکاة مالشان را می پرداختند، هیچ مسلمانی فقیر و نیازمند نمی شد و هیچکس به خاطر آنچه که خدا بر او از پرداخت حقوق واجب کرده ثروتمند نمی شد. (4)

عاقبت روی گردانی از زکات

قرآن کریم سفارش فراوانی پیرامون پرداخت زکاة دارد و نسبت به عدم پرداخت آن هشدار داده است. قرآن در آیه ای می فرماید:

وای بر مشرکین، آنان که زکوة مالشان را نمی پردازند و به عالم آخرت هم معتقد نیستند. (5)

در روایتی می خوانیم:

کسانی که از دادن زکوة خودداری می کنند از خداوند موقع مرگ می خواهند که به دنیا برگردند و همین است مراد از آیه ای که می فرماید:

گروهی می گویند: خدایا ما را به دنیا برگردان تا عمل شایسته ای را که انجام نداده ایم انجام دهیم. (6)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که از دادن مثقال زکوتی که به عهده اوست خودداری کند، مرگ را در حالی که بر دین یهودی یا نصرانی است ملاقات نماید. (7)

کسانی که زکات نمی پردازند، در دنیا نیز گرفتار عقوبت می شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

ص: 75

1- . المحاسن، ص 319.

2- . روضة الواعظین، ص 356.

- 3- . نهج البلاغه، حكمت 146.
- 4- . جامع السعادات، ج 2، ص 124.
- 5- . «ويل للمشركين»؛ (فصلت / 8)
- 6- . المحاسن، ص 87.
- 7- . روضه الواعظين، ص 356.

کسانی که زکوة نمی دهند به خشکسالی مبتلا می گردند. (1)

و امام باقر علیه السلام می فرماید:

فقر و احتیاج و گرسنگی و برهنگی انسانها، به خاطر گناهانی است که ثروتمندان مرتکب آن می شوند و بر خدا سزاوار است که آنان را که از پرداخت حقوق الهی خودداری می کنند از رحمت خود دور گرداند. سوگند به آن کسی که مخلوقات را آفرید و روزیها را افزایش داد به این که ثروتی در دنیا ضایع و نابود نخواهد شد، بجز اینکه علت آن ترك پرداخت زکوة است. (2)

4 - تحريك جنسی

اشاره

یکی از آثار بیماری هیستیری تحريك جنسی است.

تحريك قبل از بلوغ

تحريك جنسی اگر قبل از بلوغ باشد، عواقبی دربر دارد. چون نوجوان هنوز به سن بلوغ نرسیده و قوای عقلانی و معنوی او به حد بلوغ رشد نیافته است لذا در دامان مفساد غوطه ور می شود.

بسیاری از نوجوانان به علت آثار بیماری هیستیری و خودنمایی توسط دیگران به بلوغ زودرس می رسند. قبل از آنکه رشد جسمی و سنی داشته باشند قوای شهوانی و جنسی آنها شکوفا و بیدار می شود. از آنجا که زمینه تخلیه شهوت به طور معمول برای او فراهم نیست و عقل او نیز به یاریش نمی شتابد، آن هنگام است که شیطان بر او مستولی شده و نوجوان پاك و معصوم به انواع بیماریهای دیگر جنسی مبتلا می شود.

در اینگونه موارد، استمنا یا اوانیسم در پسران، استشهائ در دختران به وفور دیده می شود، ارتباط با جنس مخالف یا همجنس چه دختر یا پسر فرقی نمی کند، در این دوران بسیار مشهود است. ارتباط با خواهر یا برادر نیز از عوارض بسیار شایع این تحريك جنسی است.

بهرحال نوجوان سعی در تخلیه شهوت و بدنبال فراگیری علوم در این مورد است که تاکنون از آنها بی اطلاع بوده است. بخصوص اگر این نوجوان زمینه تحريك جنسی را مرتب در کنار داشته باشد، این علاقه در او شدت می گیرد که می خواهد از همه امور جنسی مطلع شده و در این امر پیشرفت کند.

بسیاری از دختران و پسران بعد از سن 6 سالگی تا قبل از بلوغ، اگر در معرض تحريك جنسی باشند، از کلیه امور جنسی آگاهی کامل پیدا می کنند. منابع اطلاعاتی آنها متفاوت است. برخی تودار و مرموز برخورد می کنند و اطلاعات را بیشتر از شنیده ها یا خواندنیها یا دیدنیها فرامی گیرند. عده ای دیگر از آنها در ارتباط با بزرگتر از خود قرار می گیرند و آنچه نمی دانند از آنها می پرسند و اطلاعات

ص: 76

خود را کامل می کنند و به دیگران نیز انتقال می دهند.

تحريك جنسی در جوانی

اگر تحريك جنسی در دوران جوانی و قبل از ازدواج باشد نیز عواقبی دربر دارد. در این دوران جوان از اطلاعات به دست آمده نوجوانی بهره برداری کامل را می کند و اگر زمینه ازدواج برای او فراهم نباشد، به استمنا معتاد می شود. این اعتیاد اثرات مخربی در روح و جسم و جان جوان فراهم می آورد. کاهش بینایی، ضعف اعصاب، بزهکاری، پر خاشاگری، ناراحتیهای گوارشی، لرزش اعضاء از جمله عوارض ناشی از تحريك جنسی است. (1)

اثر دیگری که تحريك جنسی در جوان می گذارد این است که او را انسانی مردم آزار می کند.

جوان سعی در خودآزاری یا مردم آزاری دارد. از آزار رساندن دیگران لذت می برد و احساس غرور می کند. گاهی این گونه جوانان به جسم خود نیز آسیب می رسانند و همه این نمادها نشانگر عصیان در سن جوانی به علت تحريك جنسی است.

اثرات مخرب دیگری که تحريك جنسی در جوان می گذارد این است که جوان به دامان فساد جنسی یعنی لواط یا همجنس گرایی و یا زنا کشیده می شوند. هر کدام از این گناهان برای جوان عواقب سوء معنوی، اجتماعی به همراه دارد.

بهر حال منشأ بسیاری از این بیماریها، همان خودنمایی یا بیماری هیستیری است و هر چه جوان بیشتر در معرض اینگونه افراد باشد و یا خود از جلوه های این بیماری پیروی کند، بیماری در او تقویت می شود و اثرات مخرب تری بر جای می گذارد.

اینگونه جوانان که تجربیات قبل از ازدواج خود را به طور نامشروع به دست می آورند، در هنگام ازدواج و رسیدن به دفع شهوت شرعی دچار مشکل می شوند و اکثر اینها در زندگی زناشویی موفقیت کامل را به دست نمی آورند و از همسران دائمی خود احساس لذت نمی کنند و بخشی از مشکلات خانوادگی نیز به همین علت بوجود می آید.

تحريك جنسی بعد از ازدواج

اگر تحريك جنسی و جلوه گری بعد از ازدواج برای زن یا مردی پیش آید نیز عواقبی دربر دارد و اگر فردی در معرض افراد خودنما و بیماران جلوه گر باشد، تحريك می شود. گاه چون همسر خود را موافق با ایده خود نمی بیند از روابط مشروع زناشویی دلسرد می شود. این دلسردی موجب می شود که برای اطفاء شهوت دست به دامن فحشاء و فساد شود و سعی کند از ارتباط نامشروع با دیگران به امیال شهوانی خود برسد.

ص: 77

1- توضیح بیشتر در «جلوه های بلوغ» و «جوانان و غریزه جنسی»، دو اثر دیگر مؤلف.

منشأ بسیاری از زناهای محصنه، لواط و ارتباطهای نامشروع تحریک جنسی به واسطه بیماری خودنمایی است. و اینجاست که اساس و بنیان خانواده در معرض خطر قرار می گیرد و مسائل اجتماعی حادثی چون ناسازگاری، طلاق، ازدواج مجدد، فرزندان نامشروع، متلاشی شدن خانواده، زنا ارتباط نامشروع جامعه را با نابسامانی، روبرو می سازد.

البته این نکته قابل ذکر است که هرگز سعادت بشر در سایه گناه بوجود نمی آید، اگر انسان بخواهد خوشبختی را از گناه به دست بیاورد مسلّم موفق نخواهد بود. خداوند در قرآن می فرماید:

«کسی که از یاد من غفلت و دوری کند، زندگی سختی در دنیا خواهد داشت. (1)»

شاید در سایه گناه انسان چند صباحی به امیال و خواسته های خود برسد اما اینها زودگذر است و عقوبت عمل، انسان را در دنیا و آخرت گرفتار خود می سازد.

بهترین راه، پرهیز از گناهان و روی آوردن به حلال خدا و قناعت به آن نعمتهایی است که خداوند به انسان داده است. در این صورت خداوند نیز انسان را یاری خواهد کرد و او را از راه حلال به خواسته هایش خواهد رسانید.

5 - بیهوده گرایی

اشاره

یکی از آثار بیماری هیستیری یا خودنمایی، بیهوده گرایی است. اگر در جامعه ای خودنمایی مطرح باشد افراد آن جامعه بواسطه پرداختن به مسائل ظاهری و تجملات از یاد خدا غافل می شوند و در بیهوده گرایی غرق می گردند.

معمولاً کسانی که دچار بیهوده گرایی می شوند، از عقوبات الهی نیز راه گریز و فراری ندارند و بسیاری از اقوام گذشته که داستان زندگی آنها در قرآن آورده شده است به واسطه بیهوده گرایی گرفتار قهر و غضب الهی شده اند از جمله در مورد فرعون و یارانش قرآن می فرماید:

ما آنها را در دریا غرق ساختیم به خاطر اینکه آیات ما را تکذیب کرده و از آن غفلت نمودند. (2)

هشدارهای خداوند

خداوند در قرآن نسبت به بیهوده گرایی و غفلت و پرداختن به دنیا هشدارهای فراوانی داده است از جمله قرآن می فرماید:

بدانید که زندگانی دنیا بازیچه و پرداختن به آرایش است. (3)

و در آیه دیگر چنین می فرماید:

روز حساب مردم نزدیک است و آنها غافلند و از یاد آن خودداری می کنند. این بی خبران پند و

1- . «من اعرض عن ذكرى»؛ (طه / 124)

2- . «فاغرقنا فى اليم»؛ (اعراف / 136)

3- . «اعلموا انما الحياة»؛ (حديد / 20)

اندرزهای خدا را نشنیده می گیرند و عمرشان را به بازیچه می گذرانند و دل‌هایشان به لهو و بازی دنیا متوجه است و مردم ستمکار مخفیانه نجوا می کنند. (1)

و در آیه دیگر می فرماید:

ای رسول خدا کفار را به کفر و ضلالت خود واگذار که به بازیچه دنیا دل ببندند تا اینکه به روزی که وعده عذاب آنهاست روبرو می شوند. (2)

بیهوده گرایي انسان را در دنیا و آخرت، از رشد و کمال باز می دارد لذا امام علی علیه السلام هشدار می دهند که: از دست دادن فرصت موجب اندوه می شود. (3)

و در روایت دیگر می فرماید:

کار خوب امروزت را به امید فردا تأخیر نینداز، زیرا ممکن است فردا زنده نباشی. (4)

خوب است انسان بجای غفلت از خداوند و غرق شدن در کارهای بیهوده بسوی خود سازی و کمال خود و جامعه پیش برود و از فرصتها برای بهسازی خود و جامعه بهترین استفاده را بکند.

آثار بیهوده گرایي

بیهوده گرایي و غفلت نشانه هایی دارد. باشد که با دقت در این نشانه ها سعی کنیم از افراد غافل نباشیم.

1 - تمسخر و استهزاء آیات الهی: قرآن می فرماید: اگر از آنان پرسند که چرا استهزاء می کنید؟ می گویند که ما به مزاح و شوخی گفتیم. به آنها بگو آیا آیات خدا و رسولش را مورد تمسخر قرار می دهید. (5)

2 - بی توجهی به نماز: قرآن می فرماید: هنگامی که صدای اذان و ندای بسوی نماز را می شنوند، آن را به بازی می گیرند، زیرا آنها مردمانی بی خردند. (6)

3 - غوطه ور شدن در دنیا، تکذیب قیامت: قرآن می فرماید: وای بر آنان که وعده حق را تکذیب کردند آنان که در دنیا غرق و غوطه ور شدند. (7)

4 - متابعت از هوای نفس، فراموش کردن یاد خدا: قرآن می فرماید: از آنها که از یاد ما بی خبرند و

ص: 79

1- «اقترب للناس»؛ (انبیاء / 3)

2- «فذرهم یخوضوا»؛ (معارج / 42)

3- نهج البلاغه، حکمت 118.

4- . ديوان امام على عليه السلام، بند 487.

5- . «ولئن سالتهم»؛ (توبه / 65)

6- . «اذا ناديتهم»؛ (مائده / 58)

7- . «فويل يومئذ»؛ (طور / 12)

متابعت از هوای نفس می کنند پیروی مکن. (1)

توصیه: در متون اسلامی، توصیه های زیادی شده است که انسان اعمالی انجام دهد که از اهل غفلت محسوب نشود. از جمله آن توصیه این است که انسان در هر حال به یاد خدا باشد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

مؤمن از لهُو و کارهای بیهوده دوری می کند. (2)

و امام سجاد علیه السلام دعا می فرمایند:

خدایا ما را از خواب غفلتی که در سایه اعتماد به شیطان پدید می آید بیدار ساز. (3)

علی علیه السلام می فرماید:

هنگام بیکاری و راحتی را با خواندن دو رکعت نماز با اخلاص غنیمت بدار. (4)

درمان

اشاره

چنانکه بیان شد، برای هر بیماری راه درمانی وجود دارد و هر بیماری درمان خاص خود را می طلبد همانگونه که اگر فردی دارای بیماری جسمی باشد باید تحت نظر پزشک معالج خود باشد و آنطور که او دارو تجویز می کند، از دارو استفاده کند تا بهبود یابد. برای معالجه بیماریهای روانی نیز راه های درمان مختلف است و بر اساس نفوذ بیماری در فرد باید راه درمان توصیه و این توصیه، توسط بیمار بکار گرفته شود تا اثر مطلوب از آن حاصل شود.

اول: شناخت عامل بیماری

مهمترین اصل در درمان بیماریها شناخت عامل بیماری است. چنانکه اگر بیماری جسمی انسان تشخیص داده شود؛ درمان آن آسان است و تجویز دارو نیز اگر بر اساس شناخت بیماری باشد مؤثر است، در مورد بیماریهای روحی نیز شناخت عامل بیماری مهم است.

اگر عامل بیماری روحی تشخیص داده شود، درمان آن براحتی انجام خواهد شد. زیرا بیماریهای روحی مشترکاتی با هم دارند که باید توسط فرد روانشناس، عامل مهم اصلی تشخیص داده شود.

قبل از آنکه بیماری تشخیص داده شود، مری نباید، فرد بیمار را مورد عتاب و خطاب و سرزنش

ص: 80

2- . خصال، ج 1، ص 26.

3- . الدليل موضوعات، ص 121.

4- . ديوان بيت، ص 431.

قرار دهد و هویت او را زیر سؤال ببرد. باید بداند که مقصد اصلی و عامل اصلی بیماری در فرد چیست؟ شاید خود فرد، مقصر نباشد و عواملی موجب بروز بیماری در او شده باشند. سعی شود عوامل ریشه یابی شود و این بیماری بنیادی و اساسی درمان گردد. در این رابطه در بخش عوامل بیماری، به آنها اشاراتی شده است.

دوم: شناخت ارزشها

اشاره

یکی از راههای درمان بیماری خودنمایی شناخت ارزشهاست. گاهی فرد بیمار ارزشها را نمی شناسد و به همین دلیل به کارهایی گرایش پیدا می کند که آنها را ارزش می داند و یا برای او ارزش قلمداد کرده اند.

گاهی افراد به زشتی کاری که انجام می دهند، واقف نیستند و فکر می کنند کار و عملشان بسیار خوب است و هرگز احتمال نمی دهند که کارشان خلاف باشد.

آموزش ارزشها

اشاره

در ابتدا باید مربی، اولیاء، رسانه های گروهی، تبلیغات و سایر افرادی که در شناخت و آگاهی مردم مؤثر هستند، ارزشها را به متریان بیاموزند. و مبانی عقل و شرع در همه کارها را به آنان القاء کنند. تا فردی که به عنوان مسلمان می خواهد به يك اصول ارزشی پای بند باشد، ابتدا این ارزشها را بشناسد. وقتی ارزشها شناخته شد، مسائل ضد ارزشی نیز در کنار آن به آسانی قابل شناخت خواهد بود.

الف: تقوی

اشاره

یکی از مبانی ارزشی در اسلام تقوی و پرهیزکاری است. قرآن می فرماید:

همانا گرامیترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست. (1)

ملاك ارزش انسانها در خداپرستی و پرهیز از گناه است و افتخار انسان بانقوی، ایمان و عمل صالح می باشد گرچه انسان از نظر ظاهر، دارای مال و ثروت و مکتب و زیبایی هم نباشد ولی انسان عزیز و محترم است و ملاك ارزش و شخصیت در اسلام فقط تقوی و ایمان است.

نشانه های تقوی

انسان با تقوی نشانه هایی دارد با آشنایی این ارزشهای الهی به شناخت بهتری نسبت به تقوی خواهیم رسید.

1 - کار نیک می کند. قرآن می فرماید: هر کار نیکی کنید، البته از ثواب آن محروم نخواهید شد و

ص: 81

1- . «ان اکرمکم عندالله»؛ (حجرات / 13)

خداوند به حال پرهیزکاران دانا است. (1)

2 - جهاد با مال و جان، در راه خدا و قیامت. قرآن می فرماید: مسلمانانی که در حقیقت به خدا و روز قیامت ایمان دارند، از تو اجازه ترك جهاد نخواهند خواست و به مال و جان خود در راه خدا جهاد می کنند و خدا به حال متقیان آگاه است. (2)

3 - صبر و استقامت. قرآن می فرماید: صبر کن زیرا عاقبت نیک برای متقین و پرهیزکاران است. (3)

4 - عدم طغیان و سرکشی و فساد. قرآن می فرماید: و این دار آخرت را برای آنانکه در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت مخصوص متقین و پرهیزکاران است. (4)

5 - دوستی پایدار. قرآن می فرماید: در آن روز (قیامت) دوستان همه با یکدیگر دشمن هستند بجز متقیان که اهل تقوی دوستی شان با هم در دنیا و آخرت پایدار است. (5)

6 - وفا به وعده و عهد. قرآن می فرماید: آری هر کس به عهد خود وفا کند و خداترس و پرهیزکار شود، خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. (6)

7 - ایمان به پیامبر و دستورات او. قرآن می فرماید: و آنکس از بندگان که وعده صدق بر او آمد و او آن را تصدیق کرد، هم آنها به حقیقت اهل تقوی هستند. (7)

8 - ایمان، انفاق، اقامه نماز، ایتاء زکوة، وفای به عهد، صبر، راستگویی از جمله صفات آنهاست.

قرآن می فرماید: نیکوکاری به آن نیست که روی به جانب شرق و غرب کنید (مثل یهود و نصاری) لیکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز را بپا دارد و زکوة مال را به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کارزار و سختیها صبور و شکیبها باشد و به وقت رنج و سختی صبر پیشه کند، کسانی که به این اوصاف آراسته اند آنها به حقیقت راستگویان عالم و آنها متقین و پرهیزکاران هستند. (8)

ص: 82

1- «و ما یفعلوا من خیر»؛ (آل عمران / 115)

2- «لا یتأذنک الذین»؛ (توبه / 44)

3- «فاصبر ان العاقبة»؛ (هود / 49)

4- «تلك الدار الآخرة»؛ (قصص / 83)

5- «الاخلاء یومئذ»؛ (زخرف / 67)

6- «بلی من اوفی بعهده»؛ (آل عمران / 75)

7- «والذی جاء بالصدق»؛ (زمر / 33)

8- «لیس البران تولوا»؛ (بقره / 176)

9 - اصلاح بین مسلمین. قرآن می فرماید: در حقیقت همه مؤمنان برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار و متقی باشید تا مورد لطف و رحمت الهی واقع گردید. (1)

10 - سخن حق و ثواب. قرآن می فرماید: ای اهل ایمان! متقی و خداترس باشید و همیشه به حق و ثواب سخن گوید. (2)

البته نشانه های تقوی در قرآن فراوان ذکر شده است. و متجاوز از صدها آیه راجع به متقین در قرآن بحث کرده است.

عاقبت تقوی

1 - هدایت الهی: قرآن می فرماید: آنان که هدایت یافتند خدا بر هدایت و ایمانشان بیفزود و پاداش تقوای آنان را عطا فرمود. (3)

2 - سعادت ابدی: قرآن می فرماید: و زندگی آخرت بهتر است برای اهل تقوی آیا تعقل نمی کنید؟ (4)

3 - گشایش در کارها: قرآن می فرماید: کسی که تقوی پیشه کند خداوند کارهایش را آسان می گرداند. (5)

4 - رزق و روزی بی حساب: قرآن می فرماید: و کسی که تقوی پیشه کند خداوند برای او فرج حاصل می کند و او را از جایی که نمی پندارد روزی می دهد. (6)

5 - بخشش گناه و اجر و ثواب: قرآن می فرماید: و کسی که تقوی پیشه کند خداوند گناهان او را می بخشد و برای او اجری عظیم قرار می دهد. (7)

ص: 83

1- . «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ (حجرات / 10)

2- . «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»؛ (احزاب / 70)

3- . «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا»؛ (محمد / 17)

4- . «وَالدَّارُ الْآخِرَةُ»؛ (اعراف / 169)

5- . «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ»؛ (طلاق / 4)

6- . «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ»؛ (طلاق / 3)

7- . «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ»؛ (طلاق / 5)

6 - بهشت و جنت: قرآن می فرماید: همانا متقین در کنار جنّات (باغها) و عیون (چشمه ها) اقامت دارند. (1)

در جنت نعمتهای فراوانی در اختیار متقین قرار دارد و در این باره آیات زیادی است که آن نعمتها چگونه نعمتهایی است. (2)

7 - وارث و خلیفه خدا در زمین: قرآن می فرماید: همانا زمین از آن خداوند است و او به هر کس از بندگان که بخواهد واگذار می کند و حسن عاقبت و پیروزی از آن متقین است. (3)

ب: صرفه جویی

یکی از مبانی ارزشی در اسلام فرهنگ صرفه جویی است. خداوند نعمتهای زیادی در اختیار انسان قرار داده است تا از این نعمتها استفاده کند و در مسیر رشد و کمال قرار گیرد و این نعمتها را امانت معرفی نموده است و نسبت به مصرف این نعمتها به انسان هشدار داده است. قرآن می فرماید:

بدانید که مال دنیا و فرزندان شما وسیله آزمایش است. (4)

انسان در مقابل مصرف مال خود مسئول است و امام رضا علیه السلام می فرماید.

خداوند متعال از کشمکش و ضایع کردن مال متنفر است. (5)

پس ارزش این نیست که انسان مال و ثروت خود را در راه گناه و باطل مصرف کند. شاعر می گوید:

سوار مرکب باطل مشو که آن مرکب تو را به دشت ندامت پیاده خواهد کرد

در مورد اغذیه و خوراکیها نیز تأکید در صرفه جویی و پرهیز از اسراف است. قرآن می فرماید:

بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید زیرا خداوند اسرافکاران را دوست ندارد. (6)

هر کاری انسان انجام دهد خداوند در قیامت آن را محاسبه خواهد کرد و قرآن می فرماید: هر کس ذره ای بدی کند، جزا و کیفر آن را می بیند. (7)

پس اسراف و مصرف گرایی فرهنگ ارزشی نیست و القاء مصرف در جامعه خلاف دستورات خداوند است. اسراف در مال و روی آوردن به تشریفات چون لباسهای فاخر و آرایشهای کدایی نشان شخصیت انسان نیست. بلکه سطح علمی، اخلاقی، رفتاری انسان نشانگر شخصیت والای

ص: 84

1- «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ»؛ (حجر / 45)

2- المعجم مادة وقی.

3- . «انّ الارض لله يورثها»؛ (اعراف / 128)

4- . «واعلموا انما اموالكم»؛ (انفال / 28)

5- . تحف العقول، ص 330.

6- . «كلوا و اشربوا ولا تسرفوا»؛ (اعراف / 31)

7- . «فمن يعمل مثقال ذرة»؛ (زلزال / 5)

ج: انجام فرامین مذهبی

یکی از مبانی ارزشی مسلمان این است که نسبت به مذهب و دستاوردها و متعلقات مذهب خود بی تفاوت نباشد و القاء بی تفاوتی و کمرنگ کردن توجه به مساجد و شرکت در مراسم مذهبی و انجام فرامین الهی کاری خلاف ارزش است. هر کس به جوان القاء کند که دین مخدر است و انسان را محدود می کند و او را از دین جدا کند، منادی فرهنگ جدایی دین از زندگی انسانها است و معمولاً انحراف و فساد و تباهی و بیهوده گرایی در بین افرادی که از مساجد و فرامین الهی بریده اند شایع است.

انجام مراسم مذهبی چون نماز بر هر انسان مسلمان لازم و فرض است و انسان را رشد و کمال می دهد. و روی گردانی از آن مسئله ای ضد ارزش می باشد.

خداوند نیز در قرآن می فرماید:

کسی که از یاد من دوری کند، در دنیا زندگی سختی خواهد داشت. (1)

روزه از جمله وظایف مسلمان است و مسلمان باید روزه بگیرد. حفظ حجاب، حفظ ارزشهای يك زن مسلمان است و توصیه به بی بند و باری مسئله ای ضد ارزش است.

دیگر فرامین الهی پیرامون مسائلی چون قماربازی، رباخواری، موسیقی حرام، بیهوده گرایی، باطل کردن وقت، همه و همه نشانگر آن است که این مسائل، مسائلی ضدارزشی هستند و ارزش و ولایی انسان در ترك گناه و ترك نواهی الهی است.

عیادت مریض امری مستحب و ارزشی است، شرکت در نماز جمعه بسیار ارزشمند است.

شرکت در عزای امام حسین علیه السلام بیمه سازی دنیا و آخرت انسان است. محبت و دوستی به دیگران، از توصیه های الهی است هدیه دادن به دیگران در اسلام تأکید شده است و هر کدام از این مسائل صحبتها و روایات فراوانی دارد که پرداختن به آنها بحثی جداگانه را می طلبد. (2)

د: اخلاق اسلامی

از جمله ارزشهای اسلامی، آرایش به اخلاق و رفتار اسلامی است. و کسی که دارای اخلاق پسندیده و نیکو باشد شخصی ارزشمند است اگر چه نشانه های ظاهری تمدن و مُد را نداشته باشد.

اخلاقی ارزشمند است که تحت لوای اسلام و عقل سالم باشد و القاء بی ارزشی ها به عنوان اخلاق خوب که منشأ و مبدأ درستی ندارد، نمی تواند انسان را سعادت مند کند و ارزشی نیز ندارد.

نسبت به اخلاق و ابعاد آن در اسلام آیات و روایات زیادی آورده شده است از جمله قرآن

1- . «من اعرض عن ذكري»؛ (طه / 124)

2- . توضیح در کتابهای خودسازی و سرمایه کلاسداری دو اثر دیگر مؤلف.

می فرماید:

ای محمد صلی الله علیه و آله تو دارای اخلاقی نیرومند و بزرگ هستی. (1)

و در آیه دیگر می فرماید:

و پیامبر صلی الله علیه و آله برای شما الگو و اسوه و نمونه خوبی است. (2)

بر هر مسلمانی لازم است که اخلاق نبوی را بشناسد و سیره حضرت را مطالعه کند و به آنچه ایشان می فرماید: عمل نماید و از بی ارزشیها مثل پر خاشگری، عصیان، تکبر و فخر فروشی، تکذیب خداوند و قیامت، بی توجهی به فرمانهای الهی و... چشم پوشی نماید.

اخلاق خوب

پیرامون اخلاق و صفات خوب سفارش زیادی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید:

اخلاق خوب گناه را همانند آب شدن یخ به وسیله خورشید آب می کند و اخلاق بد عمل را همانگونه که نمک عسل را فاسد می کند، از

بین می برد. (3)

امام سجاد علیه السلام فرمود:

محبوبترین فرد از میان شما در نظر خدا فردی است که اخلاقش از همه بهتر و عمل او بزرگتر و به آنچه در نزد خداست بیشتر تمایل داشته

باشد. (4)

امام کاظم علیه السلام فرمود:

خدا از فردی که دارای روی خوش و اخلاق نیک باشد، شرم می کند که گوشتش را به آتش جهنم بسوزاند. (5)

امام باقر علیه السلام فرمود:

مؤمنی از نظر ایمان کاملتر از همه است که از نظر اخلاق بهتر از همه باشد. (6)

امام صادق علیه السلام فرمود:

پاداش خوش اخلاق مانند کسی است که روزها روزه دار و شبها را نافله بخواند. (7)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

محبوبترین فرد و نزدیکترین شخص، نسبت به جایگاه من در روز قیامت کسی است که اخلاق

- 1- . «انك لعلی خلق»؛ (قلم / 4)
- 2- . «و لكم فى رسول اللّٰه»؛ (احزاب / 21)
- 3- . ارشاد القلوب ديلمى، ص 133.
- 4- . ارشاد القلوب، ص 132.
- 5- . ثواب الاعمال، ص 216.
- 6- . اخلاق شبر، ص 4.
- 7- . اخلاق شبر، ص 5.

او از همه بهتر باشد. (1)

امام صادق علیه السلام فرمود:

خدا به شخص خوش اخلاق ثوابی می دهد که در ردیف ثواب مجاهد در راه خداست. (2)

و در روایت دیگر فرمودند: اخلاق نیکو جزء وظایف دین است و به رزق انسان اضافه می کند. (3)

نشانه های اخلاق خوب

اخلاق اسلامی، نشانه ها و علاماتی دارد از امام صادق علیه السلام پرسیدند: علامت خلق نیکو چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: تعریف نیکو خلقی این است که آغوشش برای پذیرایی باز، صحبت و حرفت نیکو و با اخلاق نیکو و گشاده برادران ایمانی خود را دریایی. (4)

و امام باقر علیه السلام فرمود:

در قیامت نزدیکترین فرد به من کسی است که بیش از همه راست بگوید، امانت را بهتر حفظ و تحویل دهد، و به پیمان خود وفادارتر از همه باشد و از نظر اخلاق هم از همه بهتر باشد. (5)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی فرمود:

بیشترین وسیله ای که امت مرا به بهشت می برد خود نگهداری از گناه و خوشرفتاری است. (6)

امام صادق علیه السلام فرمود:

صبر، نیکوکاری، بردباری و خوش اخلاقی از سیره پیامبران است. (7)

در این باره کتب فراوانی درج شده است و اخلاق خوب به مسلمین معرفی شده اند. اما آنچه اینجا مورد نظر بحث ماست (8) این است که القاء بی ارزشی و فساد اخلاقی از نشانه های بی ایمانی است و انسان را به ورطه سقوط در دنیا و هلاکت در آخرت سوق می دهد. آنچه مورد تأیید اسلام است اخلاق پسندیده است و آنچه در چهارچوب دین به عنوان اخلاق خوب معرفی شده است.

از جمله مصادیق اخلاق خوب، نیکوکاری با پدر و مادر، قدردانی از معلم، خوشرفتاری با خانواده، حسن برخورد با دوست، همکلاسی، همسایه و سایر اقشار مردم است. و هرگونه پرخاشگری نسبت به این افراد مصادیق بی ارزشی و اخلاق بد و ناپسند است که برای انسان عواقبی

ص: 87

- 2- . اصول کافی، ج 2، ص 101.
- 3- . تحف العقول، ص 275.
- 4- . اصول کافی، ج 2، ص 103.
- 5- . امالی، مفید، ص 41.
- 6- . اصول کافی، ج 2، ص 100.
- 7- . خصال صدوق، ج 1، ص 251.
- 8- . منابع بیشتر را در اثر دیگر مؤلف با نام «خودسازی در مکتب قرآن و عترت علیهم السلام» مطالعه کنید.

سوم: جایگزینی ارزشها

یکی از مراحل درمان بیماری هیستیری جایگزینی ارزشهاست. بعد از آنکه مبانی ارزشی در اسلام شناخته شد و ملاک برتری افراد را اسلام تعیین کرد باید سعی شود که این ارزشها جایگزین ضد ارزشها شود.

جوان باید بداند پرخاشگری ارزش نیست بلکه ارزش در کنار اخلاق خوب است. ازدواج از طریق نامشروع و روابط غیرشرعی درست نیست، باید از راه شرعی وارد شود و ازدواج شرعی است که قابل دوام است.

احترام به اولیاء، مربیان و سایر اقشار ارزش است و ناسپاسی از معلم و اولیاء و سایر افراد بی ارزشی است.

اسراف و تبذیر ارزش نیست، حفظ تعادل و بجا خرج کردن ارزش است. ارزش انسان به لباس نیست بلکه به اخلاق و آداب نیک است و آزادی انسان در گناه نیست بلکه انسانی آزاده است که به گناه پشت پا بزند و تسلیم اوامر الهی باشد بی توجهی به فرامین الهی و احکام و آداب اعمال ارزش نیست بلکه ارزش انسان در ایمان و عمل صالح است. ...

وقتی مصادیق و مبانی ارزش در نظر مجسم شد، باید این ارزشها، جایگزین مسائل ضد ارزشی و گناه شود.

چهارم: درمان تدریجی

مسئله قابل توجه در درمان آن است که درمان باید بتدریج انجام شود فردی که مدتی با اخلاق و خوبی عادت کرده است، نمی تواند این روحیات را یک باره به تعادل برساند. تمرین و ممارست و تقویت اراده لازم است تا انسان مبانی ارزشی را جایگزین ضد ارزشها کند و در این راه نباید دلسرد و خسته شود و فکر کند که او قابل علاج و برگشت نیست. بلکه همانگونه که گناه کم کم در وجود انسان رخنه می کند، اعمال شایسته نیز کم کم جایگزین ضد ارزشها می شود.

پنجم: توجه به توان و استعداد

در درمان انسان باید به توان و استعداد خود توجه کافی داشته باشد و کارهایی را بر خود تحمیل نکند که توان انجام آن را نداشته باشد.

مثلاً اگر فردی بدون تمرین و توجه به توان خود وزنه سنگینی را یک باره بردارد، این وزنه برداری نه تنها ورزش محسوب نمی شود بلکه انسان را دچار بیماریهای مختلف جسمی می کند.

در مسائل روحی و ابعاد اخلاقی نیز این مسئله مصداق دارد که انسان اگر یکباره کاری انجام دهد

که توان و استعداد آن را نداشته باشد، از نظر روحی عواقبی برای او در پی خواهد داشت. خداوند نیز انسان را به اندازه توان او تکلیف داده است. (1) و از هر کس بر حسب توانایی، علم و مقامش از او تکلیف خواسته است.

در بعد پالایش اخلاق رذیله و آرایش به ملکات انسانی، اخلاقی و معنوی نیز تمرین کردن نقش اساسی دارد و هر کس به اندازه توانی که دارد باید به مرور مسائل ارزشی را در وجود خود تقویت کند.

ششم: استمرار

نکته بعدی در جایگزینی ارزشها، استمرار در عمل است. انسان اگر می خواهد به مبانی ارزشی دست پیدا کند باید در کاری که شروع می کند، حوصله و وقت و دقت صرف کند و آن را رها نکند.

استمرار بر عملی هر چند کم، مهمتر از عمل بسیاری است که دنباله نداشته باشد و انسان آن را پس از چند بار عمل کردن کنار بگذارد. علی علیه السلام نیز می فرماید:

عمل کم ولی مستمر بهتر از عمل زیادی است که ملال آور باشد. (2)

در اسلام نیز برخی از اعمالی که انسان باید انجام دهد مستمر است به طور مثال نماز عملی است که انسان باید هر روز انجام دهد و جواز ترک برای نماز صادر نشده است. البته نماز مستحبات دارد، اگر فرد می تواند به مستحبات عمل کند اگر نمی تواند واجبات آن را انجام دهد اگر ایستاده نمی تواند بنشیند اگر نشسته نمی تواند در حال خوابیده هم نماز از انسان ساقط نمی شود و استمرار دارد.

در مسائل خودسازی نیز استمرار باید باشد و با توجه به توانهای فردی، انسان باید کاری را شروع کند و استمرار دهد و عقب نشینی نکند و بایستد تا عمل برای او ملکه شود.

هفتم: خودشناسی؛ اعتماد به نفس

از جمله راههای درمان بیماری هیستیری خودنگری است. بیمار باید خود را دریابد به عمق وجود خویش پی ببرد و ببیند که آیا او واقعاً کیست؟ خودنگری، زمینه ساز درمان عقده های روانی و عدم اعتماد به نفس است که یکی از زمینه های بوجود آورنده بیماری هیستیری به شمار می رفت.

خداوند در قرآن طی آیات زیادی انسان را به تفکر فرامی خواند. در آیه ای قرآن می فرماید: «پس انسان نگاه کند که از چه چیز خلق شده است. از آب بدبویی که ریخته شده است. (3)

خداوند انسان را از آبی پست و خوار آفرید، و سائل رشد و نمو او را فراهم نمود تا زمانی که به

ص: 89

2- . قليل مدوم عليه خير من كثير ملوم به.

3- . «فلينظر الانسان مم خلق»؛ (طارق / 5)

دنیا آمد. قرآن می فرماید:

خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج ساخت در حالی که هیچ چیز نمی دانستید. (1) و همین خداوند بود که انسان را به وسیله نعمتهای زیادی رشد و تعالی بخشید.

قرآن می فرماید:

و اوست خدایی که برای شما بندگان گوش و چشم و قلب آفرید، عده بسیار کمی از شما شکر او را به جای می آورید. (2)

و در روایت می خوانیم:

کسی که خود را بشناسد، خدا را خواهد شناخت. (3)

اگر انسان خود را بشناسد، به عظمت وجود خود پی ببرد و به استعدادها و توان خود توجه پیدا کند و برای خود ارزش قائل شود و خود را پیدا کند هرگز تسلیم بی ارزشیها و مسائل خلاف عقل و شرع نخواهد شد.

هشتم: مراقبت

یکی از راههای درمان و نجات از بیماری جلوه گری، مراقبت از اعمال است. خداوند نسبت به عمل کرد انسان در دنیا به او هشدارهای فراوانی داده است. از جمله قرآن می فرماید:

خداوند نگهبان اعمال شماست. (4)

در آیه دیگر می فرماید:

مگر نمی دانی خداوند عزیز تو را می بیند. (5)

و در آیه دیگر قرآن می فرماید:

روز قیامت خدای متعال همه را زنده می کند و به کارهایی که انجام داده اند آنان را باخبر می سازد، خدا آمار گرفته، اما مردم فراموش کرده اند، خدا بر هر کاری قدرت دارد. (6)

هر انسان عاقلی باید مراقب اعمال خود باشد زیرا همین اعمال را روزی باید ببیند. قرآن می فرماید:

روز قیامت مردم دسته، دسته وارد صحرای محشر می شوند تا اعمال خود را ببینند. (7)

بالاخر از انجام عمل این است که خداوند حتی از افکار انسان هم آگاه است و نیتهای او را می داند

- 1- . «واللّٰه اخرجكم من بطون»؛ (نحل / 78)
- 2- . «و هو الذى انشألكم»؛ (مؤمنون / 78)
- 3- . من عرف نفسه فقد عرف ربه.
- 4- . «ان اللّٰه كان عليكم رقيباً»؛ (احزاب / 52)
- 5- . «الم يعلم بان اللّٰه يرى»؛ (علق / 14)
- 6- . «يوم يبعثهم اللّٰه جميعاً»؛ (مجادله / 6)
- 7- . «يومئذ يصدر الناس»؛ (زلزال / 4)

و بر اساس همین نیتها به او پاداش می دهد یا عقاب می کند. قرآن می فرماید:

توجه داشته باشید که خدای متعال از افکار شما هم آگاه است، از او بترسید. (1)

هر کس نیت خیر یا شری داشته باشد، خداوند متعال از آن آگاه است، پس انسان عاقل باید کاری کند که وقتی با آن عمل روبرو می شود، احساس شرمساری نکند.

قرآن می فرماید:

روز قیامت، هر فردی آنچه کار خوب و بد انجام داده در برابر خود می بیند، آرزو می کند که بین او و اعمالش فاصله ای طولانی باشد. (2)

مراقبت در اعمال و گفتار و کردار بر هر مسلمان لازم است و این مراقبت از اعمال است که انسان را متوجه کم و کاستیهای او می کند. هر کس در مسیر خودسازی و شناخت اعمال نیک و بد خود باشد، خداوند نیز به او توفیق هدایت به راه راست را عنایت می کند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

کسی که از غفلت قلب و شهوت نفس و رکود فکر پرهیز کند، نامش در لیست بیداران ثبت می گردد، پس کسی که از رخنه هوای نفس در علم، بدعت در دین و نفوذ حرام در مال خویش مراقبت کند، در ردیف نیکوکاران محسوب می شود. (3)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

به تو سفارش می کنم وقتی تصمیم به کاری گرفتی، عاقبت آن را در نظر بگیر، اگر عاقلانه است آن را تعقیب کن و اگر عاقلانه نیست از آن پرهیز نما. این سفارش درباره محاسبه نفس، بلکه ریشه آن است. (4)

هشدار دیگری نیز حضرت علی علیه السلام در مراقبت از اعمال دارند و می فرمایند:

حلال دنیا حساب دارد و حرام آن نیز کیفر در پی خواهد داشت چرا به آسایش معنوی پناه نمی برید و چرا راه پیامبران را ادامه نمی دهید؟ (5)

نهم: محاسبه نفس

محاسبه نفس و ارزیابی اعمال نیک و بد وظیفه هر مسلمان و راه درمان دیگری برای بیماری خودنمایی می باشد. محاسبه نفس تنها در این بیماری روحی مطرح نیست. بلکه هر مسلمانی با محاسبه نفس می تواند بر گناهان و کاستیهای خود غلبه کند و رضوان خدا را به دست بیاورد.

ص: 91

1- «اعلموا ان الله يعلم»؛ (بقره / 235)

2- «یوم تجد کل نفس ما عملت»؛ (آل عمران / 30)

- 3- . مصباح الشريعه، ص 23.
- 4- . الحقايق، ص 303.
- 5- . اصول كافي، ج 2، ص 459.

امام کاظم علیه السلام طی روایتی می فرمایند:

قبل از اینکه بازخواست شوید (در قیامت و گاهی نیز در دنیا) خودتان (اعمالتان) را بازرسی کنید و اعمال خود را قبل از اینکه بسنجید با میزان حیاء (در برابر عظمت خدا و نیاز خود) بسنجید. (1)

وقتی که انسان نعمتهای خدا را بیاد بیاورد و گناهان خود را محاسبه کند، درمی یابد که توان رسوانی و شرمساری در برابر خداوند متعال را ندارد، پس شرم و حیا حکم می کند که به طرف گناه نرود.

علی علیه السلام نیز می فرمایند:

خودت به حساب اعمال خویش رسیدگی کن. زیرا حساب اعمال دیگران با دیگری است. (2)

از این روایت برمی آید که ملاک عمل انسان نباید عمل دیگران باشد بلکه ملاک عمل عقل، دین، ادب و رضای خداوند است. اگر عملی مورد رضای خداست انجام آن عمل مشکلی بوجود نمی آورد و الا اگر انسان به خاطر اینکه دیگران کاری را انجام می دهند، او هم انجام دهنده آن اعمال باشد، حساب عملش با خود اوست و اوست که باید جوابگوی اعمال نیک و بد خود باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی می فرمایند:

کسی که خود را قبل از حساب خداوند بررسی کند، نفسهایی که کشیده، کارهایی که انجام داده و در کارهایی که ممنوع است و نگاه کردن ها دقت کند و با میزان شرع، کارها و گفتار خود را منطبق کند، در قیامت حسابش آسان و پاسخ وی در موقع سؤال آماده خواهد بود، جایگاه جدید و محل سکونتش هم زیبا خواهد بود. (3)

دریافتیم که محاسبه نفس نتایج سودمندی برای انسان دربر خواهد داشت و او را از خطاها و لغزشها مصون نگه می دارد.

عدم محاسبه نفس

در مقابل محاسبه نفس و این کار پسندیده، روی گرداندن از محاسبه نفس عواقب بدی برای انسان دربر خواهد داشت. در روایتی امام کاظم علیه السلام می فرماید:

کسی که حساب اعمال خود را نرسد، از ما شیعیان نیست، اگر کار خوب کرده توفیق انجام بیشتر از خداوند بخواهد و اگر کار بد و زشتی انجام داده از خداوند درخواست آمرزش کند و توبه نماید. (4)

محاسبه نفس آنقدر اهمیت دارد که اگر کسی از آن روی بگرداند شیعه نیست و در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

ص: 92

2- . نهج البلاغه، صبحى صالح، خطبه 222.

3- . جامع السعادات، ج 3، ص 91.

4- . الحقايق، ص 303.

کسی که حساب اعمال خود را نرسد، حسرتش بی پایان است و در صحرای محشر باید زیاد بایستد (تا به اعمالش رسیدگی شود) و گناهانش او را (در دنیا) به انحراف می افکند. (1)

دهم: پرهیز از چشم چرانی

یکی از راههای درمان بیماری هیستیری در جامعه پرهیز از چشم چرانی است. اگر کسی خود این بیماری را ندارد ولی با نگاه کردن و تأیید کردن، دیگران را به این کار تشویق کند، او هم در گناه آنان شریک خواهد بود. چشم چرانی دیگران را به کاری که انجام می دهند تشویق می کند و برای خود انسان نیز اثرات مخربی بر جای خواهد گذاشت از جمله آنکه انسان را به خودنمایی ترغیب خواهد کرد.

چشم چرانی و آثار آن

هر نعمتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده است، به گردن انسان حقی دارد و انسان نباید از این نعمتها و حقوق الهی غافل باشد. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

وظیفه انسان در برابر چشم این است که او را به مناظر حرام آلوده نکند. (2)

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زناي چشم نگاه کردن است. (3)

اگر انسان چشم خود را آزاد بگذارد دچار عواقب بد دنیوی و اخروی می شود. (4)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

بسیاری از نگاهها پشیمانی بار می آورند. (5)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

اگر از دیدگان مواظبت نکنی، روز قیامت گریان خواهی بود. (6)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن روایتی فرمودند:

چشم چرانی تیری است زهر آلود که از ناحیه شیطان ایمان را هدف قرار می گیرد. (7)

یازدهم: پرهیز از ادعاهای دروغ

اشاره

یکی از راههای درمان پرهیز از دروغگویی است.

- 1- . جامع السعادات، ج 3، ص 91.
- 2- . المحجبه، ج 3، ص 449.
- 3- . نهج الفصاحه، ص 352.
- 4- . توضیح در کتاب، چشم و نگاه اثر دیگر مؤلف.
- 5- . كشف الغمه، ج 2، ص 243.
- 6- . روضة الواعظین، ص 450.
- 7- . اسرار الصلاة، ص 145.

دروغ یکی از گناهان کبیره است و بدان علت است که خداوند انسانهای دروغگو را عذاب می کند.

قرآن می فرماید:

و برای منافقین به خاطر دروغی که می گویند، در روز قیامت عذابی دردناک است. (1)

خداوند در آیه ای دیگر می فرماید:

در میان مردم زمین گردش کنید و پایان کار دروغگویان را ببینید که چگونه بوده است. (2)

در آیه ای دیگر به پیامبر خطاب می فرماید:

ای پیامبر از دروغگویان اطاعت مکن. (3)

و در آیه ای دیگر هشدار می دهد:

روز قیامت به گناهکاران اجازه داده نمی شود که عذرخواهی کنند. وای به حال دروغگویان. (4)

مفاسد دروغ

دروغ برای انسان دستاوردهای مخربی به همراه دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بی شک دروغ ایمان را نابود می کند. (5)

در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

خدا لعنت کند دروغگو را هر چند دروغ از روی شوخی بگوید. (6)

امام عسکری علیه السلام فرمود:

(انگیزه انجام) تمام مفاسد را در اتافی گذاشته اند و کلیه آن را دروغ قرار داده اند. (7)

امام علی علیه السلام فرمودند:

بزرگترین خطاها در نظر خداوند متعال دروغ زبان است. (8)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

از دروغگو پرهیز کنید زیرا دروغگو به انحراف می کشاند و منحرف هم به آتش رهسپار می شود. (9)

- 1- . «ولهم عذاب اليم بما»؛ (بقره / 10)
- 2- . «فسيروا فى الارض»؛ (آل عمران / 137)
- 3- . «فلا تطع المكذبين»؛ (قلم / 8)
- 4- . «ولا يوذون لهم»؛ (مرسلان / 37)
- 5- . ارشاد القلوب، ص 178.
- 6- . اخلاق شبر، ص 133.
- 7- . جامع السعادات، ج 2، ص 249.
- 8- . اخلاق شبر، ص 135.
- 9- . جامع السعادات، ج 2، ص 248.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که زیاد دروغ بگوید، اعتبارش از میان می رود. (1)

امام صادق علیه السلام فرمود:

از چیزهایی که خداوند به ضرر دروغگویان در نظر گرفته است، فراموشی است. (2)

با توجه به دستاوردهای دروغ پی می بریم که باید از آن پرهیز کرده و فقط راستگویی را پیشه خود سازیم که هر چه در سایه راستگویی برای انسان فراهم شود، پایدارتر و مستحکم تر خواهد بود.

دوازدهم: تواضع و فروتنی

اشاره

یکی از راههای درمان خودنمایی تواضع و فروتنی است. در مقابل فخرفروشی که از جمله عوامل بیماری هیستیری شناخته شد، راه مبارزه و درمان آن تواضع و فروتنی است.

برای ایجاد روحیه تواضع و فروتنی، لازم است انسان به ابتدای خلقت خود توجه کند. قرآن می فرماید:

خداوند انسان را از نطفه خلق کرد، ناگهان دشمنی آشکار برای خدا شد. (3)

انسانی که در ابتدای خلقت از آبی گندیده و بدبو خلق شده است و همواره تحت سرپرستی خدای متعال بوده است و هرچه دارد از لطف باری تعالی است، به چه کسی فخر بفروشد؟ به کسانی که آنها نیز مخلوق خدایند و با او در خلقت برابر هستند؟

قرآن می فرماید:

خدای شما یکتاست: تسلیم او شوید و مژده بهشت را به فروتنان خبر بده. (4)

اگر کسی فخر بفروشد و تکبر بورزد، نسبت به خداوند و قیامت ایمان کامل ندارد. قرآن می فرماید:

کسانی که به قیامت ایمان ندارند، قلبهای آنان منکر قیامت است و خودخواه می باشند. (5)

و اینان کسانی هستند که به آنان وعده عذاب داده شده است. قرآن می فرماید:

شما خودخواهان در میان دربهای جهنم وارد گردید و برای همیشه در جهنم بمانید که جایگاه بدی برای فخرفروشان است. (6)

ص: 95

- 2- . اصول كافي، ج 2، ص 241.
- 3- . «خلق الانسان من نطفه»؛ (نحل / 4)
- 4- . «فالهكم اله واحد فله اسلموا»؛ (حج / 34)
- 5- . «فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»؛ (نحل / 22)
- 6- . «ادخلوا ابواب جهنم خالدين»؛ (مؤمن / 76)

کسانی که فروتن و متواضعند، نشانه هایی در اخلاق و رفتار دارند.

- 1 - تواضع و احترام به مردم: قرآن می فرماید: برای مؤمنینی که از تو همراهی می کنند، تواضع نما و احترام کن. (1)
- 2 - راه رفتن با آرامش، گذشت و عفو: قرآن می فرماید: بندگان شایسته خدا کسانی هستند که با آرامش راه می روند و آنگاه که از نادانان حرف نامربوط شنیدند، نادیده می گیرند و اظهار محبت می کنند. (2)
- 3 - سیمای عرفانی: امام صادق علیه السلام می فرماید: فروتنان قیافه ای دارند که ساکنان آسمانها چه فرشتگان و چه اهل زمینی که خدا را خوب شناخته باشند، آنان را می شناسند. (3)
- 4 - ابتدای به سلام: امام صادق علیه السلام فرمود: علامت تواضع این است که به هر کس می رسی سلام کنی. (4)
- 5 - احسان به مردم: امام حسن علیه السلام فرمود: تواضع این است که به مردم چیزی عنایت کنی که دوست داری خودت آن را دریافت نمایی. (5)
- 6 - پایین نشستن: امام صادق علیه السلام فرمود: علامت تواضع این است که شخص پایین تر از مقام خود بنشیند. (6)
- 7 - فروتنی برای متواضعین: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی فروتنان امت مرا مشاهده کردید برای آنان تواضع نمایید. (7)
- 8 - تواضع ثروتمند برای فقیر: علی علیه السلام فرمود: چقدر تواضع ثروتمندان برای فقرا جهت کسب ثواب و پاداش الهی جالب است. (8)

ص: 96

1- . «واخفض جناحك لمن»؛ (شعراء / 215)

2- . «عبدالرحمن الذین یمشون»؛ (فرقان / 63)

3- . نورالثقلین، ج 2، ص 34.

4- . خصال صدوق، ج 1، ص 11.

5- . نورالثقلین، ج 4، ص 58.

6- . اصول کافی، ج 2، ص 122.

7- . جامع السعادات، ج 1.

8- . نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 547.

تواضع برای انسان آثار معنوی و مادی و اجتماعی فراهم می آورد.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس به خاطر خداوند، تواضع نمود، خدا مقام او را بالا می برد. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خدا دو فرشته برای هر فردی در نظر گرفته است. هر کس برای خدا تواضع کرد آن دو فرشته متواضع را بالا می برند و هر کس تکبر کرد آن دو فرشته، احترام او را پایین می آورند. (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

چهار امتیاز است که خداوند به هر کس دوست دارد عنایت می کند: سکوت که آغاز عبادت است توکل به خدا، تواضع و زهد نسبت به دنیا.

امام صادق علیه السلام فرمود:

تواضع ریشه تمام شرافتهای شایسته و مرتبه بالاست. (3)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

تواضع، خشوع، ترس از خدا و حیاء را تولید می کند. (4)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال به داود علیه السلام وحی کرد: ای داود هر چه مردم متواضع به خدا نزدیکتر می گردند، افرادی که خودخواه و متکبرند از خدا دورترند. (5)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که برای خدا تواضع کند، خدا مقام او را بالا می برد و کسی که خودخواهی کند، خدا او را ذلیل می گرداند. (6)

سیزدهم: برنامه ریزی اوقات فراغت

اشاره

یکی از راههای درمان بیماری هیستیری برنامه ریزی است. وظیفه مربی و اولیاء این است که باید برای اوقات فراغت و بیکاری جوان برنامه

بیمار اگر جوان است باید اوقات فراغتش به وسیله برنامه های علمی، گردشهای متنوع، مطالعه آزمایشات مورد دلخواه و سایر سرگرمیها پر شود. انسان باید برای هر ساعتی از روز برنامه ای متنوع

ص: 97

-
- 1- . جامع السعادات، ج 1، ص 312.
 - 2- . اصول کافی، ج 2، ص 122.
 - 3- . جامع السعادات، ج 1، ص 313.
 - 4- . نورالثقلین، ج 4، ص 69.
 - 5- . اصول کافی، ج 2، ص 124.
 - 6- . اصول کافی، ج 2، ص 112.

داشته باشد تا وقت او بیهوده تلف نشود و از وقت خود بهترین استفاده ها را بنماید.

وقتی جوان وقتش صرف کارهای سودمند شود، فرصتی برای خودنمایی و جلوه‌گری پیدا نمی‌کند.

بانوان نیز باید برای ساعات فراغت خود برنامه ریزی داشته باشند. سرگرمی به کارهای هنری از قبیل، علوم آرایشی، خیاطی، بافتنی، کارهای دستی، مطالعه و... آنها را از پرداختن به کارهای غیرضروری و باطل باز می‌دارد.

بیکاری و عدم برنامه ریزی برای هر يك از اقشار جامعه، فسادهایی به همراه می‌آورد که از جمله این فسادها، بیماری خودنمایی است.

انسان باید همواره نشاط و روحیهٔ خلاق خود را حفظ کند. از کسالت و بی‌حالی پرهیزد زیرا بی‌حالی آفتی بسیار مضر برای دین و دنیای انسان است.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

بیحالی به دین و دنیا زیان می‌رساند. (1)

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

از خواب زیاد در شب پرهیز کنید زیرا خواب زیاد در شب به فقر در روز قیامت منتهی می‌شود. (2)

امام کاظم علیه السلام فرمود:

از بیحالی و اظهار ناراحتی پرهیز کن زیرا اگر بیحال شدی انجام وظیفه نمی‌کنی و اگر اظهار ناراحتی کردی حق خدا و مردم را ادا نخواهی کرد. (3)

امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که در امور مربوط به کسب و کارش بی‌حال باشد در کارهای دنیایش پیشرفتی ندارد. (4)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مردم بیحال سه علامت دارند: در کار سستی می‌کنند تا فرصت از دست می‌رود، آنقدر فرصت را از دست می‌دهند که تکلیف را خراب می‌کند و آنقدر تکلیف را بهم می‌ریزند که به گناه و عصیان در برابر خدای مهربان قرار می‌گیرند. (5)

بهر حال بی‌حالی، کسالت و عدم برنامه ریزی نیروی جوانی را به هدر می‌دهد و انسان از عمر خود نمی‌تواند کمال استفاده را ببرد. 8.

ص: 98

2- . خصال، ص 28.

3- . فروع كافي، ج 5، ص 85.

4- . وسائل الشيعه، ج 12، ص 37.

5- . تحف العقول، ص 48.

برنامه ریزی باید بر اساس نیازهای فرد و با توجه به توان و استعدادهای فرد صورت گیرد. هر فرد بر مبنای استعدادهایی که دارد، توان انجام کارها را دارد و اگر بیشتر از آنچه می تواند بر او تکلیف شود برنامه اش، استمرار نخواهد یافت. و خداوند هم بر این امر دقت شایان توجهی دارد که در قرآن می فرماید:

خداوند انسان را به میزان استعداد و توانایش تکلیف کرده است. (1)

اگر بخواهیم برنامه ریزی و انجام این برنامه مستمر باشد باید برنامه ریزی بر اساس توان و استعدادها باشد و تکالیف شاق و طاقت فرسا از دوش افراد برداشته شود.

هم بیحالی و کسالت برای انسان مضر است و هم در بُعد مثبت، انجام کارهای سخت و طاقت فرسا انسان را دچار خستگی روحی می کند و هر دو روش نامتعادل هستند.

چهاردهم: نظارت عمومی

اشاره

*چهاردهم: نظارت عمومی (2)

از جمله راههای درمان بیماری خودنمایی احساس مسئولیت اجتماعی و نظارت عمومی افراد است. بر هر مسلمان واجب است همچنانکه درصدد اصلاح خود می باشد، دیگران را نیز از ارتکاب گناه بازدارد و سعی کند نه تنها خود گناه نکند بلکه دیگران را نیز به راه خدا ارشاد کند.

خداوند در ترغیب مردم به نظارت عمومی در قرآن می فرماید:

شما بهترین ملتی هستید که برای اصلاح جهان بپاخواسته اید باید امر به معروف و نهی از منکر نمایید. (3)

و در آیه دیگر می فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر کنندگان و حفظکنندگان فرامین الهی را به بهره و ثواب و سعادت بشارت بده. (4)

امام باقر علیه السلام فرمودند:

امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و روش شایستگان و واجبی بزرگ است. (5)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که امر به معروف و نهی از منکر نماید جانشین خدا و رسولش در روی زمین می باشد. (6)

رسول خدا صلی الله علیه و آله طی روایتی فرمودند:

-
- 1- . «لا يكلف الله نفسا الا وسعها»؛ (بقره / 286)
 - 2- منابع بیشتر در كتاب «سرمایه كلاسدارى» اثر ديگر مؤلف.
 - 3- . «كنتم خير امة اخرجت»؛ (آل عمران / 110)
 - 4- . «الأمرون بالمعروف»؛ (توبه / 112)
 - 5- . جامع السعادات، ج 2، ص 84.
 - 6- . كنز - حديث، 5564.

کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند و بسوی خیر راهنمایی نماید و یا به آن اشاره کند در عمل شریک ثواب است و کسی که به کار ناشایسته سفارش کند و یا به آن راهنمایی نماید، شریک گناه است. (1)

ترك نظارت و عواقب آن

برخی افراد، در جامعه نقش رهبری و هدایتگرانه ندارند. همانقدر که خود گناه نکنند آنرا کافی می دانند و به فکر اصلاح جامعه نمی باشند. اینگونه افراد از نظر اسلام مسئولند و باید غیر از خودسازی خود به فکر اصلاح مردم نیز باشند. روی گردانی از اصلاح مفسد جامعه برای انسان دستاوردهایی به همراه خواهد داشت.

امام رضا علیه السلام از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل فرمودند:

وقتی امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر حواله دادند باید در انتظار حوادثی از طرف خداوند باشند. (2)

علی علیه السلام فرمودند:

انجام دهنده به ظلم و راضی بودن به آن ظلم و یاری کردن به ظلم از نظر گناه مشترکند. (3)

تنها کسی که عمل گناهی را انجام می دهد، گناهکار نیست، بلکه کسانی نیز که به گناه او راضی هستند و با او مبارزه نمی کنند نیز در گناه شریک او هستند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خدای عزیز از مؤمن ضعیفی که دین ندارد عصبانی است و از او نفرت دارد. عرض کردند چه مؤمنی است که دین ندارد؟ حضرت فرمود: نهی از منکر نمی کند. (4)

امام باقر علیه السلام فرمودند:

امر به معروف و نهی از منکر دو فرد از مخلوق خدای عزیزند. کسی که امر به معروف و نهی از منکر را یاری کرد خدا او را عزیز می گرداند و کسی که آنها را نادیده گرفت خدا هم او را نادیده می گیرد. (5)

و امام باقر علیه السلام فرمودند: مؤمن واقعی کسی است که خدا را به وسیله امر به معروف و نهی از منکر اطاعت نماید. (6)

اگر انسان بخواهد حرفش تأثیر داشته باشد باید خود به آنچه می گوید عمل کند. در این مورد

ص: 100

1- . خصال صدوق، ج 1، ص 138.

2- . فروع کافی، ج 5، ص 59.

3- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 410.

- 4- . فروع كافي، ج 5، ص 59.
- 5- . خصال صدوق، ج 1، ص 115.
- 6- . بحار الانوار، ج 100، ص 84.

قرآن هشدار می دهد:

آیا مردم را به کار خیر وادار می کنید و خودتان آن را انجام نمی دهید. (1)

علی علیه السلام در روایتی فرمودند:

آنان که خود ارزشهای الهی، انسانی را رها می کنند و به دیگران دستور می دهند و نیز خود نازشیها را عمل می کنند و به دیگران توصیه ترك آنها را می دهند، خدای متعال بر آنان لعنت کرده است. (2)

محمد حسین حق جو

.13720

ص: 101

1- . «اتأمرون الناس بالبرّ»؛ (بقره / 44)

2- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 420.

مدارك و منابع

- 1 - قرآن كريم
- 2 - نهج البلاغه
- 3 - نهج الفصاحه
- 4 - اصول كافى
- 5 - نور الثقلين
- 6 - جامع السعادت
- 7 - اخلاق شبر
- 8 - مصباح الشريعة
- 9 - مكارم الاخلاق
- 10 - عدة الداعى
- 11 - وسائل الشيعة
- 12 - بحار الانوار
- 13 - روضة الواعظين
- 14 - ديوان امام على عليه السلام
- 15 - المحجة البيضاء
- 16 - ثواب الاعمال
- 17 - تحف العقول
- 18 - امالى شيخ مفيد رحمه الله
- 19 - علل الشرايع
- 20 - سير الائمة

21 - ارشاد القلوب

22 - الحقائق

23 - كشف الغمه

24 - خصال صدوق رحمه الله

25 - سفينة البحار

26 - الخصال

27 - قرب الاسناد

28 - لئالي الاخبار

29 - الاختصاص

30 - المحاسن

ص: 102

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

